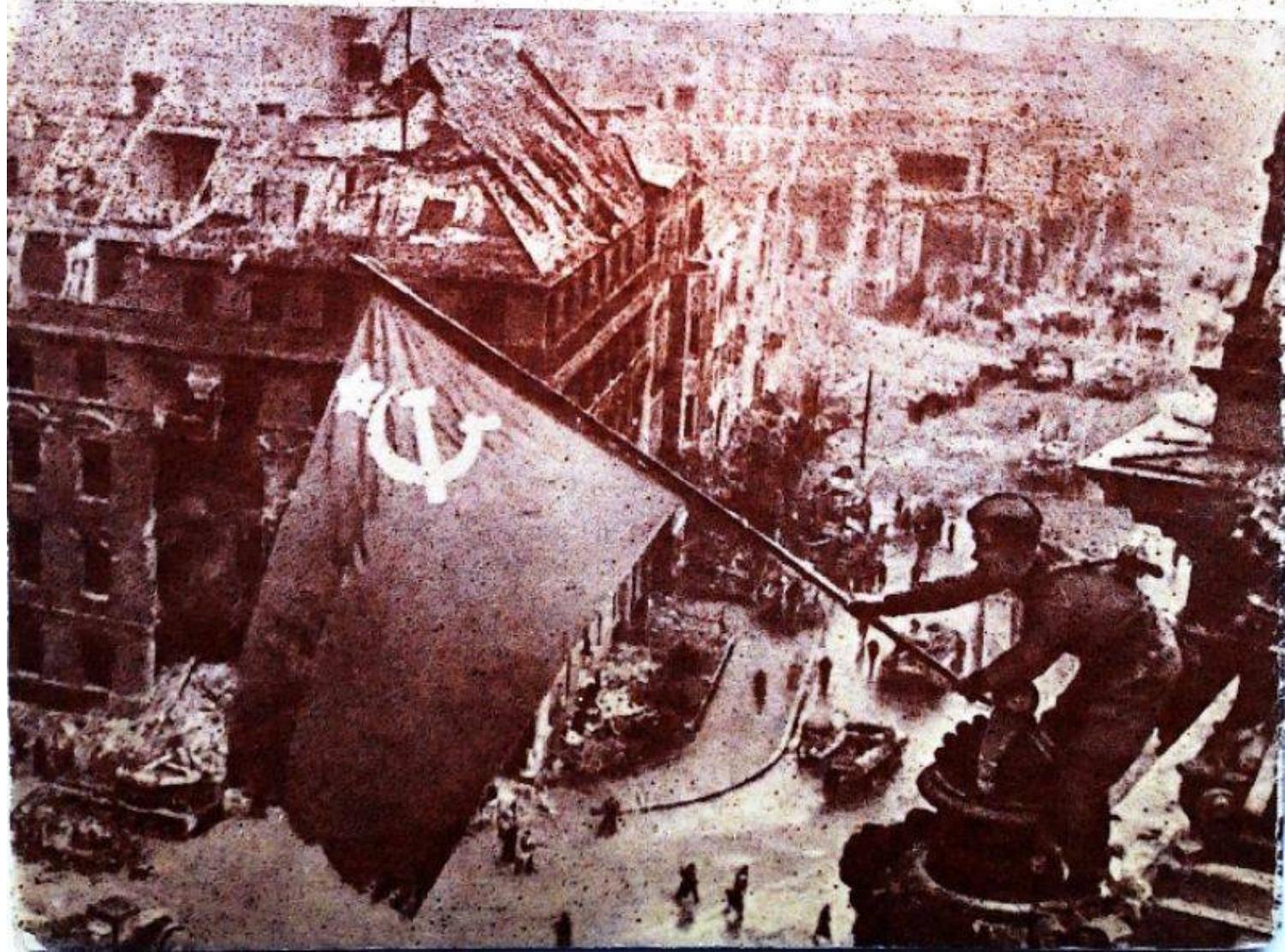


استالین

جنگ کبیر میهنی

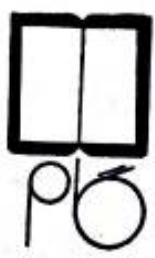
دیجیتال کنندہ : نینا پویان



ای. ستالین

نظريات استالين

راجع به جنگ



-
- جنگ کبیر میهندی
 - استالین
 - انتشارات گام



J. Brown

نطق در جلو رادیو ۳ ژوئیه سال ۱۹۴۱

رفقا! هم میهنان! برادران و خواهران!
جنگجویان ارتش و نیروی دریائی ما!

دوستان من بشما خطاب میکنم!

حمله خائنانه جنگی آلمان هیتلری به میهن ما که ۲۲ ژوئن
شروع شده ادامه دارد. با وجود مقاومت قهرمانانه ارتش سرخ با
اینکه بهترین لشکرهای دشمن و بهترین قسمت‌های هوا پیمایی او اکنون
منهدم شده و گور خودرا در میدانهای کار زار یافته‌اند، باز هم
دشمن بجهه نیروهای نو فرستاده بیشترانه پیشروی خودرا ادامه
می‌دهد. نیروهای هیتلر موفق شده‌اند لیتوانی قسمت مهم لتوانی
قسمت غربی بلوروسی و قسمتی از اوکراین غربی را تصرف نمایند.
هوا پیمایی فاشیستی منطقه عملیات بمب افکنهای خودرا توسعه داده
مورمانسک، ارشا، موگیلوف، اسمولنسک، کییف، ادسا و سواستوپل
را بمباران میکند. میهن ما مورد خطر جدی واقع شده است.

چطور شدکه ارتش سرخ پر افتخار ما یک رشته شهرها و نواحی
ما را به نیروی فاشیستها واگذار کرد؟ آیا واقعاً نیروی فاشیستی
آلمن در حقیقت امر چنانکه در اینخصوص مبلغین خود پسند
فاشیستی پی در پی نعره میزنند شکست نا پذیر هستند؟

البته نه! تاریخ نشان میدهد که ارتش مغلوب نشدنی نبوده و
نیست. ارتش ناپلیون را شکست نا پذیر میدانستند ولی آن ارتش
از طرف نیروی روس و انگلیس و آلمان بنوبه شکست خورد. ارتش

آلانی ویلهلم را هم در دوره نخستین جنگ امپریالیستی ارتش مغلوب نشدند میدانستند ولی آن ارتش چندین بار از نیروهای روس و انگلیس و فرانسه شکست خورده و سر انجام از طرف نیروهای انگلیس و فرانسه از پا در آمد. در باره ارتش کنونی آلمانی فاشیستی هیتلر نیز همینطور باید گفت. این ارتش هنوز در قاره اروپا با مقاومت جدی مواجه نشده تنهادر خاک ما با مقاومت جدی موافق گردیده است، و اگر در نتیجه این مقاومت بهترین لشکرهای مواجه گردیده باشد، اند از این چنین بر میاید: همانطوریکه ارتش نازیون و ویلهلم شکست خورد ارتش فاشیستی هیتلر را نیز میتوان شکست داد و مغلوب هم خواهد شد.

واما در باره اینکه قسمتی از خاک ما با وجود این بتصرف نیروی فاشیستهای آلمانی در آمده است علت عمدۀ اش آنست که جنگ آلمان فاشیستی بر ضد اتحاد شوروی در موردی آغاز شد که شرایط برای نیروی آلمانیها مساعد و برای نیروی شوروی نا مساعد بود. مطلب در آنستکه نیروی آلمان که کشور متخاصم است در آن موقع تماماً بسیج شده بود و ۱۷۰ لشکری که آلمان بر ضد اتحاد شوروی انداخته در پیرامون مرزهای شوروی تمرکز داده شده بود و آنها در حال آمادگی کامل تنها منتظر اشاره برای هجوم بودند، در صورتیکه برای نیروی شوروی هنوز لازم بود که جسیع شده و بمرازها نزدیک گردد. این کیفیت هم اهمیت کمی نداشت که آلمان فاشیستی غفلتاً و پیمان شکنانه معاهدۀ عدم تجاوز را که در سال ۱۹۳۹ بین آلمان و اتحاد شوروی منعقد شده بود نقض نمود بدون اینکه در نظر بگیرد که تمام حملهای اورا طرف متجاوز خواهد شناخت. بدیهی است که کشور صلح خواه ما که مایل نبود ابتکار نقض پیمان را بر عهده خود بگیرد نمیتوانست برای پیمان شکنی بیفتد.

میتوانند بیرون: چطور شد که حکومت شوروی باایک همچو مردمان پیمان شکن و مردودی مانند هیتلر و ریبن ترب به انعقاد پیمان عدم تجاوز راضی شد؟ آیا در اینمورد از طرف دولت شوروی خطای سر نزد است؟ البته نه! پیمان عدم تجاوز بمنزله پیمان صلح بین دو دولت میباشد. بعینه همینطور پیمانی را در سال ۱۹۳۹ آلمان به ما پیشنهاد کرد. آیا حکومت شوروی میتوانست از اینگونه پیشنهاد امتناع ورزد؟ من گمان میکنم که هیچ دولت صالح طلبی حتی اگر سر آن آندولت همچو اشخاص مردود آدمخواری مانند هیتلر و ریبن ترب هم باشند نمیتوانند از انعقاد عهد نامه مسالمت آمیز با دولت همسایه اش امتناع ورزد و این نکته البته در صورت یک شرط حتی میتوانست عملی شود یعنی هر گاه این سازش صلح آمیز نه بطور مستقیم و نه بطور غیر مستقیم به تمامیت کشور واستقلالیت و شرافت دولت صلح جو بر نخورد. چنانکه معلوم است پیمان عدم تجاوز بین آلمان و اتحاد شوروی بعینه یکچنین پیمانی میباشد.

با آلمان پیمان عدم تجاوز منعقد نموده ما چه فایده بردیم؟ ما در ظرف یکسال و نیم برای کشور خود بر قرار ماندن صلح و آسایش وامکان تهیه قوا خود را برای مقاومت در صورتیکه آلمان فاشیستی خود را بمحاطه انداخته بر خلاف پیمان بکشور ما حمله کند تأمین کردیم. این برای ما بر د مسلم و برای آلمان فاشیستی باخت بوده است.

آیا آلمان فاشیستی که پیمان شکنانه قرار داد عدم تجاوز را زیر پا افکنده و به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هجوم آورد به چه نائل گردید و چه چیز را از است داد؟ آلمان بدین وسیله در مدت کوتاهی موفق شد برای ارتش خود موقعیت نافعی بدست آورد لیکن آلمان از لحاظ سیاسی باخت و در نظر همه جهانیان خود را مانند متجاوز خونخوار فاش و رسوا کرد. نمیتوان شک و شببه داشت که این بر جنگی موقتی برای آلمان بمنزله حادثه کوتاه

مددی میباشد ولی برد بزرگ سیاسی برای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یک عامل جدی و ممتدی میباشد که بر اساس آن در جنگ با آلمان فاشیستی بایستی موفقیتهای قطعی لشکری ارتش سرخ توسعه یابند.

بهمین جهت است که تمام ارتش دلاور ما و تمام نیروی دریائی با شهامت ما تمام خلبانان عقاب پرواز ما وکلیه ملل کشور ما تمام بهترین اشخاص اروپا امریکا و آسیا بالاخره بهترین افراد آلمان اعمال خیانتکارانه فاشیستهای آلمان را مورد افتضاح قرار داده و با حسن نیت نسبت به حکومت شوروی رفتار مینمایند و رویه دولت شوروی را تحسین نموده و می بینند که حق با ما است و دشمن درهم شکسته خواهد شد و ما باید فتح نمائیم.

نظر به جنگی که بما تحمیل شده کشور ما با غذار و مکار ترین دشمن خود یعنی بر ضد فاشیزم آلمان به جنگ مهلك وارد شده. نیروی ما بر ضد دشمن که با تانکها و نیروی هوایی غرق سلاح میباشد قهرمانانه جنگ میگنند. ارتش سرخ و نیروی دریائی سرخ بر مشکلات و سختی های متعددی فایق آمده برای هر وجب خاک شوروی فداکارانه پیکار مینمایند. نیروهای عمدۀ ارتش سرخ که با هزاران تانک و هوا پیما مسلح و مجهز میباشند وارد نبرد میشوند. شجاعت و رشادت جنگ آوران ارتش سرخ بسیمانند است. مقاومت ما به دشمن محکم تر و فزونتر میشود. تمام ملت شوروی دوش جدوش ارتش سرخ برای دفاع از میهن خود به مبارزه قیام مینماید. برای بر طرف ساختن خطری که متوجه میهن ما شده چه لازم است و برای تاروما کردن دشمن چه اقداماتی باید بعمل آورد؟ قبل از همه لازم است که مردمان ما یعنی مردمان شوروی به عمق خطری که کشور مارا مورد تهدید قرار داده بی برد و از گذشت و رحملی و اهمالکاری و همچنین از روحیات ساختمان دوره صلح و آسایش که در موقع پیش از جنگ عادی و طبیعی بودند

ولی اکنون که جنگ وضعیت را از ریشه عوض کرده هلاکت آور میباشد امتناع ورزند. دشمن ظالم و سنگدل است و تصرف کردن خاک مارا که عرق جبین ما در راه آبادی آن ریخته شده و بدست آوردن غله ما و نفت مارا که در نتیجه زحمت و کار ما تهیه و بدبست آمده است هدف و منظور خود قرار داده. دشمن استقرار حکومت املاکداران استقرار تزاریزم و همچنین ویران ساختن تمدن ملی واستقلالیت ملی و دولتی روسها اکرائینیها بلوروسها لیتوانیها استونیها ازبکها تاتارها مولداوها گرجیها ارمنیها آذربایجانیها و سایر ملت‌های آزاد اتحاد شوروی و آلمانی کردن و مبدل نمودن آنها به غلامان شاهزادگان و بارونهای آلمانی هدف و منظور خود قرارداده. از اینرو مطلب در سرهستی و نیستی دولت شوروی در سر هستی و نیستی ملل اتحاد جماهیر شوروی سویاپلیستی است، موضوع در سر آنست که ملل اتحاد شوروی آزاد بمانند و یا دچار ظلم و اسارت شوند. لازم است که مردمان شوروی اینرا فهمیده و بیقیدی و بی پروانی را کنار گذارند. باید که آنها خود را بسیج نموده تمام کارهای خود را بر پایه نوینی یعنی بر اساس نظامی که نسبت به دشمن امان و رحمی را نداند تجدید بنا نمایند.

سپس لازم است که در صفوں ما جائی برای آه و ناله گشته گان و اشخاص ترس و تولید گشته گان ترس و اضطراب بی اساس و فراریان نباشد. ضرور است که مردمان ما در مبارزه و پیگار ترس و هراس نداشته باشند و فداکارانه به جنگ میهند آزادی بخش ما بر ضد اسیر و مطیع گشته گان فاشیستی بروند. لینین کبیر که دولت مارا ایجاد نموده است میگفت که صفات اصلی و اساسی مردمان شوروی از شجاعت شهامت، نداشتن ترس در موقع پیگار و حاضر بودن برای نبرد دوش بدوش ملت بر علیه دشمنان میهن ما عبارت میباشد. لازم است که این صفت با شکوه در خشان بالشویک دسترس ملیون و ملیونها افراد ارتقش سرخ و نیروی دریائی سرخ ما و تمام

ملل اتحاد شوروی باشد. ما باید بی درنگ تمام کارهای خود را بر اساس جنگ تجدید بنا نمائیم و همه چیزرا به مصالح جبهه و به منظور تشکیل دادن و فراهم آوردن اسباب و وسایل تارومار کردن دشمن تابع سازیم. ملل اتحاد شوروی اکنون میبینند که فاشیزم آلمان در کینه شر بار و هار خود نسبت به میهن ما که کار آزاد و آسایش و رفاهیت زحمتکشان را تأمین نموده رام نشدنی است. ملل اتحاد شوروی باید به دفاع حقوق و سر زمین خود بر ضد دشمن قیام نمایند.

ارتش سرخ نیروی دریائی سرخ و تمام هم میهنان اتحاد شوروی باید از هر وجہ خاک شوروی دفاع نمایند، باید تا آخرین قطره خون خود برای حفظ شهرها و دهات ما رزم نموده شجاعت ابتکار وزرنگی و چابکی که مختص به مات ما میباشد بخرج دهند.

ما باید به ارتش سرخ از هر حیث کمک نمائیم و تکمیل نمودن صفوں آنرا بطور جدی تأمین و تمام ملزمومات و احتیاجات آنرا تأمین سازیم. ما باید حرکت سریع و سائل نقلیه را که حامل افراد و بارهای نظامی میباشند مرتب و منظم سازیم و به زخمی ها کمک و مباری وسیعی بنماییم.

ما باید عقب سر جبهه ارتش سرخ را محکم نموده تمام عملیات خود ما را به نفع این کار تابع کنیم. ما باید کار جدی و سریع همه بنگاه هارا تأمین کرده هرچه زیادتر تفنگ مسلسل توب فشنگ گلاوله توب هوا پیما تولید و تهیه کنیم. ما باید محافظه کارخانه ها ایستگاه های قوه برق ارتباط تلفون و تلگراف را تشکیل کرده کار دفاع ضد هوائی محلی را بترتیب در آوریم.

ما باید بر ضد هر گونه مختل گنبدگان عقب سر جبهه بر ضد فراریها و تولید گنبدگان ترس و هراس بر ضد اشخاصی که شایعات مختلف را منتشر می نمایند مبارزه بپر حمامه تشکیل کرده جاسوسها و مخبرین و چتر بازان دشمن را نابود کرده و در تمام این عملیات

به گردن نابود کننده خود مساعدت و همراهی سریع بنماییم.
باید در نظر داشت که دشمن مکار محیل و در فریب دادن و منتشر
کردن شایعات دروغ با تجربه است. باید تمام اینهارا مدد نظر
گرفته به هیچ گونه تحریکی تسلیم نگردیم. باید تمام اشخاص را که
بوسیله دهشت و هراس انگیزی و بزدلی خود بکار دفاع خالی میرسانند
فوراً به داد گاه نظامی جلب نمود و به رسمیت اشخاص نگاه نکرد.
در هنگام عقب نشینی اجرای قسمتهای ارتش سرخ باید تمام
نواقل روی خط آهن را همراه خود برده یک دانه هم لکوموتیف یکدانه
هم واگن برای دشمن باقی نگذاشت باید یک کیلوگرام هم نان
و غله یک لیتر هم سوخت برای دشمن باقی نگذاشت. کالخوزیها
باید کلیه احشام واغنام را همراه خود برده تمام غله موجوده را برای
نگاهداری و فرستادن آن بنواحی عقب سر جبهه به دوایر دولتی بسپارند.
تمام اموال واشیاء ذی قیمت واز آن جمله فلزهای ونکه غله وسوخت
را که حمل آنها غیر ممکن است باید بی چون ونچرا نیست ونابود
گرد.

در نواحی که دشمن اشغال کرده است باید دست劫ات چریک پیاده
وسواره تائسیس نموده برای مبارزه بر ضد قسمتهای ارتش دشمن
برای دو همه جا و هرجا بر پا کردن جنگ چریک برای منفجر کردن
پلها. راهها و تخریب ارتباط تلفون وتلگراف برای آتش زدن جنگلها
انبارها و بندها گروههای تخریبی ایجاد کرد. در نواحی تصرف شده
باید برای دشمن و تمام همدستان وی شرایط غیر قابل تحمل بوجود
آورده آنها را در هر قدم تعقیب و نابود کرد و تمام اقدامات آنها را
محظوظ نمود.

جنگ بر ضد آلمان فاشیستی را نمیتوان یک جنگ معمولی شمرد.
این جنگ تنها جنگ بین دو ارتش نیست. این جنگ در آن واحد
جنگ کبیر تمام ملت شوروی بر ضد نیروی آلمان فاشیستی میباشد.
مقصد این جنگ میهنی تمام ملت شوروی بر ضد ستمکاران فاشیست

نه فقط بر طرف کردن خطری که متوجه کشور ما گردیده است میباشد بلکه این جنگ مقصد یاری رساندن به ملت‌های اروپا را که در زیر ظلم و جور فاشیزم آلمان ناله میکنند نیز در بر دارد. در این جنگ ازادی بخش ما یکه و تنها خواهیم بود. در این جنگ عظیم ما در شخص ملت‌های اروپا و امریکا و منجمله در شخص ملت آلمان که از طرف سر دسته‌های هیتلری اسیر و مظلوم گردیده است متفقین صادق وبا وفا خواهیم داشت. جنگ ما برای آزادی میهن خود با مبارزه ملل اروپا و امریکا در راه استقلالیت خودشان در راه آزادی‌های دموکراتی توأم خواهد شد. این جنگ جبهه متحد ملت‌هایرا تشکیل خواهد داد که آنها طرفدار آزادی و بر ضد اسارت و تهدید اسارت از طرف ارتش‌های فاشیستی هیتلر هستند. به همین مناسبت نطق تاریخی آقای چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر در باره کمک و همراهی به اتحاد شوروی و بیانیه حکومت ممالک متحده امریکا در باره آماده بودن آنها برای کمک به کشور ما که میتوانند در قلب ملت‌های اتحاد شوروی فقط احساسات تشکر آمیز تولید کنند کاملاً واضح و نونه وار هستند.

رفقا! نیرو و قوای ما بی شمار و بی پایان است.

دشمنی که زیاده از حد بخود متکبر و مغorer شده است باید بزودی در این موضوع اطمینان حاصل نماید. به جنگ بر ضد دشمن مهاجم دوش بدش ارتش سرخ هزارها کارگران کالخوزیها و منورین قیام میکنند. میلیونها توده ملت ما به این جنگ قیام خواهند کرد. زحمتکشان مسکو ولینینگراد برای کمک به ارتش سرخ به تشکیل هزاران هزار افواج ملی اقدام کرده اند. در هر شهری که تهدید خطر هجوم دشمن موجود است ما باید از این قبیل افواج ملی تشکیل کرده تمام زحمتکشان را بمبارزه بلند کنیم تا آنکه در جنگ میهانی خود بر ضد فاشیزم آلمان آزادی خود ناموس و شرف خود و میهن خود را با فداکاری و جان نثاری دفاع نمائیم.

به منظور بسیج سریع تمام نیروهای ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برای درهم شکستن دشمنی که خیانتکارانه به میهن ما حمله کرده است، - کمیته دفاع دوامی تشکیل گردیده که حالا اختیار مطلق زمامداری دولت در دست وی متمرکز شده است. کمیته دفاع دولتی به کار خود آغاز کرده است و اینک تمام ملت را دعوت میکند که برای پشتیبانی فداکارانه به ارتش سرخ و نیروی دریائی سرخ برای تارومار کردن دشمن برای غله و پیروزی در اطراف حزب لنین-ستالین و در پیرامون حکومت شوروی متحد شوند.

تمام قوای ما باید برای یاری و پشتیبانی ارتش سرخ قهرمان ما و برای نیروی دریائی سرخ پرافتخار ما بکار بردہ شود!
تمام نیروی ملت باید برای تار و مار کردن دشمن بکار بردہ شود!
برای غله و پیروزی ما به پیش!

جشن ۲۴ سالگی انقلاب کبیر سویاالیستی اکتبر

گذارش در مجلس جشن شورای نمایندگان زحمتکشان مسکو با تفاق
تشکیلات‌های حزبی و اجتماعی شهر مسکو ۶ نوامبر سال ۱۹۴۱

رفقا!

از زمانیکه انقلاب سویاالیستی اکتبر در کشور ما پیروز مند گردیده و در مملکت سازمان شوروی بر قرار گردید ۲۴ سال گذشت. اکنون ما در عرفه سال بیست و پنجم سازمان شوروی قرار گرفته ایم. معمولاً در مجلس جشن سالیانه انقلاب اکتبر نتایج موفقیت و کامیابیهای ما در رشته ساختمان کشوری در طی سال گذشته خلاصه میگردد. ما حقیقتاً امکان داریم چنین نتایج را خلاصه نمائیم، چونکه موفقیتهای ما در رشته ساختمان کشوری نه اینکه سال به سال، بلکه ماه بما افزایش می‌یابند. اینها چه موفقیتهاستند و تاچه اندازه آنها بزرگند. این موضوع برهمه-هم بدوسستان و هم بدشمنان ما معلوم است.

ولی سال گذشته زه فقط سال ساختمان کشوری است. سال گذشته در عین زمان سال جنگ با استیلاگران آلمانی میباشد که عهد شکنانه به کشور صلح دوست ما حمله کرده است. فقط در مدت شش ماه اول سال گذشته ما موفق شدیم کارهای ساختمان کشوری خودرا ادامه دهیم. نیمه دوم سال، بیش از چهار ماه آن در محیط و شرایط جنگ سخت با امپریالیست‌های آلمان میگذرد. بنابراین جنگ در ترقی و پیشرفت کشورما در سال گذشته به نقطه گردن مهمل گردید. جنگ

در برخی رشته‌ها کار ساختمان کشوری مارا بدرجه زیادی تقلیل داد و در بعضی رشته‌ها بکلی قطع گرد. جنگ مارا و ادار ساخت تمام کارهای خودمان را بروش نظامی در آوریم. جنگ کشور مارا به پشت سر جبهه یگانه و متحدی مبدل ساخت که مشغول تأمین نیازمندیهای جبهه، مشغول تأمین احتیاجات ارتش سرخ ما و ناوگان سرخ ما میباشد.

دوره ساختمان کشوری خاتمه یافت و دوره جنگ آزادی طلبی با استیلاگران آلمانی آغاز گردید.

بنابراین کاملاً موقع و بجا است که در اینجا مسئله راجع به نتایج جنگ در نیمه دوم سال گذشته، یعنی واقعاً در مدت چهار ماه و اندی از نیمه دوم سال گذشته و همچنین مسئله دایر به وظایفی که ما در این جنگ آزادی طلبی در مقابل خود میگذاریم، بیان گذاشته شود.

جریان جنگ در مدت چهار ماه

من در یکی از سخنرانیهای خودم در آغاز جنگ گفته بودم که جنگ برای کشور ما تهدید خطرناکی را تولید نموده و خطر مهمی متوجه کشور ما گردیده است و باید به اهمیت این خطر پی برده آنرا درک نمود و تمام کارهایمان را تجدید بنا داده به روش نظامی در آورد. اکنون در نتیجه چهار ماه جنگ من باید خاطر نشان نمایم که این خطر نه اینکه ضعیف نشده، بلکه بر عکس باز هم بیشتر شدت یافته است. دشمن قسمت زیاد اوکرائی، بلروسی، مولداوی، لیتوانی، لتونی، استونی و یکرشته ایالات دیگر را تصرف نموده داخل دنیا شده است، مانند ابر سیاه محیط لینینگراد را فراگرفته به پایتخت با افتخار ما یعنی بمسکو تهدید می‌کند، استیلاگران آلمانی فاشیست کشور ما را غارت میکنند، شهرها و دهاتیرا که در نتیجه زحمت

کارگران، دهقانان و منورین ایجاد گردیده خراب میکنند. اردوهای هیتلری اهالی غیر نظامی کشور ما را میکشند و نسبت به آنها اجحاف نموده به زنان، کودکان و پیر مردان رحم نمیکنند. برادران ما در ایالات متصرفی کشور ما در زیریوغ ستمکاران آلمانی ناله میکنند. جنگجویان ارتقش و نیروی دریائی ما سیل خون دشمن را جاری نموده از شرف و آزادی میهن خود دفاع میکنند و مردانه وار حملات دشمن وحشی شده را دفع نموده نمونه و سرمشق شجاعت و قهرمانی از خود ابراز میدارند. ولی دشمن در مقابل هیچگونه قربانی وتلفات توقف نمیکند، او قدر خون سربازان خود را نمیداند، وی در عوض افرادی که از پا در آمده اند دسته های نو بنو به جبهه سوق داده و تمام قوای خود را صرف آن میکند که قبل از آغاز زمستان مسکو و لینینگراد را اشغال نماید، زیرا دشمن میداند که زمستان هیچ چیز خوبی به او وعده نمیدهد.

ما در مدت چهار ماه جنگ ۳۵۰ هزار نفر کشته و ۳۷۸ هزار نفر مفقودالاثر از دست داده‌ایم و شماره زخمیان ما عبارت از یک میلیون و ۲۰ هزار نفر است. ولی دشمن در همین مدت از لحاظ کشته شده‌گان، زخمیان و اسیران بیش از ۴ میلیون و پانصد هزار نفر تلفات داده است.

شکی نیست که در نتیجه چهار ماه جنگ، آلمان که ذخایر نقرات آن متدرج» بیان می‌رسد، نسبت به اتحاد شوروی که ذخایر آن فقط حالاً کاملاً بکار انداخته شده‌اند، خیلی ضعیفتر شده است.

عقیم ماندن «جنگ برق آسا»

استیلاگران آلمان فاشیست هنگام آغاز حمله به کشور ما براین عقیده بودند که آنها بطور حتم خواهند توانست در مدت یکماه و نیم دوماه کار اتحاد شوروی را «بسازند»، و خواهند توانست در همین

مدت کوتاه تا به اورال برستند . باید گفت که آلمانیها این نقشه پیروزی «برق آسای» خودرا پنهان نمی کردند . بر عکس آنها این نقشه خودرا بهر وسیله منتشر می ساختند . ولی حقایق نشان دادند که این نقشه «برق آسا» بکلی بی ملاحظه بوده و فاقد هر گونه اساس و زمینه ای می باشد . اکنون باید چنین شمرد که این نقشه ابله اند بطور قطع عقیم مانده و بعدم موقیت منجر گردیده است . (کف زدنها) علتی چیست که «جنگ برق آسا» که در اروپای غربی احراز موقیت نموده است ، در خاور کامیاب نگردیده و عقیم ماند ؟

آیا لشکر کشان واستراتژهای آلمانی فاشیست که می گفتند در دو ماه آنها کار اتحاد شوروی را ساخته و در این مدت کوتاه تا به اورال خواهند رسید به چه چیز امید وار بودند ؟

آنها قبل از همه بطور جدی امید وار بودند که بر ضد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ائتلاف عمومی تشکیل نمایند ، بریتانیایی کبیر و کشورهای متعدد امریکا را به این ائتلاف جلب نموده و قبل از محافل حاکمه کشورهای مذکور را از واهه انقلاب بترسانند و بدین طریق کشور ما را از سایر دول جدا و منفرد نمایند . آلمانیها میدانستند که سیاست آنها در قسمت تولید ضد و تقیض بین طبقات دول جداگانه و بین این دول و کشور شوروی در فرانسه نتایج خود را بخشیله است ، زیرا فرمانفرما مایان فرانسه از شبه انقلاب قرسیدند و دستپاچه بنده میهن خود را زیرپای هیتلر گذاشته از مقاومت صرف نظر کردند . لشکر کشان آلمانی فاشیست خیال میکردند که در بریتانیای کبیر و کشورهای متعدد امریکا نیز همین واقعه رخ خواهد داد . هس به اصطلاح معروف را فاشیستهای آلمان واقعاً برای همین مقصد به انگلیس فرستادند که سیاستمداران انگلیس را در مسئله العاق به لشکر کشی عمومی بر ضد اتحاد ج ش س متلاعند سازد . ولی آلمانیها سخت بخطا رفتند . (کف زدنها) بریتانیای کبیر و کشورهای متعدد امریکا با وجود سعی و کوشش هس نه اینکه فقط به لشکر کشی

استیلاگران آلمانی فاشیست بر ضد اتحاد جشس ملحق نشدند، بلکه بر عکس آنها بر ضد آلمان هیتلری با اتحاد جشس به یک اردوگاه داخل شدند. اتحاد جشس نه اینکه فقط جدا و منفرد نگردید، بلکه بر عکس برای خود در شخص بریتانیایی کبیر، کشورهای متعدد امریکا و سایر کشورها ئیکه از طرف آلمانیها اشغال گردیده اند، متفقین تازه ای پیدا کرد. معلوم شد که سیاست آلمانیها در قسمت تولید تنافضات و ترساندن از شبه انقلاب، از کار افتاده و دیگر برای محیط جدید موافق و مناسب نمی باشد. و نه فقط مناسب و موافق نمی باشد، بلکه برای استیلاگران آلمانی مخاطرات بزرگی را در بر دارد، زیرا این سیاست در شرایط تازه جنگ مستقیماً به نتایج متضاد منتهی میگردد.

نانیا آلمانیها به نا استواری سازمان شوروی و به نا استواری پشت سر جبهه شوروی امیدواری داشته گمان میکردند که پس از نخستین ضربت جدی و بعد از اولین ناکامیهای ارتش سرخ، فوراً بین کارگران و دهقانان نزاع آغاز گردیده و بین ملت‌های اتحاد جشس زد و خورد شروع خواهد شد، شورش و اغتشاشات برپا گردیده و کشور به قسمتهای جداگانه متلاشی خواهد شد و این امر پیش روی استیلاگران آلمان را تا به اورال آسان خواهد کرد. ولی آلمانیها در اینجا نیز سخت بخطا رفته‌اند. ناکامیهای ارتش سرخ نه اینکه فقط اتحاد کارگران و دهقانان و همچنین دوستی بین ملت‌های اتحاد جشس را ضعیف نمودند، بلکه بر عکس این اتحاد و این دوستی را باز هم بیشتر مستحکم و استوار نمودند (کف زدنها). علاوه از آن ناکامیهای ارتش سرخ خانواده ملت‌های اتحاد جشس را به اردوگاه یگانه و تزالزل ناپذیری مبدل نمودند که با کمال فداکاری و جان نشاری از ارتش سرخ خود و از ناوگان سرخ خود پشتیبانی می‌نماید. پشت سر جبهه شوروی هنوز هیچ وقت مانند حالاً محکم و استوار نبوده است. (کف زدنهای شورانگیز). احتمال بکلی

دارد که هر یک دولت دیگری در صورت از دست دادن اینقدر خاکی که ما حالا از دست داده ایم، از عهده آزمایشات بر نیامده و رو بزواں می‌گذاشت. اگر سازمان شوروی به این آسانی از عهده آزمایش بر آمد و پشت سر جبهه خود را بیشتر محکم و استوار نمود، معلوم می‌شود که رژیم و سازمان شوروی سازمان از همه محکم و استوارتری می‌باشد. (کف زدن‌های شورانگیز).

بالاخره استیلاگران آلمانی به ضعیف بودن ارتقش سرخ و ناوگان سرخ امید وار بوده و گمان می‌کردند که ارتقش آلمان و ناوگان آلمان موفق خواهند گردید در نتیجه اولین ضربت، ارتقش ما و ناوگان مارا واژگون ساخته و پراکنده نمایند و برای بیش روی بی مانع خود به اعماق کشور ما برای خود راه باز کنند. ولی آلمانیها در اینجا نیز سخت بخطا رفتند، چونکه آنها بـ۴ نیروی خود زیاده از حد قدر و قیمت داده و ارتقش و ناوگان مارا درست و بقدر کافی نسنجیدند. بدیهی است که ارتقش ما و ناوگان ما هنوز تازه کار هستند؛ آنها فقط چهار ماه است که جنگ می‌کنند؛ آنها هنوز فرصت نکرده‌اند ارتقش و ناوگان کادری بشوند، در حالیکه در مقابل آنها ارتقش و ناوگان کادری آلمانیها قرار گرفته است که اکنون ۲ سال است جنگ می‌کنند. ولی اولاً حالت روحیه ارتقش ما از حالت روحیه ارتقش آلمان باند تراست، زیرا ارتقش ما میهن خود را از تهاجم استیلاگران اجنبی مدافعت نموده و به حقانیت کار خود اطمینان و باوری دارد، در صورتیکه ارتقش آلمان جنگ استیلاگرانه از پیش برد و کشور بیگانه را غارت می‌کند و امکان ندارد که یکدیگر هم به حقانیت کار شنیع خود باوری داشته باشد. شبیه ای نیست که ایده دفاع میهن خود که مردمان ما برای همان مقصد جنگ می‌کنند، باید در ارتقش قهرمانانی را بوجود بیاورند و حقیقتاً بوجود می‌آورند که آنها اساس و بنیاد ارتقش سرخ را محکم و استوار می‌کنند؛ ولی ایده تصرف و غارتگری کشور بیگانه که آلمانیها برای همان مقصد می‌جنگند باید در ارتقش آلمان غارتگران

حرفه ای را بوجود بیاورند و واقعاً بوجود می‌آورند که آنها فاقد هر گونه اساس و بنیاد معنوی بوده وارتش آلمان را فاسد کرده از یکدیگر متلاشی می‌سازند. ثانیاً ارتش آلمان که به اعماق گشور ما پیشروی می‌کند، از پشت سر جبهه آلمانی خود دور شده و مجبور است در گشور بیگانه برای خود پشت سر جبهه تشکیل دهد که آنهم از طرف چریکهای ما ویران گردیده وامور تامین ارتش آلمان را از ریشه مختل می‌سازد، ارتش آلمان را وادار می‌نماید از پشت سر جبهه خود بترسد و بدین طریق اطمینان به مستحکم و استوار بودن وضعیت خودش از دست می‌رود، در حالتیکه ارتش ما در محیط زاد و بومی خود عملیات نموده پی در پی از طرف پشت سر جبهه خود پشتیبانی می‌شود، از لحاظ نفرات، مهمات جنگی، خوار بار کاملاً تامین است و به پشت سر جبهه خود باوری کامل دارد. به همین سبب است که ارتش ما از آنکه آلمانیها گمان می‌کرددند نیرو مندتر وارتش آلمان از آنکه، بنا به انتشارات لاف و گزاف اخیر استیلاگران آلمان، ممکن بود تصور کرد ضعیفتر در آمد. دفاع لنینگراد و مسکو که در آنجا لشکرهای ما چندی قبل تقریباً ۳۰ لشکر کادری و اساسی آلمانیها را، معدوم ساختند، نشان میدهد که در آتش جنگ میهند جنگجویان و فرماندهان، خلبانان، توپچیان، میمن اندازان، قانکیستها، پیادگان و ناویان قازه ای تهیه می‌شوند و تهیه شده اند که آنها فردا برای ارتش آلمان به نیروی مخوف و مهیبی مبدل می‌گردند. (کف زدنهاش شورانگیز).

شکی نیست که تمام این کیفیات بطور یکجا یه ناگزیری عقیم ماندن «جنگ برق آسا» را درخاور قblaً معین نمودند.

سببهای ناکامیهای موقتی ارتش ما

البته تمام اینها صحیح است. ولی این موضوع نیز صحیح میباشد که برابر این شرایط مساعد موافق یکرشته شرایط نا مساعد و نا موافق نیز برای ارتش سرخ موجود است که بر اثر آنها ارتش ما بناکامیهای موقتی دچار گردیده مجبور است عقب نشینی کند، مجبور است یک رشته ولایات و ایالات کشور ما را بدشمن واگذار نماید.

آیا این شرایط نا مساعد و نا موافق از چه عبارتند؟ سبب و علل ناکامیهای جنگی، موقتی ارتش سرخ در کجا نهفته است.

یکی از سببهای ناکامیهای ارتش سرخ عبارت است از فقدان جبهه دوم در اروپا بر ضد نیروی آلمانی، فاشیست. موضوع در سر اینست که در حال حاضر در قاره اروپا هیچگونه ارتش بریتانیای کبیر یا کشورهای متعدد امریکا موجود نمی باشد که آنها با نیروی آلمانی فاشیست در جنگ باشند و به همین علت به آلمانیها لازم نمی آید نیروی خود را تقسیم کرده و در دو جبهه، یعنی در مغرب و در شرق جنگ بکنند. و این کیفیت باعث آن میگردد که آلمانیها پشت سر جبهه خود را در مغرب تأمین و استوار دائسته امکان دارند کلیه نیروی خود و نیروی متفقین خود را در اروپا بر ضد کشور ما سوق دهند. وضعیت اکنون طوری است که کشور ما بدون هیچگونه کمک نظامی از طرف کسی خودش تنها بر ضد نیروهای متعدد شده آلمانیها، فنلاندیها، رومانیها، ایتالیائیها و مجارستانیها جنگ آزادی بخش از پیش میبرد. آلمانیها بموافقیهای موقتی خود مغروف بوده ارتش خود را بی اندازه تعریف و تمجید میکنند و اطمینان میدهند که ارتش آلمان همیشه میتواند به ارتش سرخ در رزمهای قن به تن غالب آید. ولی این اطمینانهای آلمانیها لاف و گزاف خشک و خالی است، زیرا در آن صورت معلوم نیست که چرا آلمانیها بر ضد ارتش

سرخ که فقط با قوای خود و بدون کمک نظامی از طرف کسی جنگ می‌کند، به کمک فنلاندیها، رومانیها، ایتالیائیها، مجارستانیها متولّ گردیدند. شبهه ای نیست که فدان جبهه دوم در اروپا بر ضد آلمانیها وضعیت ارتقش آلمان را خیلی آسان تر می‌کند. ولی در این موضوع نیز نمیتوان شک و تردیدی داشت که ظهور جبهه دوم در قاره اروپا- و آن بی چون و چرا باید در آتیه نزدیکی بوجود بیاید (کف زدنها شورانگیز)، - وضعیت ارتقش مارا به ضرر ارتقش آلمان بطور اساسی آسانتر خواهد کرد.

سبب دیگر ناکامیهای موقتی ارتقش ما در اینست که ما از حیث تانک و قسمای از حیث هوا پیمائی نقصان داریم. در جنگ کنونی مبارزه کردن پیاده نظام بدون تانک و بدون پوشش هوا پیمائی مکافی از هوا خیلی مشکل است. صفت هوا پیمائی ما از هوا پیمائی آلمان بهتر است و خلبانان با افتخار ما خودرا بمنزله جنگجویان بی بالک غرق شرف و افتخار کرده اند. (کف زدنها) ولی مقدار هوا پیماهای ما عجالتاً از آلمانیها کمتر است. صفت تانکهای ما نسبت به تانکهای آلمان بر قری و تفوق دارد و تانکیستها و توپچیان با افتخار ما مکرر نیروهای پر آوازه آلمانیها را با تانکهای زیاد شان وادر بفرار نموده اند (کف زدنها). ولی با وجود این ما چند برابر کمتر از آلمانیها تانک داریم. سرّ موقیتهای موقتی ارتقش آمان در همین است. نمیشود گفت که صنایع تانک سازی ما خیلی خوب کار کم تانک تعویل میدهد. نه، صنایع تانک سازی ما خیلی خوب کار میکند و مقدار زیادی تانک اعلا تهیه می‌نماید. ولی آلمانیها خیلی بیشتر تانک تهیه می‌کنند، زیرا آنها اکنون غیر از صنایع تانک سازی خود، صنایع تانکسازی چک و اسلواکی، بلژیک، هاند، و فرانسه را نیز تحت اختیار و استفاده خود قرار داده اند. بدون این وضعیت ارتقش سرخ مدتی پیش از این ارتقش آلمان را شکست داده و مغلوب میکرد، زیرا وی بدون تانک داخل رزم نشده و اگر از لحاظ تانک

برتری و تفوق نداشته باشد، در مقابل ضربات قسمتهاي ما تاب
مقلومت نص آورد. (کف زدنها).

براي بر طرف ساختن و به صفر مبدل نمودن بر قري وتفوق
آلمانيها از لحاظ تانك و بدین وسیله بطور اساسی بهتر کردن وضعیت
ارتتش ما فقط يك چاره ضروري هست. و اين چاره نه فقط عبارت
ازاینست که بر مقدار تولید و استحصال تانك در کشور ما چند برابر
افزوده شود، بلکه همچنین عبارت ازاینست که استحصال هوایپماهای
ضد تانك، تفنگ و توپهای ضد تانك، نارنجک و مین اندازهای ضد
تانك منتها درجه ترقی و افزایش يابد، خندق و چالمهای ضد تانك و
هرگونه موانع دیگر ضد تانك بیشتر و بیشتر ساخته شود.
وظیفه ما حالا دراینست.

ما میتوانیم این وظیفه را اجرا کنیم و ما باید بهر نحوی که شده
است این وظیفه را اجرانماییم!

«ناسیونال سویالیستها» کیانند؟

استیلاگران آلمانی، یعنی هیتلریها را در کشور ما معمولاً فاشیست
می‌نامند. معلوم میشود که هیتلریها این موضوع را نادرست حساب
میکنند و با اصرار زیاد خود را «ناسیونال سویالیست» می‌نامند.
بنابر این آلمانيها میخواهند مارا مطمئن سازند که حزب هیتلریها،
حزب استیلاگران آلمانی که اروپا را غارت میکند و بطور جنایتکارانه
بدولت سویالیستی ما حمله نموده است، حزب سویالیستی میباشد.
آیا این امر ممکن است؟ آیا بین سویالیزم واستیلاگران وحشی
صفت هیتلری که ملت‌های اروپا را غارت نموده تحت ظلم و انتقاد خود
در می‌آورند چه مناسبتی میتواند باشد؟

آیا هیتلریها ممکن است ملت پرست شمرد؟ نه، ممکن نیست.
در حقیقت هیتلریها حالانه اینکه ملت پرست، بلکه امپریالیست هستند.

تا زمانیکه هیتلرها مشغول گرد آوردن زمین‌های آلمان و تجدید
الحاق ایالت رن، اطریش و غیره بودند، ممکن بود آنها را با دلیل
و اساس معینی جزو ملت پرستان، حساب کرد. ولی پس از اینکه
آنها خلاک بیگانگان را تصرف نموده و مل اروپا - چکها، اسلونها،
لهستانیها، نروژیها، دانمارکیها، هلندیها، بلژیکها، فرانسویها،
صربستانیها، یونانیها، اوکراینیها، بلوروسها، ملت‌های کرانه بالاتیک
و سایرین را اسیر و مظلوم کردند و برای بدست آوردن حکمرانی
جهانی سعی و کوشش ابراز داشتند، حزب هیتلری قادر صفات حزب
ملی گردید، زیرا وی از همین موقع به حزب امپریالیستی، به حزب
استیلاگران و ظالمین مبدل گردید.

حزب هیتلرها حزب امپریالیستان است و آنهم امپریالیستانی
که بیشتر از تمام امپریالیست‌های دفیا وحشی و غارتگر میباشند.
آیا هیتلرها میشود سوسیالیست حساب کرد؟ نه، نمیشود.
در حقیقت هیتلرها دشمنان جانی سوسیالیزم، شریک ترین هرجایی
و افراد ارتقایی هستند که صنف کارگر و ملت‌های اروپا را از آزادیهای
ابتداei دموکراسی محروم ساخته‌اند. هیتلرها برای اینکه ماهیت
ارتقایی خود را مخفی و پنهان نمایند، رژیم داخلی انگلیس و امریکا
را رزیم اغنية می‌نامند. ولی در انگلیس و کشورهای متحده امریکا
آزادیهای ابتداei دموکراسی موجود است، اتحادیه‌های همکاری
کارگران و مستخدمندان موجود است، احزاب کارگران موجود میباشد،
پارامان هست، ولی در آلمان در دوره رزیم هیتلری تمام این
مؤسسات نابود و منحل شده‌اند. فقط تطبیق کردن این دورشته حقایق
کافی است که ماهیت ارتقایی رزیم هیتلری و سراسر تقلب بودن
یاوه سرانی فاشیست‌های آلمان راجع به رزیم اغنية انگلیس و امریکا
درک گردد. در حقیقت امر رزیم هیتلری کیه همان رزیم ارتقای
میباشد که در دوره تزاریزم در روسیه موجود بود. معلوم است که

هیتلریها نیز مانند رژیم تزاریزم حقوق کارگران، حقوق منورین و حقوق ماتهای را با کمال میل پایمال میکنند و مانند رژیم تزاریزم از روی میل یهودیان را مثل قرون وسطی قتل و غارت می‌نمایند.

حزب هیتلری حزب دشمنان آزادیهای دموکراسی، حزب ارتقای وقتل و غارتگریهای افراد ارتقای «فرون وسطی» می‌باشد.

و اگر این امپریالیستهای بی‌شرم و بی‌حیا و مرتعین شریر هنوز هم به لباس «ماهیون» و «سوسیالیستهای در آمده خودرا آرایش میدهند، بمنظور آنست که ملت را گول بزنند، آدمان ساده لوح را فریب داده و ماهیت راهزنانه امپریالیستی خودرا در زیر پرچم «ملیت» و «سوسیالیزم» پنهان نمایند.

کلاگها ئیکه با پر طاؤس خودرا آرایش میدهند ... ولی هر قدر هم کلاگها با پر طاؤس خودرا آرایش بدھند، باز هم آنها فاقد صفات کلاغ نخواهند گردید.

هیتلر میگوید که: «باید بهر و سیله‌ای باشد جدیت بخرج داده و موفق گردید که آلمانیها تمام دنیا را فتح نمایند. اگر ما خواسته باشیم برای خودمان امپراتوری کبیر آلمان ایجاد نمائیم، ما باید قبل از همه ملت‌های اسلاو-روسها، لهستانیها، چکها، اسلونها، بلغاریها، اوکرائینیها و بلروسها را از میدان خارج نموده و معلومشان پازیم، و هیچ گونه سبب و معنی نیست که این امر را انجام ندهیم».

سپس هیتلر چنین میگوید: «انسان فطرتاً و ذاتاً گنهکار است فقط بوسیله زور میشود اورا اداره کرد. در مورد او بسکار بردن هر متودی مجاز است. وقتیکه سیاست مقتضی باشد باید دروغ گفت خیانت کرد و حتی کشت».

گرینگ میگوید که: «هر کس را که برضد ما است بکشید، بکشید، مسئول این امر شما نیستید، منم و بنابر این بکشید!»

هیتلر از آن پس میگوید که: «من انسان را از خیال و امی که وجودان نامیده میشود، آزاد میکنم، وجودانهم بمانند تملن و فرهنگ انسان را فلجه و معیوب میکنند. امتیاز من در اینست که هیچگونه نظریات تئوری و معنوی، مرا باز نمیدارد».

در یکی از فرمانهای فرماندهی آلمان مورخه ۲۵ سپتامبر به هنگ پیاده نظام شماره ۴۸۹ که نزد افسر جزء کشته شده آلمان یافت شده است چنین اظهار شده:

«من فرمان میدهم بسمت هر شخص روس که در مسافت ۶۰۰ متر پیدا شد فوراً آتش گشوده شود. شخص روس باید بداند که در مقابل خود دشمن با عزمی دارد و او باید از این دشمن امید و انتظار گذشت و اغماض داشته باشد».

در یکی از مراجعه نامه های فرماندهی آلمان به سربازان که نزد ستوان کشته شده گوستاو تیگل اهل فرانکفورت کنار میں یافت شده است چنین اظهار شده:

«تو فاقد قلب و اعصاب هستی، وجود آنها در جنگ لازم نیست. رحم و دلسوزی را در وجودت محو و نابود ساز - هر شخص روس را هر آدم شوروی را بکش، اگر حتی با پیر مرد یا زن، یا دختر یا پسر خرد سال مصادف شدی دست نگاه ندار - بکش، زیرا تو بدین وسیله خود را از هلاکت نجات خواهی داد، آتیه خانواده خود را تامین نموده و خود ترا برای ابد غریق افتخار و اشتهر خواهی کرد». اینست برنامه و دستورات لیدرهای حزب هیتلری و فرماندهی هیتایری، اینست برنامه و دستورات آدمانیکه فاقد قیافه انسانی گردیده و تا بدرجه حیوانات و حشی تنزل نموده اند:

و این آدمانیکه فاقد وجودان و شرف شده اند، آدمانیکه دارای صفات و اخلاق حیوان میباشند، شرم و حیا نداشته به محو و انهدام مات کبیر روس، به محو و انهدام ملت پلخانوف و لنین، بلینسکی و چرنیشوسکی. پوشکین و تولستوی، گاپنکی و چایکفسکی، گرکی و

چخف، سجنیف و پاولف، رین و سوریکف، سوورف و کوتوزف دعوت
می نمایند!..

استیلاگران آلمانی میخواهند با ملتهای اتحاد جش س جنگ
انهدامی از پیش ببرند. چه عیبی دارد، اگر آلمانیها مایل جنگ
انهدامی باشند آنها مزء آنرا خواهند چشید. (کف زدنها شورانگیز
و مبتد).

منبع وظیفه ما، وظیفه ملتهای اتحاد جش س، وظیفه
جنگجویان، فرمادهان و کارکنان سیاسی ارتش ما و نیروی دریائی
ما عبارت از این خواهد بود که تمام آلمانیها تیراکه بحالک میهن ما
بمنزله اشغال کنندگان آن نفوذ کرده اند تا فرد آخر محو و منهدم
سازند. (کف زدنها شورانگیز، صدای « صحیح است! »
صدای « هورا! »).

به اشغال کنندگان آلمانی امان نخواهیم داد!
مرده باد اشغال کنندگان آلمانی! (کف زدنها شورانگیز).

تار و مار شدن امپریالیستهای آلمان و ارتشمای آنها حتمی و ناگزیر است.

خود همین یک موضوع که استیلاگران آلمانی در تنزل و
انحطاط اخلاقی خود فاقد قیافه انسانی شده مدت‌ها است تا بدرجه
حیوانات وحشی تنزل کرده اند، — تنها خود همین کیفیت گواه
بر آنست که آنها خود شانرا محکوم به مرگ و هلاکت ناگزیر
نموده اند.

ولی مرگ و هلاکت ناگزیر استیلاگران هیتلری و ارتشمای
آنها تنها بوسیله عاملهای معنوی و اخلاقی تعیین نمیگردد.
سه عامل اساسی دیگر نیز موجود است که بر قوه آنها روز

بروز افزوده میشود و آنها باید در آتیه نزدیکی باعث تار و مار شدن حتی و ناگزیر امپریالیسم غارتگر هیتلری گردد. (کف زدنها). عامل اوّل همانا نا استواری پشت سر جبهه آلمان امپریالیستی در اروپا نا استواری «انتظام نوین» در اروپا میباشد. استیلاگران آلمانی ملت‌های قاره اروپا را از فرانسه تا کشورهای کرانه بالتیک شوروی، از نروژ، دانمارک، بلژیک، هلند و بلروس شوروی تا کشورهای بالکان و اوکرائین شوروی تحت ظلم و اسارت خود در آورده آنها را از آزادیهای ابتدائی دموکراسی محروم کرده اند، آنها را از حق حل سرنوشت خود موافق میل واختیار خود محروم ساختند، غله گوشت و مواد اولیه آنها را ضبط موده آنها را به غلامان و برگان خود مبدل نمودند لهستانیها چکها، صربستانیها را روی خاج چهار میخ زدند و قصمه میتوانند در همین اساس فرمانفرمای جهانی آلمان را برپاکنند، اینرا میتوانند که پس از بدست آوردن حکمرانی جهانی آلمان را برپاکنند، آنرا میتوانند در همین اساس فرمانفرمای جهانی آلمان را برپاکنند، آنها «انتظام نوین در اروپا» می‌نامند. آیا این چه «اساسی» است آنها «انتظام نوینی» است؟ فقط ابلهان خود پرست هیtarی نمیبینند که «انتظام نوین» در اروپا و «اساس» پر آوازه این انتظام کوه آتش فشانی است که آماده میباشد در هر آنی منفجر گردیده و خانه مقوانی امپریالیستی آلمان را مدفون نماید. بعضیها به ناپلیون استناد کرده و معتقد می‌سازند که هیتلر مثل ناپلیون عملیات میکند و او از هر حیث شبیه به ناپلیون میباشد. اوّلا در این ضمن نباید در باره سرنوشت ناپلیون فراموش کرد. ثانیا شbahت هیتلر به ناپلیون از مانندی، بچه گربه با شیر بیشتر نیست، (خنده، کف زدنها پر صدا) زیرا ناپلیون به قوای متراقی متکی بوده بر ضد قوای ارتعاع مبارزه میکرد، ولی هیتلر بر عکس، به قوای ارتعاعی تکیه نموده با قوای متراقی مبارزه میکند. فقط ابلهان هیتلری «برلین نمیتوانند بفهمند که ملت‌های ستمدیده و اسارت زده اروپا بر ضد ظلم و بیداد گری هیتلری مبارزه خواهند کرد و شورش خواهند نمود

کی میتواند در این باره شبیه داشته باشد که اتحاد ج ش س بریتانیای کبیر و کشورهای متحده امریکا به ملت‌های اروپا در مبارزه آزادی طلبیشان برضد ظلم و بیدادگری هیتلری همراهی و پشتیبانی کامل خواهند کرد؟ (کف زدنها).

عامل دوم همانا نا استواری پشت سر جبهه استیلاگران هیتلری در آلمان میباشد. تا زمانیکه هیتلریها مشغول جمع کردن و متحد ساختن آلمان بودند که بموجب پیمان ورسای به قطعات متعدد منقسم شده بود آنها نمیتوانستند به پشتیبانی ملت آلمان که بر اثر ایدیال استقرار آلمان تشویق گردیده بود امید وار باشند. ولی پس از آنکه این موضوع حل شد و هیتلریها راه امپریالیسم، راه تصرف خالک دیگران و فتح سایر ملت‌ها را پیش گرفته ملل اروپا و ملت‌های اتحاد ج ش س را بدشمنان جانی آلمان کنونی مبدل ساختند. در بین ملت آلمان دیگر گونی عمیقی برضد ادامه جنگ و برای برهم دادن جنگ بوقوع پیوست. دو سال و خرده‌ای جنگ خونین که پایانش هنوز پیدانیست؛ ملیونها نفر تلفات انسانی؛ قحطی و گرسنگی فقر و گدائی؛ بیماریهای واگیر؛ در همه طرف محیط دشمنانه برضد آلمانیها؛ سیاست احمقانه هیتلر که ملت‌های اتحاد ج ش س را بدشمنان جانی آلمان کنونی مبدل ساخته است - همه اینها نمیتوانستند ملت آلمان را برضد جنگ بی فایده و خانمانسوز سوق ندهند. فقط ابلهان هیتلری نمیتوانند بفهمند که نه فقط پشت سر جبهه اروپائی بلکه پشت سر جبهه آلمانی "نیروی آلمان کوه آتش فشانی است که آماده میباشد منفجر گردیده و ما جراجویان هیتلری را مدفون نماید.

بالاخره عامل سوم همانا ائتلاف اتحاد ج ش س بریتانیای کبیر و کشورهای متحده امریکا برضد امپریالیستهای آلمان فاشیستی میباشد. این امر حقیقت است که بریتانیای کبیر، کشورهای متحده امریکا و اتحاد شوروی در اردوگاه یگانه ای متعدد شده اند که مقصد و منظور تار و مار نمودن امپریالیستهای هیتلری و ارتشهای استیلاگر

آنها را در مقابل خود قرار داده است. جنگ کنونی جنگ موتورها است. در این جنگ هر کس که از حیث استحصال و تولید موتور تفوق و برتری غالب داشته باشد احراز موفقیت خواهد کرد. اگر ما استحصال موتور کشورهای متحده امریکا، بریتانیای کبیر و اتحاد ج شن را متعدد سازیم، در آنصورت ما هیچ نباشد از حث موتور نسبت به آلمان سه چندان برتری خواهیم داشت. یکی از ساهای هلاکت ناگزیر امپریالیسم غارتگر هیتاڑی در همین است. کنفرانس چندی قبل سه دولت در مسکو با اشتراک نماینده بریتانیای کبیر آقای بیوربروک و نماینده کشورهای متحده امریکا آقای هاریمان مقرر داشت منظمه به کشورما از حیث قانک و هوا پیمائی کمک نمایند. چنانکه معلوم است ما در اساس همین تصویب‌نامه بدر یافت قانک و هوا پیما شروع کرده ایم. بریتانیای کبیر حتی قبل از اینهم کشورما را از حیث چنین مواد کمیاب مانند آلومینیوم، سرب، قلع، نیکل، کاٹوچو تاءمین میکرد. اگر چنین حقیقت را نیز باین موضوع اضافه کنیم که چند روز قبل کشورهای متحده امریکا مقرر نمودند به اتحاد شوروی مبالغ یک میلارد دolar و ام بدھند، آنگاه یا اطمینان کامل میتوان گفت که انتلاف کشورهای متحده امریکا، بریتانیای کبیر و اتحاد ج شن س امر حقیقی است (کف زدن‌های شورانگیز) که بنفع کار عمومی آزادی بخش ما قرقی می‌کند و ترقی خواهد آورد. چنین‌نند عاملها ظیکه تعین و مشخص کننده هلاکت ناگزیر امپریالیسم آلمان فاشیستی میباشند.

و ظایف ما

لین دو نوع جنگ را تعین کرده و تشخیص داده است. جنگ استیلاگرانه و بنابر این غیر عادلانه و جنگ آزادی بخش یعنی عادلانه.

آلمانیها اکنون جنگ استیلاگرانه یعنی غیر عادلانه از پیش می بردند که منظور تصرف نمودن سر زمین غیری و فتح کردن ملتهای دیگر را در بر دارد. بنابر این کلیه مردمان با وجود آن باید بر ضد استیلاگران آلمانی، همچون بر ضد دشمنان خود قیام کنند.

اتحاد شوروی و متفقین آن بر خلاف آلمان هیتلری جنگ آزادی بخش یعنی عادلانه از پیش می بردند که منظور آزاد نمودن ملتهای مظلوم و ستمدیده اروپا و اتحاد جش س را از ظلم و بیدادگری هیتلری دور بر دارد. بنابر این تمام مردمان با وجود آن باید از ارتشهای اتحاد جش س بریتانیای کبیر و سایر متفق همچون از ارتشهای آزادی بخش پشتیبانی نمایند.

جنگی که ما از پیش می برمی چنین منظور و مقصدی را مانند تصرف سر زمین بیگانگان و فتح ملتهای دیگر در بر ندارد و داشته هم نمیتواند چه در باره ملتها و خاک اروپا و چه در باره ملتها و سر زمین آسیا و منجمله ایران باشد. و اولین منظور و مقصود ما عبارت از آنست که خاک خود و ملتهای خود را از زیر یوغ آلمانی فاشیست آزاد نماییم :

ما در جنگی که از پیش میبریم چنین منظور و مقصودی مانند تعجیل اراده و رزیم خود بملتهای اسلام و سایر ملل مظلوم و ستمدیده اروپا که بما چشم کمک و همراهی را دوخته اند، نداریم و نمیتوانیم داشته باشیم، مقصود ما عبارت از آنست که به این ملتها در مبارزه آزادی طلبی شان بر ضد ظلم و بیداد گری هیتلری کمک و همراهی نموده و بعد با انها اختیار کامل بدهیم که در سر زمین خود خیات وزندگی خود را آزادانه موافق میل و طبع خودشان تشکیل دهند. هیچگونه مداخله ای به امور داخلی سایر ملتها نباید وجود داشته باشد!

ولی برای عملی کردن این مقاصد باید اقدار جنگی استیلاگران آلمانی را درهم شکست، بایستی کلیه اشغال کنندگان آلمانی را که

بمیهن ما برای تحت اسارت در آوردن آن نفوذ کرده اند تا فرد آخر معدوم ساخت. (کف زدنهاش شورانگیز و ممند).

ولی برای اجرای این مقصد لازم است که بارتش ما و به نیروی دریائی ما از طرف تمام کشور ما بطور عملی و فعالانه پشتیبانی شود، باید که کارگران و خدمتگذاران ما مردان و زنان در بنگاهها دست بالای دست نگذاشته با جدیت زیاد کار کنند و به جبهه مقدار بیشتر و بیشتری تانک، تفنگ و توپ ضد تانک، هوا پیما، توپ، مین انداز، مسلل، تفنگ، مهمات جنگی تهیه و تحویل دهند باشیست که مردان و زنان کلخوزی ما در مزارع و کشتزارهای خود دست بالای دست نگذاشته کار کنند و به جبهه و به کشور هر چه بیشتر و بیشتر غله، گوشت، و مواد خام برای صناعت تهیه و تحویل دهند، بایستی که تمام کشور ما و کلیه ملت‌های اتحاد جش س او دوگاه پگانه جنگی تشکیل داده و باتفاق ارتش و نیروی دریائی ما، ر راه شرف و آزادی میهمان، در راه تار و مار نمودن ارتشهای آلمان جنگ کبیر آزادی طلبی از پیش برند. (کف زدنهاش شورانگیز).

وظیفه ما حالا از همین عبارت است.

ما میتوانیم و ما باید این وظیفه را اجرا نمائیم. فقط پس از انجام و اجرای این وظیفه و پس از قار و مار نمودن استیلاگران آلمانی ما میتوانیم به صلح طولانی و عادلانه موفق گردیم. برای تار و مار کردن کامل استیلاگران آلمانی! (کف زدنهاش شورانگیز).

برای آزاد کردن کلیه ملت‌های مظلوم و مستبدیده که در زیر یوغ بیدادگری هیتاری ناله میکنند! (کف زدنهاش شورانگیز). زنده باد دوستی تزلزل ناپذیر ملت‌های اتحاد شوروی! (کف زدنهاش شورانگیز).

زنده باد ارتش سرخ ما و ناوگان سرخ ما! (کف زدن‌های شورانگیز).

زنده و جاوزید باد میهن با افتخار ما! (کف زدن‌های شورانگیز).
حقانیت با ما است، — ما پیروز مند خواهیم شد! (کف زدن‌های شورانگیز).

همه از جایشان بر میخیزند. صداهای: «به افتخار سنالین
کبیر هورا!»

«زنده باد رفیق سنالین!» کف زدن‌های شورانگیز و
پرهیجان ممتد، خواندن «سرود بین الملل».

سخنرانی در موقع سان و درزه ارتش سرخ

۷ نوامبر سال ۱۹۴۱

در میدان سرخ در مسکو

رفقا سپاهیان سرخ و ناویان سرخ، فرماندهان و کارکنان سیاسی، مردان و زنان کارگر، مردان و زنان کالخوزی، کارکنان منور الفکر، برادران و خواهران ما در پشت سر جبهه دشمن که موقتاً تحت یوغ راهزنان آلمانی افتاده اید، مردان و زنان چریک با افتخار ما که پشت سر جبهه استیلاگران آلمانی را ویرافت میکنید!

از طرف دولت شوروی و حزب بلشویک ما شمارا بمناسبت جشن ۲۴ سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تبریک و شاد باش میگوییم. رفقا! مراسم جشن ۲۴ سالگی انقلاب اکتبر را ما امروز در شرایط سخت و سنگین بجا می آوریم. حمله عهد شکنانه راهزنان آلمان و جنگی که بما تحمیل گردیده است برای کشور ما خطر بزرگی را تولید کرده اند. ما یک رشته ایالات خود را موقتاً از دست داده ایم، دشمن نزد دروازه های لینینگراد و مسکو واقع شده است. دشمن امید و امید بود که در نتیجه نخستین ضربت ارتش ما پر اکنده خواهد شد و کشور ما بزانو خواهد افناه. ولی دشمن سخت بخطا رفت. با وجود ناکامیهای موقتی ارتش ما و ناوگان ما با کمال قهرمانی حملات دشمن را در طول تمام جبهه دفع نموده و به آن لطمہ سنگینی وارد میسازد و کشور ما، کلیه کشور ما اردوگاه جنگی یگانه تشکیل داده اند که باتفاق ارتش ما و ناوگان ما تار و مار نمودن استیلاگران آلمانی را بموقع اجرا بگذارند.

روزهایی بودند که کشور ما در وضعیت از اینهم سختتر قرار گرفته بود. سال ۱۹۱۸ را که ما مراسم جشن نخستین سال انقلاب

اکتبر را بجا می‌آوردیم بخاطر پیاوید. سه ربع کشور ما آنزمان در دست مداخله کنندگان خارجی بود. اوکرائین، قفقاز، آسیای میانه، اورال، سهربه و خاور دور را ما موقتاً از دست داده بودیم. ما متفق نداشتیم، ما ارتش سرخ نداشتیم، ما تازه شروع به ایجاد آن کرده بودیم - از حیث غله نقضان داشتیم تسليحات ما کافی نبود، لباس اوپیغورم کافی نداشتیم. آنزمان ۱۴ دولت به کشور ما حمله کرده بودند. ولی ما افسرده نشدیم و خود داری را از دست ندادیم. آنگاه ما در آتش جنگ، ارتش سرخ تشکیل نموده و کشور مان را به اردوگاه جنگی مبدل ساختیم. روح لنین کبیر آنزمان مارا به جنگ بر ضد مداخله کنندگان تشویق می‌نمود. و بالاخره چه نتیجه حاصل گردید؟ ما مداخله کنندگان را شکست دادیم، کلیه سور زمینی را که از دست داده بودیم باز ستاندیم و به پیروزی نایل شدیم.

اکنون اوضاع کشور ما نسبت به ۲۳ سال قبل از این بمراتب بهتر است. کشور ما اکنون هم از حیث صنایع، هم از لحاظ خوار بار و هم از حیث مواد اولیه نسبت به ۲۳ سال پیش بمراتب تزویج تر میباشد. حالا ما متفق داریم که با تفاوت ما بر ضد استیلاگران آلمانی جبهه یگانه دارند. حالا تمام ملت‌های اروپا که تحت یوغ ظلم و بیدادگری هیتلری افتاده اند نسبت به ما خیر خواه میباشند و از ما پشتیبانی میکنند. ما حالا دارای ارتش خیلی خوب و دارای ناوگان خیلی خوب هستیم که سینه سپر کرده از آزادی و استقلال میهن مان مدافعاً می‌نماییم. ما نه از حیث خوار بار، نه از حیث تسليحات و نه از لحاظ لباس اوپیغورم نقضان جدی نداریم. تمام کشور ما، کلیه ملت‌های مملکت مان از ارتش ما و از ناوگان ما پشتیبانی نموده برای شکست دادن اردوهای استیلاگرانه فاشیستهای آلمان به آنها کمک و یاری میکنند. ذخایر نفرات ما پایان نا پذیر است. روح لنین کبیر و پرچم پیروزی آور وی حالا هم مثل ۲۳ سال قبل از این ما را به جنگ میهند تشویق مینمایند.

مگر ممکن است در این باره شبّه داشت که ما میتوانیم و باید استیلاگران آلمانی را مغلوب نمائیم؟

دشمن آنقدر که برخی منور الفکر معابان بترس و هراس افتاده آنرا تصویر می نمایند قوی نمی باشد. شیطان آنقدر هم مخوف و مهیب نیست که آنرا تصویر می نمایند. کی میتواند انکار کند که ارتش سرخ ما مکرر نیروی باصطلاح تعریفی آلمان را به ترس و هراس انداخته و ادار بفرار نموده است؟ اگر که نه از روی اظهارات پرلاف و گزاف میاغی آلمان، بلکه از روی اوضاع حقیقی آلمان قضاوت نمائیم پی بردن مشکل نیست که استیلاگران آلمانی فاشیست در مقابل فاجعه قرار گرفته اند. حالا در آلمان فقر و گرسنگی حکم‌فرما است، آلمان در مدت ۴ ماه جنگ ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر سر باز از دست داده است، آلمان غرق خون خود میباشد، ذخایر نفرات آن بیایان می وسد، روح تنفر و ارزجار نه فقط ملت‌های اروپا که تحت یوغ استیلاگران آلمانی افتاده اند بلکه خود ملت آلمان را نیز که پایان جنگ را نمیبینند، فرا گرفته است. استیلاگران آلمانی آخرین قوای خود را صرف میکنند. شکی نیست که آلمان نمیتواند مدت زیادی به چنین وضعیت و خامت آمیز طاقت بیاورد.

باز چند ماه دیگر، باز شش ماه، شاید یک سال دیگر بگذرد، - و آلمان هیتلری باید تحت سنگینی "جنایتکاریهای خود" بترکد.

رفقا، سپاهیان سرخ و ناویان سرخ، فرماندهان و کارکنان سیاسی، مردان و زنان چریک! انتظار تمام دنیا متوجه شما، متوجه نیروی است که مستعد میباشد اردوهای غارتگرانه استیلاگران آلمانی را منهدم سازد، ملت‌های مظلوم و مستبدیده اروپا که تحت یوغ استیلاگران آلمانی افتاده اند، بشما بمنزله آزاد کنندگان خود چشم امید دوخته اند وظیفه آزادی بخش بزرگی نصیب شما شده است. پس شایسته و سزاوار این وظیفه باشید! جنگی که شما از پیش می‌برید جنگ آزادی طلبی، جنگ عادلانه میباشد. بگذار شمارا در این

جنگ شکل و قیافه مردانه نیاگان کبیر ما - آلیکساندر نفسکی، دمیتری
دانسکوی . کوزما مینین، دمیتری پوزارسکی، آلیکساندر سوورف ،
میخائیل کوتوزف تشویق نماید! بگذار پرچم پیروزی آور لینین کبیر
شما را تحت شعاع پرتو خود قرار دهد!
برای قار و مار نمودن کامل استیلاگران آلمانی!
مرده باد اشغال کنندگان آلمانی!
زنده باد میهن با افتخار ما، آزادی آن و استقلال آن!
تحت پرچم لینین بسوی فتح و پیروزی به پیش!

حکم کمیسر ملی دفاع

۲۳ فوریه سال ۱۹۴۲

شماره ۵۵ شهر مسکو

رفقا! سپاهیان سرخ و ناویان سرخ، فرماندهان و کارکنان سیاسی،
مردان و زنان چریک!

ملتهاي کشور ما مراسم جشن ۲۴ سالگي ارتش سرخ را در روزهاي سخت جنگ ميهني بروز آلامان فاشيستي که با کمال گستاخی و بي حيائی به حیات و آزادی میهن ما سوه قصد مینماید، بجای می آورند. جنگجویان ارتش سرخ و نیروی دریائی سرخ در تمام طول جبهه عظیم از اقیانوس منجمد شمالی تا دریای سیاه رزمهاي سخت و شدید میکنند تا که استیلاگران آلمانی فاشیست را از کشور مان بیرون رانده از شرف و استقلال میهندمان دفاع نمایند.

اولین دفعه نیست که ارتش سرخ میهندمان را از حمله دشمنان مدافعه می کند. ارتش سرخ ۲۴ سال قبل از این برای مبارزه با نیروهای مداخله کنندگان - استیلاگران خارجی که سعی و جدیت داشتند کشورمارا جدا و مجزا نموده استقلال آنرا نابود سازند تشکیل شده بود. دسته های جوان ارتش سرخ نخستین بار داخل جنگ شده و استیلاگران آلمانی را در اطراف پسکو و ناروا ۲۳ فوریه سال ۱۹۱۸ بکلی شکست داده و مغلوب نمودند. مخصوصاً به همین سبب روز ۲۳ فوریه سال ۱۹۱۸ روز مولود ارتش سرخ اعلام گردید. از آن زمان ارتش سرخ در مبارزه با مداخله کنندگان - استیلاگران خارجی ترقی کرده محکم واستوار شده است. وی در سال ۱۹۱۸ میهن ما را در رزمها با استیلاگران آلمانی مدافعه نموده آنها را از

حدود اوکراین و بلروسی بیرون راند. ارتقش سرخ میهن ما را در روزهای با نیروهای خارجی آنتانت - ائتلاف در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۱ دفاع کرده و آنها را از حدود کشورمان بیرون راند.

تار و مار شدن مداخله کنندگان - استیلاگران خارجی در دوره جنگ کشوری برای ملت‌های اتحاد شوروی صلح طولانی و امکان ساختمان کشوری را تامین نمود. در طی این بیست سال ساختمان کشوری در مملکت ما صنایع سوسیالیستی و کشاورزی کلخوزی بوجود آمده علم و فرهنگ ترقی و رونق یافت، دوستی ملت‌های کشور ما محکم و استوار گردید. ولی ملت شوروی هیچ گاه در باره امکان حمله تازه دشمنان به میهنهان فراموش نمیکرد. بنابراین در عین حال که صنایع و کشاورزی دانش و فرهنگ ما ترقی و پیشرفت داشت اقتدار جنگی، اتحاد شوروی نیز افزایش می یافت، این نیرو و اقتدار را اکنون بعضی طالبان خاک و سر زمین غیری در عمل احساس نمودند. حالا این نیرو و اقتدار را ارتقش پر آوازه آلمانی فاشیست در گردن خود احساس می کند.

هشت ما قبل از این آلمان فاشیستی عهد شکنافه به کشور ما حمله گرده پیمان عدم تعرض را گستاخانه و رذیلانه نقض نموده زیر پا افکند. دشمن امید وار بود که بر اثر نخستین ضربت ارتقش سرخ شکست خورده و استعداد مقاومت خود را از دست خواهد داد. ولی دشمن سخت بخطا رفت. وی قوه و نیرومندی ارتقش سرخ را در نظر نگرفت، محکم و استواری، پشت سر جبهه شوروی را در نظر نگرفت، عزم و اراده ملت‌های کشور ما را به فتح و پیروزی در نظر نگرفت، محکم و استوار نبودن پشت سر جبهه اروپائی آلمان فاشیستی را در نظر نگرفت و بالاخره سستی وضعف داخلی آلمان فاشیست و ارتقش آن را در نظر نگرفت.

در نخستین ماههای جنگ ارتقش سرخ بر اثر غیر متوجه و ناگهانی بودن حمله آلمان فاشیستی مجبور گردید عقب نشینی کرده و قستی

از خاک شوروی را ترک نماید. ولی ارتش سرخ در حین عقب نشنی خود نیروی دشمن را فرسوده نموده ضربات سخت و شدیدی به آن وارد می‌آورد. نه جنگجویان ارتش سرخ و نه ملت‌های کشور ما شک و شباهی نداشتند که این عقب روی هوقتی است و دشمن متوقف خواهد شد و از آن پس مغلوب خواهد گردید.

ارتش سرخ در جریان جنگ دارای قوای حیاتی تازه می‌گردید، صوف آن از حیث نقرات و آلات و ادوات جنگی تکمیل می‌گردید و لشکر‌های ذخیره تازه نفس برای کمک در^{*} یافت می‌نمود. و اکنون وقت آن فرا رسید که ارتش سرخ امکان حاصل کرد در مناطق عمله و اساسی^{*} جبهه بزرگ بتعرض بپردازد. ارتش سرخ در مدت کوتاهی به نیروی آلمان فاشیستی در اطراف رستو^{*} کنار دن و تیخوین، در کریمه و در نزدیکی مسکو یکی از پس دیگری ضربت وارد آورد. وی در رزم‌های شدید اطراف مسکو نیروی آلمانی فاشیست را که به احاطه پایتحت شوروی تهدید می‌نمود شکست داد. ارتش سرخ دشمن را از مسکو عقب رانده و فشار دادن آنرا بطرف مغرب ادامه میدهد. ایالات مسکو و تولا، دهها شهر و صدها ده ایالت‌های دیگر که موقتاً در تصرف دشمن بودند کاملاً از قید استیلاگران آلمانی آزاد شده است.

اکنون آلمانیها دارای آن تفوق و برتری جنگی که در نخستین ماههای جنگ در نتیجه حمله پیمان شکنانه و ناگهانی خود داشتند نیستند. لحظه ناگهانی و غیر مترقبه که برای نیروی آلمانی فاشیستی بمنزله ذخیره بود کاملاً مصرف گردیده است. به همین طریق نابرابرای^{*} شرایط جنگ که برایر فاگهانی بودن حمله آلمانی فاشیست بوجود آمده بود، برهم داده شده است. اکنون سرنوشت جنگ نه بوسیله لحظه موقتی و فرعی مانند لحظه ناگهانی، بلکه بوسیله عاملهای دائمی از قبیل: محکم و استوار بودن پشت سر جبهه^{*} روحیات معنوی ارتش تعداد و کیفیت اشکرها مسلح و مجهز کردن ارتش انتعداد و قابلیت تشکیلی^{*}

هیئت فرمادهان ارتش حل خواهد شد. ضمناً چنین یک وضعیت را باید خاطر نشان ساخت: همینکه لحظه ناگهانی بودن از اختیار آلمانیها رفت، ارتش آلمانی فاشیست فوراً در مقابل فاجعه قرار گرفت.

فاشیستهای آلمان ارتش خود را مغلوب نشونده حساب میکنند و اطمینان میدهند که وی در جنگ یک به یک بی چون و چرا ارتش سرخ را شکست خواهد داد. حالا ارتش سرخ و ارتش آلمانی فاشیست یک به یک جنگ می کنند. بعلاوه: ارتش آلمانی فاشیست در جبهه مستقیماً از طرف نیروهای ایتالیا، رومانی، فنلاند پشتیبانی میشود. ارتش سرخ عجالتاً چنین پشتیبانی ندارد. و در نتیجه: ارتش پیر اوaze آلمان شکست میخورد و اما ارتش سرخ دارای موقوفیتهای جدی میباشد. نیروی آلمان تحت ضربات مقتدر ارتش سرخ بسوی مغرب عقب میروند و از حیث نفرات و آلات و ادوات جنگی تلفات هنگفتی میدهند. آنها به هر حدودی چسپیده سعی دارند روز تار و مار شدن خود را عقب بیندازند. ولی جدیت و مساعی دشمن بیهوده است. اکنون رشته ابتکار در دست ما است و جدیت ماشین زنگ زده و متزلزل شده هیتلر قادر نیست از حمله ارتش سرخ جلوگیری نماید. نزدیک است آنروزیکه ارتش سرخ با ضربت مقتدر خود دشمنان و حشی شده را از لینینگراد عقب رانده شهرها و دهات باروسی و اوکراین، لیتوانی لتونی استونی و کارل را از وجود آنها تصفیه نماید کریمه شوروی را آزاد کند و آنگاه بر فراز تمام خالک شوروی مجلداً پرچمهای سرخ اهتزاز خواهد داشت.

و اما به همین موقوفیتهاییکه بدست آمده است اکتفا نموده آسوده شدن و فکر کردن اینکه کار نیروی آلمان دیگر ساخته شده است، نزدیک بینی "عفو نشدنی" میبود. این امر غرور و تکبر خشک و خالی" میبود که شایسته مردمان شوروی نمیباشد. نباید فراموش کرد که

منوز مشکلات زیادی در پیش است. دشمن شکست بخورد، ولی آن هنوز مغلوب نشده است و هم مخصوصاً بکلی منهدم نگردیده است. دشمن هنوز قوی است. وی آخرین قوای خود را صرف خواهد کرد که موقتی بدست آورد. و هر قدر دشمن بیشتر شکست بخورد همانقدر هم وی بیشتر غصب آلود خواهد شد، بنابراین لازم و ضرور است که تهیه ذخیره برای کمک به جبهه در کشور ما یکدیقیه هم سست نشود. لازم است که برای تهیه پیروزی بر دشمن وحشی شده قسمتهای نو بنو لشکری روانه جبهه گردند. لازم است که صنایع ما بویژه صنایع جنگی با جدیت و انرژی دو چندان کار کند. لازم و ضرور است که جبهه روز بروز مقدار بیشتر و بیشتری تانک، هیوا پیما، توپ، مین انداز، مسالسل، تفنگ، تفنگ خود کار و مهمات جنگی در یافت نماید.

پنجم از سر چشمهای اساسی نیرو و اقتدار ارتقش سرخ در همین است.

ولی نیرومندی ارتقش سرخ نه فقط در اینست. نیرومندی ارتقش سرخ قبل از ۱۹۰۵ در اینست که وی نه اینکه جنگ استیلاگرانه، نه اینکه جنگ امپریالیستی، بلکه جنگ آزادی بخش، جنگ عادلانه از پیش میبرد. وظیفه ارتقش سرخ در اینست که خاک شوروی را از قید استیلاگران آلمانی آزاد نماید، اتباع و اهالی دهات و شهرهای ما را که قبل از جنگ آزاد بوده و مثل انسان زندگی میکردند اما حالا تحت ظلم و انتقاد در آمده براثر غارتگری، خرابی و گرسنگی در غداب و اذیت هستند، از زیر ظام و جور غاصبین آلمانی نجات دهد و بالاخره زنان ما را از نگ و تعقیری که وحشیان آلمانی فاشیست نسبت به آنها روا میدارند، خلاص کند. آیا از این وظیفه چه کار نجیبانه قر و عالیتری میتواند باشد؟ هیچ یک سرباز آلمانی نمیتواند بگوید که او جنگ عادلانه از پیش می برد، زیرا که او نمیتواند نبیند که ویرا برای غارت نمودن و تحت

ظلم و انتقاد در آوردن سایر ملتها و اداره به جنگ میکنند. سرباز آلمانی در جنگ مقصد عالی و نجیب‌افه ای ندارد که بتواند او را تعریف نماید و سر باز آلمانی بتواند به آن مقصد فخر و مبارکه کند. و بر عکس هر جنگجوی ارتقش سرخ میتواند باکمال افتخار بگوید که او جنگ عادلانه، جنگ آزادیطلبی از پیش می‌برد و در راه آزادی و استقلال میهن خود جنگ میکند. ارتقش سرخ در جنگ مقصد نجیب‌افه و عالی دارد که آنرا به شجاعت و هنر نمائی تشویق میکند. و علت اینکه جنگ میهنی در کشور ما هزاران قهرمان مرد و زن بوجود می‌آورد که آنها محض آزادی میهن خود حاضرند بسوی مرگ و هلاکت رهسپار گردند، مخصوصاً در همین است.

نیرومندی ارتقش سرخ در اینست.

ضعف ارتقش آلمانی فاشیست نیز در همین است.

گاهی در مطبوعات خارجی یاوه سرانی میکنند که ارتقش سرخ مقصدش اینست که ملت آلمان را معذوم ساخته و دولت آلمان را منهدم نماید. بدیهی است که این اظهارات دروغ ابلهانه و توهین احمقانه ایست نسبت به ارتقش سرخ. ارتقش سرخ چنین مقصد ابلهانه ای ندارد و نمیتواند هم داشته باشد. مقصد ارتقش سرخ اینست که اشغال کنندگان آلمانی را از کشور مان رانده و سر زمین شوروی را از وجود استیلاگران آلمانی فاشیست پاک و مصفعی کند. احتمال کلی دارد که جنگ در راه آزاد کردن سر زمین شوروی منجر به راندن و یا اینکه منهدم ساختن دسته اشرار هیتلر گردد. ما چنین عاقبت جنگ را تبریک و شاد باش می‌گفتیم. ولی دسته اشرار هیتلر را با ملت آلمان و بما دولت آلمان تشبیه نمودن بسی خنده آور می‌بود. تجربه تاریخ گواه بر اینست که هیتلریها می‌آیند و می‌روند، ولی ملت آلمان و دولت آلمان باقی می‌ماند.

بالاخره نیرومندی ارتقش سرخ در اینست که وی نسبت به ملت‌های دیگر و منجمله نسبت به ملت آلمان تنفر نژادی ندارد و

نمیتواند هم دسته باشد زیرا ارتق سرخ بروج تساوی حقوق تمام ملتها و نژادها، بروج عزت و احترام نسبت به حقوق سایر ملتها تربیت و پرورش یافته است. تئوری نژاد و تنفر نژادی آلمانیها باعث آن شدند که کلیه ملت‌های آزادی دوست بدشمنان آلمان فاشیستی مبدل شده‌اند. تئوری تساوی حقوق نژادهای مختلف در اتحاد جنس و تجربه محترم داشتن حقوق سایر ملت‌ها باعث آن گردید که تمام ملت‌های آزادی دوست اتحاد شوروی شده‌اند.

نیرومندی ارتق سرخ در اینست.

ضعف و سستی ارتق آلمانی فاشیست نیز در همین است. گاهی در مطبوعات خارجی یاوه سرانی میکنند که مردمان شوروی از آلمانیها متفرقند "خصوصاً" بعلت اینکه آلمانی هستند و ارتق سرخ سربازان آلمان را "خصوصاً" برای اینکه آنها آلمانی هستند و بعلت تنفر از هر چیز یکه مربوط به آلمانی است، منهدم می‌سازد و "خصوصاً" به همین علت ارتق سرخ سربازان آلمانی را اسیر نمی‌گیرد. این موضوع نیز دروغ احمقانه و توهین ابلهانه می‌باشد نسبت به ارتق سرخ. ارتق سرخ از احساسات تنفر نژادی آزاد و برقی می‌باشد. ارتق سرخ از چنین احساسات پست و تحریر آمیز آزاد و برقی است، زیرا که وی بروج تساوی حقوق نژادهای مختلف و احترام نسبت به حقوق سایر ملت‌ها تربیت شده است. علاوه بر آن نباید فراموش کرد که ابراز تنفر نژادی در کشورها مجازات قانونی دارد. بدیهی است که به ارتق سرخ لازم می‌آید اشغال کنندگان آلمانی فاشیست را منهدم نماید، چونکه آنها می‌خواهند میهن ما را تحت ظلم و اسارت خود در آورند و یا اینکه هنگامیکه آنها در احاطه نیروی ما واقع می‌شوند از فروریختن لساحه و تسایم شدن استنکاف می‌ورزند. ارتق سرخ اشغال کنندگان آلمانی فاشیست را منهدم می‌سازد نه برای اینکه اصل و نسب آنها آلمانی است، بلکه به علت اینکه آنها می‌خواهند میهن ما را تحت اسارت خود در آورند. ارتق

سرخ هم بمانند ارتش هر ملت دیگر حق دارد و موظف است
ستمکاران و اسیر کنندگان میهن خود را اعم از اصل و نسب ملی آنها
نابود و منهدم سازد. چندی قبیل در شهرهای آلمان که در آنجا قرار
گرفته بودند از طرف نیروی محااطه گردیده و باشها پیشنهاد شده
بود تسلیم گردند و در آنصورت باشها وعده داده شده بود که حیات
آنها حفظ گردد. پادگانهای آلمان از فرو ریختن اسلحه و تسلیم شدن
استنکاف ورزیدند. واضح است که لازم آمد آنها را با زور از آنجا
بیرون راند و ضمناً عده زیادی آلمانی کشته شد. جنگ-جنگ است.
ارتش سرخ سربازان و افسران آلمانی را اگر که آنها تسلیم شوند،
اسیر میگیرد و حیات آنها را حفظ مینماید. ارتش سرخ سربازان و
افسران آلمانی را منهدم میسازد، اگر که آنها از فرو ریختن اسلحه
امتناع ورزیده و با زور اسلحه قصد دارند میهن ما را تحت ظلم و
اسارت در آورند. سخنان نویسنده بزرگ روس ماسکسیم گرگی را
بخاطر بیاورید که گفته است: «اگر دشمن تسلیم نمیشود، او را منهدم
میسازند».

رقا، سپاهیان سرخ و ناویان سرخ فرماندهان و کارکنان سیاسی،
مردان و زنان چریک! شمارا بمناسبت چشم ۲۴ سالگی ارتش سرخ
تبریک و شاد باش نموده پیروزی کامل شمارا بر استیلاگران آلمانی
فاشیست خواستارم!

زنده باد ارتش سرخ و ناوگان سرخ!

زنده باد مردان و زنان چریک!

زنده باد میهن با افتخار ما، زنده باد آزادی و استقلال آن!

زنده باد حزب کبیر بلشویکان که مارا بسوی پیروزی سوق میلهد!

زنده باد پرچم مغلوبیت نا پذیر لین کبیر!

تحث پرچم لین در راه قار و مار نمودن استیلاگران آلمانی

فاشیست به پیش!

کمبس رملی دفاع

ای. ستالین.

فرمان کمیسر ملی دفاع

بکم مه سال ۱۹۴۲

شماره ۱۲۰ شهر مسکو

رفقا ، سپاهیان سرخ ، فرماندهان و کارکنان سیاسی ، مردان
و زنان چریک ، مردان و زنان کارگر ، مردان و زنان دهقان ،
مردمان منورالفکر ، برادران و خواهران آنسوی جبهه که در پشت
سر جبهه نیروی آلمانی فاشیست هستید و موقتاً تحت ظلم و بوغ
ستمکاران آلمانی افتاده اید !

از طرف دولت شوروی و حزب بلشویکمان شمارا بمناسبت جشن
روز اول مه تبریک و شاد باش میگوییم !

رفقا ! ملت‌های کشور ما امسال مراسم جشن روز بین المللی
اول مه را در محیط جنگ میهند بر ضد استیلاگران آلمانی فاشیست
بجامی آورند . جنگ به تمام رشته‌های حیات ما تأثیر بخشیده است .
جنگ همچنین به چنین روزی مانند روز عید اول مه تأثیر بخشیده
است . زحمتکشان کشور ما محیط و شرایط جنگ را مد نظر گرفته
از استراحت در روز عید صرف نظر نمودند تا در چنین روزی
با شدت تمام رحمت کشیده و برای دفاع میهندان کار کنند . چون
رشته حیات آنها با رشته حیات جنگجویان جبهه ما توأم و یگانه است ،
زحمتکشان کشور ما جشن روز اول مه را بروز کار و مبارزه مبدل
ساختند تا که بدین وسیله به جبهه کمک هر چه بیشتری رسانده و
زیادتر تفنگ ، مسلسل ، توب ، مین انداز ، تانک هوا پیما ، مهمات
جنگی ، غله ، گوشت ، ماهی و سبزیجات برای جبهه و افراد آن تهیه
نمایند .

معنی این آنست که جبهه و پشت سر جبهه در کشور ما اردوگاه «جنگی» یگانه و متحده را تشکیل میدهند که حاضر است بر هر گونه سختی و مشکلات در راه نیل به فتح و پیروزی بر دشمن غالب و فایق آید.

رفقا! از موقعیکه استیلاگران آلمانی فاشیست اروپا را به گرداب جنگ انداخته کشورهای اروپا-فرانسه، نروژ، دانمارک، بلژیک، هلند، چکو اسلواکی، لهستان، یوگوسلاوی، یونان-را تسخیر کرده و محض ثروتمند گردیدن باتکداران آلمان خون آنها را میمکند بیش از دو سال گذشت. متجاوز از ده ماه است که استیلاگران آلمانی فاشیست رذیلانه و خائنانه بکشور ما حمله نموده دهات و شهرهای ما را غارت و چیاول میکشند و آنها را به ویرانه‌ها مبدل میسازند. اهالی غیر نظامی استونی، لتونی، لیتوانی، بلروسی، اوکراین و ملداوی را مورد ظلم و جور خود قرار داده و آنها را میکشند. بیش از ده ماه است که ملت‌های کشور ما بر ضد دشمن وحشی شده جنگ میهند از پیش برده شرف و آزادی^۱ میهن خود را مدافعت می‌نمایند. در ظرف این مدت ما امکان داشتیم که بخوبی و باکمال دقت به قیافه و اعمال فاشیستهای آلمان متوجه بوده به مقاصد اصلی و حقیقی آنها پی ببریم و با قیافه حقیقی^۲ آنها نه در اساس اظهارات شفاهی، بلکه در اساس تجربه جنگ، در اساس حقایقی که بر همه معلوم است شناسائی پیدا کیم.

در اینصورت آنها این دشمنان ما فاشیستهای آلمان کیانند؟ آنها چه اشخاصی هستند؟ تجربه جنگ در این باره بما چه تعلیم میدهد؟ میگویند که فاشیستهای آلمان ملت پرستانی هستند که تمامیت و استقلال آلمان را از سو^۳ قصد سایر دول محفوظ میدارند. این موضوع البته دروغ است. فقط فریب دهنده‌کان و متقلبین میتوانند اظهار دارند که نروژ، دانمارک، بلژیک، هلند، یونان، اتحاد شوروی و سایر کشورهای آزادی دوست نسبت به تمامیت و استقلال آلمان

سو' قصد داشته اند در حقیقت امر فاشیستهای آلمان نه ملت پرست بلکه امپریالیستانی هستند که کشورهای دیگران را تصرف نموده و خون آنها را میمکنند بمنظور اینکه بانکداران و اغنيای آلمان را متمويل نموده بر ثروت آنها بیفزایند. گرینگ سر کردۀ فاشیستهای آلمان خودش چنانکه معلوم است یکی از بانکداران و اغنيای درجه اول میباشد که از ۲۰۰۰ کارخانه و فابریک بهره برداری مینماید. هیتلر، گبلس، ریبنتروپ، گیملر و سایر زمامداران آلمان کنونی سگان درنده بانکداران آلمان هستند که منافع آنها را بالاتر از کلیه منافع دیگر قرار میدهند. ارتش آلمان در دست این آقایان آلت کور-کورانه است که باید نه در راه منافع آلمان بلکه محض ثروتمند گردیدن بانکداران و اغنيای آلمان خود و خون دیگران را بریزد و خودش و سایرین را معلول و معیوب نماید.

تجربه جنگ چنین نشان میدهد.

میگویند که فاشیستهای آلمان سویاًیستانی هستند که در راه مدافعه منافع کارگران و دهقانان بر علیه اغنيا کوشش میکنند. البته این ادعا دروغ است. فقط فریب دهنده‌گان و متقلبین میتوانند بگویند که فاشیستهای آلمان که در کارخانجات و فابریکها کار و زحمت بندۀ وار مقرر نموده و در دهات آلمان و کشورهای تسخیر گردیده ترتیبات و اصول مملوکیت دهاقین را از نو برقرار کرده اند، مدافعين کارگران و دهقانان میباشند. فقط فریب دهنده‌گان و متقلبین گستاخ که فاقد شرم و حیا شده اند میتوانند انکار نمایند که ترتیبات بندگی و اصول مملوکیت دهاقین که فاشیستهای آلمان مقرر میدارند، بنفع نه کارگران و دهقانان، بلکه بنفع اغنيا و بانکداران آلمان میباشد. در حقیقت امر فاشیستهای آلمان مرجعیین و طرفداران اصول مملوکیت هاکین بوده وارتش آلمان ارتش طرفداران اصول مملوکیت دهاقین میباشد که محض ثروتمند گردیدن بازوهای آلمان و در رله استقرار حاکمیت املاکداران خونریزی میکند.

تجربه جنگ چنین نشان میدهد.

میگویند که فاشیستهای آلمان حامل و ناقل تمدن و فرهنگ اروپا هستند و برای انتشار دادن این تمدن در کشورهای دیگر جنگ میکنند. البته این ادعا دروغ است. فقط فریب دهنده‌گان و مقابلين حرفه‌ای میتوانند اظهار دارند که فاشیستهای آلمان که سراسر اروپا را مستور از چوبه‌های دار کرده‌اند، اهالی غیر نظامی را غارت و چیاول کرده در مورد آنها ظلم و جور زیاد روا میدارند، شهرها و دهات را آتش زده و منفجر میسازند و آثار ذیقیمت مدنی ملل اروپا را خراب و ویران میکنند، — میتوانند حامل و ناقل تمدن و فرهنگ اروپا باشند. در حقیقت امر فاشیستهای آلمان دشمنان تمدن و فرهنگ اروپا هستند و ارتقش آلمان ارتقش ظلمت و جهالت پرستی قرون وسطی میباشد که محض انتشار «تمدن» غلامداری، بانکداران و بارونهای آلمان به خراب کردن و نابود نمودن تمدن اروپا دعوت شده است.

تجربه جنگ چنین نشان میدهد.

چنین است قیافه دشمن ما که بر اثر تجربه جنگ، آشکارا و آفتابی شده است.

و اما تجربه جنگ با همین خلاصه‌ها محدود نمیشود. تجربه جنگ غیر از آن نشان میدهد که در مدت جنگ چه در اوضاع آلمان فاشیستی و ارتقش آن و چه اوضاع کشور ما و ارتقش سرخ تغییرات جدی و مهمی بعمل آمده است.

آیا این تغییرات از چه عبارتند؟

قبل از همه بدیهی است که آلمان فاشیستی و ارتقش آن در این مدت از ده ماه قبل ضعیفتر شده‌اند. جنگ برای ملت آلمان ناامیدی و مأیوسیهای زیاد، ملیوفها نفر تلفات انسانی، فقر و گرسنگی آورده است. پایان جنگ پیدا نیست، اما ذخایر نفرات در شرف بپایان رسیدن است، نفت نزدیک به تمام شدن میباشد و مواد اولیه در شرف اتمام است. فهم و ادراک حتمی و ناگزیری، شکست

و مغلوبیت آلمان در بین ملت آلمان بیش از پیش ترقی و توسعه می یابد . بر ملت آلمان رفته رفته روشنتر و واضحتر میگردد که یگانه راه نجات و رهایی از این وضعیتی که تولید شده است ، همانا آزاد کردن آلمان از دسته اشاره ماجراجوی هیتلر و گرینک میباشد .

امپریالیسم هیتلری سر زمین وسیع اروپا را اشغال نموده است ، ولی اراده ملت‌های اروپا را بمقاومت درهم نشکسته است . مبارزه ملل مظلوم و ستمدیده بر ضد رژیم راهزنان آلمانی فاشیست متدرجاً جنبه عمومی را بخود میگیرد . کارشکنی در کارخانجات نظامی منجر شدن انبارهای آلمانی ، یوانچ قطارهای نظامی آلمان ، کشتن سربازان و افسران آلمانی در تمام کشورهای اشغال گردیده از وقایع عادی و معنوی شده است . سراسر یوگواسلاوی و نواحی "شوروی را که از طرف آلمانیها اشغال شده آتش‌سوزی جنگ چریک فرا گرفته است .

قام ابن شرایط باعث ضعیف شدن پشت سر جبهه آلمان و بنابراین باعث ضعیف گردیدن تمام آلمان فاشیستی شد . و اما در باره ارتش آلمان باید گفت که وی با وجود مقاومت مصرانه ای که در دفاع ابراز میدارد ، باز هم نسبت به ۱۰ ماه قبل از این خیلی ضعیفتر شده است . ژنرالهای قدیمی و با تجربه آن از قبیل ریخناو ، برائوچیج ، تُدت و سایرین یا از طرف ارتش سرخ کشته شده اند و یا اینکه از طرف خود طبقه عالی آلمان فاشیستی پراکنده گردیده اند . هیئت داییی و اساسی افسران آن قسم از طرف ارتش سرخ معدوم گردیده و قسم از در نتیجه غارتگریها و ظلم و جور نسبت به اهالی کشوری محل شد هیئت افراد عادی آن که در جریان عملیات جنگی به درجه مهمی ضعیف گردیده است رفته رفته کمتر عده تکمیلی در یافته می‌نماید .

"ثانیاً" شکی نیست که کشور ما در دوره گذشته جنگ نسبت به آغاز جنگ قویتر و نیرومند تر شده است . نه فقط دوستان ، بلکه

دشمنان مجبورند اعتراف نمایند که کشور ما اکنون از هر وقت دیگر بیشتر در پیرامون حکومت خود متعدد گردیده است و پشت سر جبهه و جبهه کشورما در اردوگاه یگانه جنگی متعدد شده اند که یک هدف و یک مقصد را تعقیب میکنند و مردمان شوروی که در پشت سر جبهه هستند رفتہ بیشتر و بیشتر برای جبهه ما تفنگ و مسلسل، مین انداز و توب، خواربار و مهربانی جنگی تهیه و تحويل میدهند.

و اما راجع به روابط بین المللی، میهن ما باید گفت که در زمان اخیر فوق العاده ترقی کرده و مستحکم شده است. کلیه ملل آزادی دوست بر ضد امپریالیسم آلمان متعدد گردیده اند. انتظار آنها متوجه اتحاد شوروی است. مبارزه قهرمانانه ای که ملت‌های کشور ما در راه آزادی، شرف و استقلال خود از پیش میپرند باعث تمجید و تحسین تمام بشریت مترقبی شده است. ملت‌های تمام کشورهای آزادی دوست به اتحاد شوروی مانند نیروئی نگاه میکنند که قادر و مستعد است دنیا را از طاعون هیتاچی نجات بدهد، در بین این کشورهای آزادی دوست مقام اول را بریتانیای کبیر و کشورهای متعدد امریکا که ما با آنها مناسبات دولتی و اتحاد داریم و آنها بکشور ما بیش از پیش بر ضد استیلاگران آلمانی فاشیست کمک لشگری میرسانند، اشغال میکنند.

کلیه این اوضاع براین گواهی میدهد که کشور ما خیلی قویتر و نیرومند تر شده است.

بالاخره شک و شبههای نیست که ارتش سرخ در طی دوره گذشته نسبت به آغاز جنگ متشکلتر و قویتر شده است. چنین حقیقتی را که به همه معلوم است فمیتوان تصادفی اشمرد که ارتش سرخ بعد از عقب اذیتی موقتی که بر اثر حمله خیانتکارانه امپریالیستهای آلمان بوجود آمده در جریان جنگ به تغییر وضعیت موفق گردیده و از دفاع فعال به تعرض موقتیت آمیز به نیروی دشمن پرداخته است.

این امر حقیقت است که جنگ میهنی در سایه کامیابیهای ارتقش سرخ به مرحله نو، - بمرحله آزاد کردن سر زمین شوروی از پلیدان میتلری قدم گذاشته است. صحیح است که ارتقش سرخ در شرایط مشکل زمستان سخت و پربرف به اجرای این وظیفه تاریخی آغاز نمود، ولی با وجود این به موقوفیتهای بزرگی نایل گردیده است. ارتقش سرخ ابتکار عملیات جنگی را بدست خود گرفته به نیروی آلمانی فاشیست یکرشته شکستهای سخت وارد آورد و آنها را وادار نمود قسمت مهم سر زمین شوروی را از وجود خود پاک و مصفی نمایند. نقشه و امید و اریهای استیلاگران برای استفاده از زمستان جهت تنفس و استحکام یافتن در خط دفاعی خود بهم خورده و بعدم موقوفیت منتهی گردید. ارتقش سرخ در جریان تعرض مقدار زیادی نیروی زنده و آلات و ادوات جنگی دشمن را منهدم ساخته مقدار هنگفت آلات و ادوات جنگی آنرا بگنیمت گرفت و دشمن را وادار نمود ذخایر اعماق پشت سر جبهه خود را که برای عملیات بهار و تابستان تخصیص داده شده بودند پیش از وقت مصرف نماید.

همه اینها بر این گواهی میدهند که ارتقش سرخ مشکل تر و قویتر شده است، کادرهای افسران آن در رزمها کار آزموده شده و زنرالهای ارتقش سرخ مجرب تر و بصیر تر گردیده اند. در بین افراد عادی ارتقش سرخ نیز دیگر گونی بعمل آمده است.

رحمدلی و بیقیدی نسبت به دشمن که در نخستین ماههای جنگ میهنی در بین جنگجویان وجود داشت اکنون از بین رفته است: و حشیگریها، غارتگریها و ظلم و جوری که غاصبین آلمانی فاشیست در مورد اهالی غیر نظامی و اسیران جنگ شوروی روا میدارند. جنگجویان ما را از این بیماری مداوا کردند. جنگجویان ما خشمگینتر بی امانتر شده اند. آنها بطور حقیقی متغیر بودن از استیلاگران آلمانی فاشیست را یاد گرفته اند. آنها اکنون پی برده اند که اگر

با تمام قوای جسم و جان متنفر بودن از دشمن را نیاموزند نمیتوان
بر دشمن پیروزمند گردید.

پر حرفی و یاوه سرانی راجع به مغلوبیت ناپذیری نیروی آلمان که در آغاز جنگ وجود داشت و در پس آن قرس و بیم در مقابل آلمانیها پنهان بود، دیگر وجود ندارد. رزمهای مشهور در نزدیکی رستو و کرج، در نزدیکی مسکو و کالینین، در نزدیکی تخوین و لینینگراد، وقتیکه ارتش سرخ غاصبین آلمانی فاشیست را وادار بغار نمود، جنگجویان مارا معتقد ساختند که یاوه سرانی راجع به مغلوبیت ناپذیری نیروی آلمان قصه‌ای میباشد که مبالغین فاشیست بافته و اختراع نموده اند. تجربه جنگ جنگجوی ما را معتقد نمود که به اصطلاح شجاعت افسر آلمان موضوع فوق العاده نسبی میباشد و افسر آلمانی موقعی ابراز شجاعت مینماید که او با اسیران جنگ بی سلاح و با اهالی غیر نظامی رو برو میشود، ولی هنگامیکه او در مقابل قوه متشکل ارتش سرخ واقع میشود، جرأت و شجاعت او نا پدید میشود، این ضرب المثل قدیمی را بخاطر بیاورید: «گوبه شیر است در گرفتن موش، لیک موش است در مساف پانگ».

چنین است خلاصه‌های تجربه‌ای که در نتیجه جنگ با استیلاگران آلمانی فاشیست جاصل گردیده است.

آیا این خلاصه‌ها در چه باره گواهی میدهند؟

آنها در این باره گواهی میدهند که ما میتوانیم و باید در آتیه هم به استیلاگران آلمانی فاشیست تا معدوم ساختن کامل آنها و تا آزاد کردن کامل خاک شوروی از وجود رذیلان هیتلری ضربت وارد آوریم.

رقا! ما جنگ میهند، جنگ آزادی بخش و عادلانه از پیش می‌بریم. ما چنین مقاصدی نداریم که کشورهای دیگران را تصرف نمائیم و ملت‌های دیگر را مطیع کنیم. هدف و منظور ما آشکارا

و نجیبانه است. ما میخواهیم سر زمین شوروی خود را از قید رذیلان آلمانی فاشیست آزاد کنیم. ما میخواهیم برادران خود - اوکراینیها، مولداویها، بلروسها، لیتوانیها، استونیها و کارل‌ها را از تنگ و تحقیری که رذیلان آلمانی فاشیست نسبت به آنها روا میدارند آزاد نمائیم، برای اجرای این مقصد ما باید ارتش آلمانی فاشیست را مغلوب نموده و اشغال کنندگان آلمانی را تا فرد آخر، مادامیکه آنها تسليم نشوند، معدوم سازیم. چاره دیگری نیست.
ما این امر را میتوانیم اجرا کنیم و ما باید آنرا بهر نحوی باشد اجرا نمائیم.

ارتش سرخ برای اجرای این مقصد عالی دارای کلیه شرایط و لوازمات ضروری میباشد. فقط یک چیز کمی میکند و آنهم توانستن استفاده کامل و بکار بردن آلات و ادوات جنگی فرد اعلا بر ضد دشمن میباشد که میهن ما به ارتش سرخ میدهد. بنابر این وظیفه ارتش سرخ، وظیفه جنگجویان آن، مسلسلچیان آن، توپچیان آن، میم اندازان آن، تانکیستهای آن، خلبانان آن، و سواره‌های آن. اینست که کار نظامی را فرا گیرند، مصرانه بیاموزند، طرز بکار بردن اسلحه خود را کاملاً بیاموزند. استادان کار خود بشوند و به همین طریق بطور حتم ضربت وارد آوردن بدشمن را بیاموزند. فقط به همان وسیله ممکن است صنعت و مهارت مغلوب نمودن دشمن را آموخته و فراگرفت.

رفقا، سپاهیان سرخ و ملوانان سرخ، فرماندهان و کارکنان سیاسی، مردان و زنان چریک!
شما را بمناسبت روز اول مه تبریک و شاد باش نموده فرمان میدهم:

۱. جنگجویان عادی - ساخت تفنگ و طرز بکار بردن آنرا کاملاً بیاموزند. استادان سلاح خود بشوند، بدشمن بدون اینکه تیرشان بخطا برود ضربت وارد آورند، همانطور که تیر اندازان ممتاز با

افتخار ما و منهدم کنندگان اشغال کنندگان آلمانی دشمن را معلوم
می‌سازند!

۲. مسلسلجیان، توبچیان، مین اندازان، تانکیستها، خلبانان -
اسلحة خود را کاملاً آموخته و فراگیرند، استادان کار خود گردند،
به استیلاگران آلمانی فاشیست تا معلوم ساختن کامل آنها مستقیماً
ضربت وارد آورند!

۳. فرماندهان عمومی نیرو - موضوع عملیات متقابله صوف نیرو
را کاملاً آموخته و فراگیرند، استادان رهبری کردن و راهنمائی
نمودن نیرو گردیده به تمام دنیا نشان بدهند که ارتش سرخ قادر
است وظیفه بزرگ آزادی بخش خود را اجرا نماید!

۴. تمام ارتش سرخ - جدیت کرده موفق گردند که سال
۱۹۴۲ سال تار و مار قطعی، نیروی آلمانی فاشیست و آزاد کردن
سر زمین شوروی از قید رذیلان هیتلری گردد!

۵. مردان و زنان چریک - جنگ چریک را در پشت سر جبهه
استیلاگران آلمانی شدت و تقویت دهند، و سایل ارتباط و حمل و نقل
دشمن را خراب کنند، ستادها و آلات و ادوات جنگی دشمن را
نابود سازند، بر ضد ستمکاران میهن ما از صرف فشنگ دریغ ندارند!
تحت پرچم مغلوبیت نا پذیر نمین کبیر به پیش!

کمبسر ملی دفاع
ای. ستالین

پاسخهای رفیق ای. و. ستالین به پرسش‌های مخبر خبرگزاری امریکا آسوشی ایتد پرس

مخبر خبرگزاری امریکا آسوشی ایتد پرس مقیم مسکو آقای کتیبدی به رئیس شورای کمیسران ملی اتحاد جنوب سر رفیق ای. و. ستالین نامه‌ای نوشته و در آن خواهش کرده بود که شفاها "یا کتاباً" به سه سوالی که جالب توجه افکار عمومی امریکا است جواب بدهند.

رفیق ای. و. ستالین به آقای کتیبدی بوسیله نامه زیر جواب داد:

آقای کتیبدی!

نظر به مشغله زیاد و به همین مناسبت بسبب عدم امکانیت مصاحبه نمودن با شما به دادن جواب مختصر کتبی به سوالات شما اکتفا می‌نمایم.

۱. «در سنجش اوضاع کنونی از نقطه نظر شوروی امکان جبهه دوم چه مقامی را اشغال می‌نماید؟»
پاسخ. مقام خیلی مهمی، — ممکن است گفت، — مقام درجه اوّل را اشغال می‌نماید.

۲. «کمک متفقین به اتحاد شوروی ناچه اندازه موثر است و چه اقداماتی میتوان کرد که این کمک را توسعه داده و بهتر نمود؟»

پاسخ . نسبت به کمکی که اتحاد شوروی به متفقین میرساند و قوای عمدۀ نیروی آلمان فاشیست را بطرف خود جلب میکنند ، کمک متفقین به اتحاد شوروی عجالتاً چندان موثر نیست . برای توسعه دادن و بهبودی این کمک فقط یک چیز لازم است : و آنهم عبارت از اینست که متفقین تعهدات خود را کاملاً و بموقع اجرا نمایند .

۳. «استعداد و امکانیت شوروی بمقامت در حال حاضر

چگونه است »؟

پاسخ . بعیقده من استعداد شوروی در مقامت به راهزنان آلمانی از حیث قوه اش از استعداد آلمان فاشیستی و یا دولت تجاوز کار دیگر به تأمین تسلط و حکمرانی خود در جهان بهیچوجه کمتر نمیباشد و شاید بیشتر است .

احترامات مرا بپذیرید

ای . ستالین

سوم اکتبر سال ۱۹۴۲.

بیست و پنجمه الگی انقلاب کبیر سوسیالیستی

اکتبر

گزارش رئیس کمیته دفاع دولتی رفیق ای. و استالین در مجلس جشن شورای نمایندگان زحمتکشان مسکو با تفاق تشکیلاتی حزبی و اجتماعی^۹ شهر مسکو

ششم نوامبر سال ۱۹۴۲.

رفقا!

امروز ما مراسم جشن بیست و پنجم الگی غلبه و پیروزی انقلاب شوروی را در کشورمان بجامی آوریم. از زمانیکه در کشور ما سازمان شوروی برقرار گردیده است ۲۵ سال گذشت. اکنون ما در عرفه بیست و ششمین سال وجود سازمان شوروی میباشیم. قاعده‌تا^{۱۰} معمول است که در مجالس جشن سالیانه انقلاب شوروی اکبر نتایج کار ادارات دولتی و دوایر حزبی در طی سال گذشته خلاصه گردد. بن سپرده شده است که عیناً در باره همین نتایج کار در طی سال گذشته یعنی از ماه نوامبر سال گذشته تا نوامبر سال جاری برای شما گذارش بدhem.

فعالیت اداره‌های دولتی و دوایر حزبی^{۱۱} ما در این دوره گذشته در دو رشته جریان داشت. از یکطرف در رشته ساختمان گشودی و تشکیل پشت سر جبهه محکم برای جبهه ما و از طرف دیگر در رشته اجرای عملیات دفاعی و تعرضی^{۱۲} ارتش سرخ.

۱. کارهای تشکیلی در پشت سر جبهه

کارهای ساختمان کشوری^۱ ادارات رئیسه^۲ ما در دوره مذکور عمارت بود از تغییر مکان دادن صنایع لشکری و کشوری ما بنواحی خاور کشور، از تخلیه و فراهم آوردن شرایط کار کارگران و تجهیزات بنگاهها در جاهای تازه، از توسعه دادن سطح کشتزارها و افزایش مزارع کشت پائیزی در خاور و بالاخره عبارت بود از بهبودی اساسی^۳ کار بنگاههای ما که برای جبهه کار میکنند و از استحکام انتظام پشت سر جبهه^۴ در کارخانجات و چه در کالخوزها و ساوخوزها. باید گفت که این مشکلترین و مرکبترین کار تشکیلی^۵ تمام کمیسریهای ملی^۶ اقتصادی و مقامات اداری ما و منجمله مشکلترین کار حمل و نقل راه آهن ما بود که مقیاس بزرگی داشت ولی ما موفق شدیم این مشکلات را مرتفع سازیم. و حالا کارخانجات، کالخوزها و ساوخوزهای ما با وجود تمام مشکلات و سختی‌های زمان جنگ بدون شک و شباهی بطور رضایت بخش کار میکنند. کارخانجات نظامی ما و بنگاهها ظیکه بانها وابسته میباشند با کمال صمیمیت و مرتبه^۷ ارتش سرخ را از حیث قوپ؛ مین انداز، هواپیما، تانک، مسلسل، تفنگ و مهمات جنگی تأمین مینمایند. کالخوزها و ساوخوزهای ما نیز با کمال صمیمیت و مرتبه^۸ اهالی و ارتش سرخ را از حیث خوار بار و صنایع ما را از حیث مواد اویله تأمین میکنند. باید اعتراف نمود که کشور ما هیچ وقت چنین پشت سر جبهه محکم و متسلکی نداشته است.

در نتیجه قاع این کارهای مشکل و سخت تشکیلی و ساختمانی، نه فقط سیمای کشور ما بلکه خود مردم پشت سر جبهه نیز تغییر کرده‌اند. مردم بیش از پیش با پشتکار شده و کمتر اهمال کار و بیشتر با انسپاکت گردیده اند و کار کردن را طوریکه شرایط جنگ اتفاقا میکنند فرآورده اند و وظیفه خود را دو مقابل میهند و در مقابل

مدافعين آن در چبهه یعنی در مقابل ارتش سرخ درک نموده اند.
شماره اشخاص سر درگم و شلخته که فاقد احساسات وظیفه شناسی
کشوری هستند در پشت سر چبهه روز بروز کمتر میشود. شماره
اشخاص با نظم و انتظام که غرق احساسات وظیفه شناسی کشوری
میباشد رفته - رفته بیشتر و بیشتر میشود.

ولی چنانکه قبله گفته ام سال گذشته نه فقط سال ساختمان
کشوری، بلکه در عین حال سال جنگ میهنی با استیلاگران آلمانی
میباشد که بطور رذیلانه و پیمان شکنانه به کشور صاحب دوست ما حمله
کرده اند.

۲. عملیات جنگی در جبهه شوروی و آلمان

و اما در باره فعالیت جنگی، مقامات رئیسه ما در طی سال
گذشته باید گفته شود که این فعالیت بشکل تاءمین عملیات تعرضی
و دفاعی ارتش سرخ بر ضد نیروی آلمان فاشیست ابراز گردید.
عملیات جنگی در جبهه شوروی و آلمان را در سال گذشته ممکن
است به دو دوره تقسیم نمود: دوره اول بیشترش دوره زمستان
بود که در آنوقت ارتش سرخ حمله آلمانیها را بمسکو دفع نمود
ورشته ابتکار را بدست خود گرفته بتعرض پرداخت و نیروی آلمان را
به عقب راند و در مدت چهار ماه در بعضی محاها بیش از ۴۰۰ کیلومتر
پیشروی نمود، دوره دوم دوره تابستان است که نیروی فاشیست آلمان
از فلهان جبهه دوم در اروپا استفاده نموده کلیه ذخایر آزاد خود را
جمع آوری نمودند و جبهه را در جهت جنوب غربی شکافتند و رشته
ابتکار را بدست خود گرفته در مدت ۵ ماه در بعضی جاهای قریب
۵۰۰ کیلومتر پیشروی کردند.

عملیات جنگی در دوره اول و بویژه عملیات موفقیت آمیز
ارتش سرخ در ناحیه رستو، قولا، کالوگما، در نزدیگی مسکو، در

نر دیکی تیخوین و لینینگر اد دو حقیقت شایان توجه را ظاهر ساختند. اولاً این عملیات جنگی دوره اول نشان دادند که ارتش سرخ و افراد جنگی آن به نیروی مهندسی مبدل شده اند که قادرند نه فقط در مقابل فشار نیروی فاشیست آلمان تاب مقاومت بیاورند، بلکه مستعدند آنها را در رزم مستقیم شکست داده آنان را بعقب برانند. ثانیاً عملیات جنگی دوره اول نشان دادند که نیروی فاشیست آلمان با وجود تمام پایداری خود دارای چنین نقصانهای اساسی و مهمی هستند که در صورت وجود بعضی شرایط مساعد برای اوتش سرخ ممکن است به شکست و مغلوبیت نیروی آلمان منتهی بشوند. چنین حقیقت را نمیشود تصادفی شمرد که نیروی آلمان که در سراسر اروپا راه پیمانی پیروزی خش نموده و نیروی فرانسه را که نیروی درجه اول حساب میشدند، بیک ضربت شکست دادند. فقط در کشور ما بمقامت جنگی حقیقی موادی گردیدند و نه فقط بمقامت موادی گزیدند. بلکه مجبور شدند تحت ضربات ارتش سرخ از مواضعی که اشغال کرده بودند بمسافت بیش از ۴۰۰ کیلومتر عقب نشینی کنند و در بین راه عقب نشینی خود مقدار هنگفت توب، اتوبیل و مهمات جنگی باقی بگذارند. این حقیقت را به هیچوجه نمیتوان تنها بوسیله شرایط زمستانی جنگ توضیح نمود.

دوره دوم عملیات جنگ در جبهه شوروی و آلمان با تغییر وضعیت بنفع آلمانیها، بوسیله گذشتن رشته ابتكار بدست آلمانیها، بوسیله شکافتن جبهه ما در جهت جنوب غربی، بوسیله پیشروی نیروی آلمان و رسیدن آنها به نواحی ورنژ، ستالینگراد، نوروسیسک، پیاتیگورسک و مزدک مشخص میگردد. آلمانیها و متفقین آنها از فقدان جبهه دوم در اروپا استفاده نموده تمام ذخایر آزاد خودرا در جبهه مرکز ساخته و آنها را در یک جهت در جهت جنوب غربی سوق دادند و در اینجا از حیث نیرو برای خود بر تری زیادی ایجاد نمودند و بموافقیت تاکتیکی ۶۰٪ نایل شدند.

ظاهر آلمانیها آنقدر هم قوی نیستند که مانند نخستین ماههای تعرض آلمانیها در تابستان سال گذشته بتوانند در یک موقع در هر شهجهت، بعض در جنوب، در شمال و در مرکز حمله نمایند، ولی آنها بقدر کافی قوی هستند که در یک جهتی تعرض جدی و مهم تشکیل دهند.

آیا لشکر کشها و استراتژی دانان آلمان فاشیستی هنگام آغاز تعرض تابستانی^۱ خود در جبهه ما چه مقصد عمله ایرا تعقیب می نمودند؟ اگر از روی تفسیرات مطبوعات خارجی و منجمله از روی تفسیرات روزنامه های آلمان قضایت نمائیم ممکن است چنین فکر کرد که مقصد عمدۀ تعرض از اشغال و تصرف نواحی نفت خیز گروزنی و باکو عبارت بود. ولی حقایق این قصور را بطور قطعی رد می نمایند. حقایق گواه برایند که پیش روی آلمانیها بطرف نواحی نفت خیز اتحاد جمهوری سوری سوسیالیستی مقصد عمله نبوده بلکه مقصد فرعی میباشد.

پس در این صورت مقصد عمله و اساسی^۲ تعرض آلمانیها چه بود؟ مقصد عمدۀ آنها این بود که مسکو را از خاور دور بزنند، آنرا از پشت سر جبهه رود ولگا و اورال جدا کرده واز آن پس بمسکو ضربه وارد آورند. مقصد پیش روی آلمانیها در جنوب بطرف نواحی نفت خیز ذه فقط و ذه آنقدر اشغال نواحی نفت خیز بود، بلکه منظور عمدۀ واساسی این بود که ذخایر عمدۀ نیروی مارا متوجه جنوب کرده و جبهه مسکو را سست و ضعیف نمایند، تا بدین وسیله هنگام وارد آوردن ضربه بمسکو آسانتر احراز موفقیت نمایند. مخصوصاً باین سبب است که گروهندی عمدۀ نیروی آلمان اکنون نه اینکه در جنوب، بلکه در ناحیه آرل و ستالینگراد میباشد.

چندی قبل افراد مایکی از افسران آلمانی را که از کارگان ستاد کل آلمان بود دستگیر نمودند. نزد این افسر ذئشه پیش روی نیروی آلمان کشف گردید که روی آن تاریخ پیش روی نیروی آمان و مو

رسیدن آنها به نقاط مختلف تکائته شده بود از روی این سند واضح میگردد که آلمانیها قصد داشتند ۱۰ زوئیه سال جاری در بوریس‌وگلبسک، ۲۵ زوئیه در ستالینگراد، ۱۰ اوت در ساراتوف، ۱۵ اوت در کوییشیف، ۱۰ سپتامبر در آرزاماس و ۲۵ سپتامبر در باکو باشند.

سند مذکور معلومات مارا در این باره کاملاً تائید می‌نماید که مقصد عمله و اساسی تعرض تابستانی آلمانیها این بود که مسکورا از خاور دور زده و بعد بمسکو ضربه وارد آورند و حال آنکه پیشروی آنها در جنوب غیر از مقاصد دیگر چنین منظوری را در پیش داشت که ذخایر مارا بجای دور تری جلب کرده وجبهه مسکورا ضعیف کنند تا باین وسیله وارد آوردن ضربت بمسکو آسانتر بشود. خلاصه اینکه مقصد عمله تعرض تابستانی آلمانیها عبارت از این بود که مسکورا احاطه نموده و جنگ را امسال تمام کنند.

در نوامبر سال گذشته آلمانیها امید وار بودند بوسیله ضربت بمسکو از جبهه مسکورا اشغال نموده و ارتش سرخ را وادار کنند تسليم شود و بدین وسیله به خاتمه یافتن جنگ در خاور موفق گردند. آنها سربازان خودرا به همینگونه خیالات خام امید وار میگردند. ولی چنانکه معلوم است این فرضیات آلمانیها صحیح در نیامد. آلمانیها که در سال گذشته در وارد آوردن ضربت بمسکو از جبهه قیرشان بسنگ خورد قصد داشتند امسال مسکورا بوسیله دور زدن اشغال نمایند و بدین وسیله به جنگ در خاور خاتمه دهند و آنها حالا سربازان خودرا با چنین خیالات خام فریب میدهند. چنانکه معلوم است این امیدواریها وفرضیات آلمانیها نیز صحیح در نیامد. سر انجام لشکر کشان و استراتژی دانان آلمان فاشیستی که خیال داشتند یک تیر دو نشان بزنند، یعنی میخواستند هم فواحی نفت خیزرا تصرف نمایند و هم مسکورا احاطه کنند، خودشان دچار وضعیت هست و مشکلی شدند.

به همین طریق موقیتهای تاکتیکی^۱ تعریض تا استانی^۲ آلمانیها بعلت عملی نبودن آشکار نقشه‌های استراتژی آنها انجام نپذیرفتند.

۳. مسئله راجع به جبهه دوم در اورپا.

پس علت این چیست که آلمانیها با وجود این موفق شدنده امسال و شنه ابتکار عملیات جنگی را بدست خود گرفته و در جبهه ما به موقیتهای جدی تاکتیکی نایل گردند؟

علت این آنست که آلمانیها و متفقین آنها موفق شدنده تمام ذخایر آزاد خود را جمع کرده و آنها را به جبهه خاور سوق دهنده و دریکی از جهات برای خود از حیث نیرو بر تری ایجاد نمایند. شکی نیست که آلمانیها بدون این اقدامات نمی‌توانستند در جبهه ما احراز موفقیت نمایند.

آیا سبب اینکه آنها توانستند تمام ذخایر خود را متمرکز ساخته و آنها را به جبهه خاور سوق دهنده چیست؟ علتش اینست که فقدان جبهه دوم در اروپا به آنها امکان داد این عملیات را بدون اینکه خطری متوجه آنها بشود صورت دهنده.

بنابراین علت عمدۀ موقیتهای تاکتیکی^۱ آلمانیها در جبهه ما امسال عبارت از اینست که فقدان جبهه دوم در اروپا به آنها امکان داد تمام ذخایر خود را به جبهه ما منتقل نموده و در جهت جنوب غربی برای خود از حیث نیرو بر تری بزرگی ایجاد نمایند.

فرض کنیم که در اروپا جبهه دوم همانطوری که در جنگ نخستین جهانی بود، اکنون نیز وجود داشت و این جبهه دوم بگوئیم ۶۰ لشکر آلمان و ۲۰ لشکر متفقین آلمان را بطرف خود جلب می‌کرد. آیا آنوقت وضعیت نیروی آلمان در جبهه ما چگونه می‌بود؟ پس بردن باین امر مشکل نیست که وضعیت آنها استغناک

میبود. حذسته از آن آغاز شکست و مغایبیت نیروی آلمان فاشیستی بوجود میآمد، زیرا در آنصورت ارتش سرخ نه در آنجا ییکه حال قرار گرفته است، بلکه سر نزدیکی پسکوف، مینسک، ژیتوویز، و ادسه قرار میداشت. معنی این آنست که ارتش آلمان فاشیست در همین تابستان سال جاری در مقابل فاجعه خود قرار میگرفت. و اگر این واقعه رخ نداد، علتش آنست که آلمانیها بسبب فقدان جبهه دوم در اروپا نجات یافتند.

اکنون مسئله راجع به جبهه دوم را در اروپا از نقطه نظر تاریخی بررسی نمائیم.

در جنگ نخستین جهانی آلمان مجبور بود در دو جبهه یعنی در مغرب بطور عمدۀ بر ضد انگلیس و فرانسه و در شرق بر ضد نیروی روس جنگ بکند. بنابراین در جنگ نخستین جهانی بر ضد آلمان جبهه دوم وجود داشت. از ۲۲۰ لشکری که در آن‌زمان آلمان در اختیار خود داشت، بیش از ۸۵ لشکری در جبهه روسیه نبود و اگر نیروی متفقین آلمان یعنی ۳۷ اشکر اطریش و مجارستان، ۲ لشکر بلغارستان و ۳ اشکر ترکیه را که بر ضد جبهه روسیه قرار گرفته بودند، اضافه نمائیم، آنوقت رویه‌مرفته ۱۲۷ لشکر میشود که بر ضد نیروی روس قرار گرفته بودند. بقیه لشکرهای آلمان و متفقین آن بطور عمدۀ در جبهه بر ضد نیروی انگلیس و فرانسه جنگ میکردند و یک قسمت آنها در سر زمین‌های اشغال شده اروپا مشغول خدمت پادگانی بودند.

وضعیت در جنگ نخستین جهانی از قرار فوق بود.
آیا حالا در دومین جنگ جهانی، مثلاً در سپتامبر سال جاری وضعیت هیچگونه است؟

از روی معلومات تحقیق شده که هیچگونه شک و شباهی تولید نمیکنند از ۲۵۶ اشکری که اکنون آلمان دارد، دست کم ۱۷۹ لشکر در جبهه مبارزه گرفته است و اگر ۲۲ اشکر رومانی، ۱۴ اشکر

فنلاندی، ۱۰ لشکر ایتالیائی، ۱۳ لشکر مجارستانی، یک لشکر اسلواکی و یک لشکر اسپانیائی را اضافه کنیم، روی هم رفته ۲۴۰ لشکر می شود که حالا در جبهه ما مشغول جنگ هستند. سایر لشکرهای آلمانیها و متفقین آنها در کشورهای اشغال گردیده (فرانسه، بلژیک، نروژ، هلند، یوگو اسلاوی، لهستان، چکو اسلواکی و غیره) مشغول ایغای خدمت پادگانی هستند و یک قسمت آنها در لیبی بر ضد انگلیس برای تصرف مصر جنگ می کنند و ضمناً جبهه لیبی روی هم رفته ۴ لشکر آلمان و ۱۱ لشکر ایتالیا را به خود جلب کرده است.

بنابراین حالا در عوض ۱۲۷ لشکری که در جنگ نخستین جهانی بر ضد جبهه ما بود، دست کم ۲۴۰ لشکر و در عوض ۸۵ لشکر آلمان اکنون ۱۷۹ لشکر آلمان در جبهه ما بوده و بر ضد ارتش سرخ جنگ می کنند.

علت عمدہ و اساسی^۱ موافقیتهای تاکتیکی^۲ نیروی آلمان فاشیست دو جبهه ما در طی تابستان سال جاری از مرائب فوق الذکر عمارته است.

تاخت و تاز آلمانیها را بکشور ما اغلب با تهاجم ناپلیون بروسیه مقایسه می نمایند. ولی این مقایسه قابل هیچ گونه انتقادی نیست. ناپلیون از ۶۰۰ هزار نفر نیروئی که عازم لشکر کشی بروسیه شده بودند، بزور ۱۴۰-۱۳۰ هزار نفرشان را توانست به بُرودینو برساند. تمام قوهای که ناپلیون در اطراف مسکو داشت، از همین عده عبارت بود. ولی حالا نیروئی که در مقابل جبهه ارتش سرخ قرار گرفته و با تمام وسایل جنگ کنونی مسلح هستند به متجاوز از ۳ میلیون نفر بالغ می باشد. آیا در اینجا چه مقایسه ای میتواند وجود داشته باشد؟

تهاجم آلمانیها را بکشور ما بعضی اوقات با تهاجم آلمان بروسیه در دوره جنگ نخستین جهانی نیز مقایسه می کنند. ولی این مقایسه هم قابل هیچ گونه انتقادی نیست. اولا در موقع جنگ نخستین جهانی

جهه دوم در اروپا وجود داشت و وضعیت آمانیهارا خیلی مشکل میگرد و حال آنکه در این جنگ جبهه دوم وجود ندارد. ثانیاً در این جنگ بر ضد جبهه ما دو برابر بیشتر از جنگ نخستین جهانی نیرو قرار گرفته است. واضح است که این مقایسه نادرست میباشد. آکنون شما میتوانید تصور نمایید که مشکلاتیکه در مقابل ارتش سرخ قرار گرفته تا چه اندازه مهم و غیرعادی میباشد و آن قهرمانی^۱ که ارتش سرخ در جنگ آزادی آور وی بر ضد استیلاگران آلمان فاشیست ابراز میدارد، چقدر عظیم است.

به عقیده من هیچ کشور دیگری و هیچ ارتش دیگری نمی توانست در مقابل چنین حمله دسته راهزنان وحشی آلمانی فاشیست و متفقین آنها تاب مقاومت بیاورد. فقط کشور شوروی ما و فقط ارتش سرخ ما قادرند در مقابل چنین حمله تاب مقاومت بیاورند و نه فقط در مقابل چنین حمله تاب مقاومت بیاورند، بلکه مستعدند آنرا مرتفع سازند. (کف زدن‌های شورانگیز)

اغلب می‌پرسند: آیا بالاخره جبهه دوم در اروپا ایجاد خواهد گردید یا نه؟ بله، دیر یا زود تشکیل خواهد گردید. وجبهه دوم نه فقط برای آن تشکیل خواهد گردید که آن برای ما لازم است، بلکه قبل از همه برای آن ایجاد خواهد شد که برای متفقین ما کمتر از ما لازم نمی باشد. متفقین ما نمی توانند پس نبرند که پس از آنکه فرانسه از پا در آمد، فقدان جبهه دوم بر ضد آلمان فاشیستی ممکن است برای تمام کشورهای آزادی دوست و منجمله برای خود متفقین عواقب بدی در برداشته باشد.

۴. اتحاد جنگی؛ اتحاد جماهیر شوروی سو سیالیستی، انگلستان و ممالک متحده امریکا بر ضد آلمان هیتلری و متفقین آن در اروپا.

اکنون این واقعه را میتوان تکذیب نا پذیر شمرد که در جریان جنگی که از طرف آلمان هیتلری به ملل تحمیل شده بطور اساسی انقسام قوا رخ داده و دو اردوگاه مختلف یگدیگر تشکیل یافته است، اردوگاه ائتلاف ایتالیا و آلمان و اردوگاه ائتلاف انگلیس-شوروی و امریکا. این امر نیز تکذیب نا پذیر است که این دو ائتلاف مختلف یگدیگر بوسیله دو برنامه و بر زامه مختلف عملیات هدایت میگردند.

برنامه عمل ائتلاف ایتالیا و آلمان را میتوان بوسیله مواد ذیل توصیف نمود: عداوت نژادی؛ حکمفرمائی ملل «برگزیده»؛ مطیع کردن سایر ملل و غصب خاک آنان؛ اسارت اقتصادی؛ ملل مغلوب شده و تاراج دارائی ملی آنها؛ از بین بردن آزادیهای دموکراسی؛ ایجاد رژیم هیتلری در همه جا.

برنامه عمل ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا از اینقرار است: از بین بردن امتیاز نژادی؛ تساوی حقوق ملل و مصونیت خاک آنها؛ آزاد کردن مال اسارت زده واستقرار حقوق حاکمیت آنها؛ حقوق هر ملتی برای تشکیل حیات بنا به میل خود؛ کمک اقتصادی به ملل آسیب دیده و مساعدت بانها برای نیل بر فاهیت مادیشان؛ استقرار آزادیهای دموکراسی؛ انهدام رژیم هیتلری.

بر نامه عمل ائتلاف ایتالیا و آلمان منتهی بآن گردید که در کلیه کشورهای اشغال شده اروپا-نروژ، دانمارک، بازیک، هلند، فرانسه، لهستان، چکو-اسواکی، یوگوسلاوی، یونان-و در ایالات اشغال شده اتحاد جشش آتش تنفر وعداوت نسبت به ظلم و استبداد

ایتالیا و آلمان مشتعل است و این کشورها به هر وسیله‌ای که میتوانند به آلمانیها و متفقین آنها ضرر و آسیب می‌رسانند و منتظر موقع مناسبی می‌باشند که در عوض تحریرات و اجحافی که نسبت بانها روا داشته‌اند از اسیرکنندگان خود انتقام بکشند.

از اینرو یکی از مشخصات زمان حال آنست که انفراد ائتلاف ایتالیا و آلمان و بپایان رسیدن ذخایر معنوی و سیاسی آن در اروپا در ترقی تصاعده است و ضعف و افساد آن رو بافزایش می‌رود. بر نامه عمل ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا منتهی به آن شده که کلیه کشورهای اشغال شده در اروپا نسبت به کارمندان این ائتلاف غرق موافقت و همراهی بوده حاضرند هر گونه کمک و همراهی را که مستعد آن هستند به کارمندان این ائتلاف برسانند.

از اینرو یکی از مشخصات دیگر زمان حال آنست که ذخایر معنوی و سیاسی این ائتلاف در اروپا ونه فقط در اروپا روز بروز افزایش می‌یابد و در پیرامون این ائتلاف میلیونها نفر مردم موافق و همراهی بطور تصاعده جمع می‌شوند که حاضرند با تفاق آن بر ضد هیتلر جنگ وستیز نمایند.

اگر مسئله تناسب قوای این دو ائتلاف را از نقطه نظر ذخایر و منابع مادی و نفرات بررسی کنیم آنگاه غیر ممکن است باین نتیجه نرسیم که در این مسئله بلوں هیچ شک و شبّه‌ای برتری و تفوق در طرف ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا می‌باشد.

ولی مسئله سر اینست که آیا فقط این تفوق و برتری برای فتح و پیروزی کافیست یا نه؟ چنین اتفاقاتی رخ میدهد که منابع و ذخایر زیاد است ولی آنها به اندازه‌ای با بی‌نظمی و بی‌اندیشه‌گی مصرف می‌شوند که برتری و تفوق مساوی به صفر می‌گردد. بخودی خود معلوم است که غیر از منابع و ذخایر، استعداد بسیج این منابع و دانستن طرز صحیح مصرف نمودن این منابع و ذخایر هم لازم و ضرور می‌باشد. آیا دائمی هست که ما در اینکه اشتراک

کنندگان ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا دارای این استعداد و این
دانائی و مهارت می‌باشند، شک و تردیدی داشته باشیم؟ برخی در
این مورد شک و تردید دارند. ولی بچه دلیلی آنها شک و تردید
دارند؟ در موقع خود اشتراک کنندگان این ائتلاف در بسیج ذخایر
و منابع کشورهای خود ومصرف صحیح آن بمنظور ساختمان اقتصادی
و مدنی وسیاسی، از خود کاردانی و استعداد ابراز داشتند. ما می‌
پرسیم که آیا چه دلیلی برای آن وجود دارد انسان تردید کند که
اشخاصیکه در کار بسیج و تقسیم منابع برای مقاصد اقتصادی و مدنی
وسیاسی استعداد و کاردانی ابراز داشته‌اند، برای انجام همان کار
محض بعمل رساندن مقاصد لشکری مستعد نمی‌باشند. بعقیده من
چنین اساس و دلیلی موجود نیست.

میگویند که ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا برای پیروزی همه
جور شانس دارد و اگر دارای یک نقصان اساسی نمی‌بود که میتواند
آنرا ضعیف و متلاشی سازد، بطور حتم این ائتلاف فاتح و پیروز مند
میشود. این نقصان بنا به عقیده اشخاص مذبور عبارت از آنست که
ائلاف نامبزده از عناصر مختلفی مرکب است که دارای ایدئولوژی
یکتواخت نمی‌باشند و این موضوع به آنها امکان نخواهد داد بر ضد
دشمن عمومی خود عملیات مشترک تشکیل دهند.
بعقیده من ادعای فوق الذکر صحیح نیست.

انکار فرق ایدئولوژی و سازمان اجتماعی^۱ دوای که داخل ائتلاف
انگلیس و شوروی و امریکا هستند بسی خنده آور می‌بود. ولی آیا
این موضوع امکان و صلاحیت عملیات مشترک کارمندان این ائتلاف را
بر ضد دشمنی که آنها را به اسارت و انقیاد تهدید میکند، مستثنی
و غیر ممکن می‌سازد؟ مسلم است که خیر. اضافه بر آن، تهدیدی که
رخ داده است ضرورت عملیات مشترک را بکارمندان این ائتلاف
با لعن آمرانه دیکته می‌کند برای آنکه بشریت را از رجعت به
بربریت و وحشیگریهای قرون وسطی نجات دهند. آیا بر نامه

عمل ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا برای آن کافی نیست که بر پایه آن بروزد ظلم واستبداد هیتلری مبارزه متحد تشکیل داده و به پیروزی آن نایل گردند؟ بعقیده من "کاملاً" کافی است.

اعمای این اشخاص باین جهت هم صحیح نیست که آن بوسیله وقایع سال جاری "کاملاً" تکذیب میگردد. مساماً اگر این اشخاص حق بجانب بودند ما شاهد حقایق انتزاع و دوری تصاعدی^۱ کارمندان ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا از یکدیگر میبودیم. لیکن ما نه فقط این واقعه را مشاهده نمی کنیم، بلکه بر عکس وقایع و حقایق گواه برنزدیگی تصاعدی کارمندان ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا و متحد شدن آنها در اتحاد واحد جنگی میباشند. وقایع سال جاری بمنزله دلیل مستقیم بر این حقیقت میباشند. در ژوئیه سال ۱۹۴۱ پس از چند هفته بعد از حمله آلمان به اتحاد جش س انگلیس با اتحاد شوروی عهدنامه «عملیات مشترک در جنگ بروزد آلمان» بست. در آنزمان ما راجع باین موضوع با ممالک متحده امریکا عهد نامه ای نداشتیم. پس از ده ماه بعد از این واقعه، ۲۶ ماه مه سال ۱۹۴۲ هنگام مسافرت رفیق مولوتف به انگلستان، انگلیس با ما «پیمان اتحاد در جنگ بروزد آلمان هیتلری و همدستان آن در اروپا و همکاری و تعاون مشترک در زمان پس از جنگ» بست. این پیمان برای مدت ۲۰ سال بسته شده است و در مناسبات بین کشور ما و انگلستان بمنزله نقطه برگشت تاریخی میباشد. در ماه ژوئن سال ۱۹۴۲ در موقع مسافرت مولوتف به کشورهای متحده امریکا، کشورهای متحده امریکا با ما «عهد نامه راجع به اصول موافق در تعاون مشترک برای پیش بردن جنگ بروزد تجاوز» را امضا نمودند. این عهد نامه در مناسبات بین اتحاد جش س و ممالک متحده امریکا بمنزله گام مهمی بجلو میباشد. بالاخره میباشد این واقعه مهم را نیز خاطر نشان ساخت که نخست وزیر بریتانیای کبیر آقای چرچیل بمسکو مسافرت نمود و این امر حسن تفاهم کامل روئای هر دو

کشور را فراهم ساخت. شکی نیست که این حقایق گواه نزدیکی روز افزون اتحاد جش س، بریتانیای کبیر و کشورهای متحده امریکا و گواه متحد شدن آنها در اتحاد جنگی بر ضد ائتالیا و آلمان میباشد.

معلوم میشود که منطق و قایع از هر منطق دیگری قوی تر است.

از اینجا میتوان فقط چنین استنباط نمود: ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا برای پیروزی بر ائتلاف ایتالیا و آلمان دارای همه جور شانس میباشد و آن بدون شک و تردیدی پیروزمند خواهد شد.

۵. و ظایف ما.

جنگ تمام پرده هارا دریده و کلیه مناسبات را واضح و آشکار ساخت. اوضاع به اندازه ای واضح و آشکار شده که از معین نمودن و ظایف ما در این جنگ چیز آسانتری وجود ندارد. هیتلر آدمخور ضدن مصاحبه خود با ژنرال ترکیه ارکیلت که در روز نامه ترکیه «جمهوریت» درج شده چنین گفته است: «ما روسیه را نابود خواهیم کرد که دیگر هیچ وقت نتواند قد راست کند». اگرچه این سخنان دیوانه واراست ولی بکلی واضح و آشکار میباشند (خنده). ما چنین مقصدی نداریم که آلمان را نابود سازیم، چون همانطوریکه روسیه را نمیتوان نابود ساخت آلمان را نیز نمیتوان نابود کرد. ولی نابود کردن دولت هیتلری ممکن و ضرور است. (کف زدنهای شورانگیز).

نخستین وظیفه ما در آنست که دولت هیتلری و مجرکین آنرا نابود سازیم. (کف زدنهای شورانگیز).

سپس هیتلر آدمخور در همان مصاحبه و با همان ژنرال چنین گفته است: «ما جنگ را تا موقعی ادامه خواهیم داد که در روسیه

عمل ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا برای آن کافی نیست که بر پایه آن بر ضد ظلم واستبداد هیتلری مبارزه متحد تشکیل داده و به پیروزی آن نایل گردد؟ بعقیده من کاملاً کافی است.

اعمای این اشخاص باین جهت هم صحیح نیست که آن بوسیله وقایع سال جاری کاملاً تکذیب میگردد. مساماً اگر این اشخاص حق پنجاهم بودند ما شاهد حقایق انتزاع و دوری تصاعدی^۱ کارمندان ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا از یکدیگر میبودیم. لیکن ما نه فقط این واقعه را مشاهده نمی کنیم، بلکه بزر عکس و قایع و حقایق گواه برخزدیکی تصاعدی کارمندان ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا و متحد شدن آنها در اتحاد واحد جنگی میباشند. وقایع سال جاری بمنزله دلیل مستقیم بر این حقیقت میباشند. در ژوئیه سال ۱۹۴۱ پس از چند هفته بعد از حمله آلمان به اتحاد جش س انگلیس با اتحاد شوروی عهدنامه «عملیات مشترک در جنگ بر ضد آلمان» بست. در آنزمان ما راجع باین موضوع با ممالک متحده امریکا عهد نامه ای نداشتیم. پس از ده ماه بعد از این واقعه، ۲۶ ماه مه سال ۱۹۴۲ هنگام مسافت رفیق مولوتوف به انگلستان، انگلیس با ما «پیمان اتحاد دو جنگ بر ضد آلمان هیتلری و همدستان آن در اروپا و همکاری و تعاون مشترک در زمان پس از جنگ» بست. این پیمان برای مدت ۲۰ سال بسته شده است و در مناسبات بین کشور ما و انگلستان بمنزله نقطه برگشت تاریخی میباشد. در ماه ژوئن سال ۱۹۴۲ در موقع مسافت مولوتوف به کشورهای متحده امریکا، کشورهای متحده امریکا با ما «عهد نامه راجع به اصول موافق در تعاون مشترک برای پیش بردن جنگ بر ضد تجاوز» را امضا نمودند. این عهد نامه در مناسبات بین اتحاد جش س و ممالک متحده امریکا بمنزله گام مهمی بعلو میباشد. بالاخره میباشد این واقعه مهم را نیز خاطر نشان ساخت که نخست وزیر بریتانیای کبیر آقای چرچیل بمسکو مسافت نمود و این امر حسن تفاهم کامل روئای هر دو

کشور را فراهم ساخت . شکی نیست که این حقایق گواه نزدیکی روز افزون اتحاد ج ش س، بریتانیای کبیر و کشورهای متحده امریکا و گواه متحده شدن آنها در اتحاد جنگی برضد ائتلاف ایتالیا و آلمان میباشد .

معلوم میشود که منطق و قایع از هر منطق دیگری قوی تر است .

از اینجا میتوان فقط چنین استنباط نمود: ائتلاف انگلیس و شوروی و امریکا برای پیروزی بر ائتلاف ایتالیا و آلمان دارای همه جور شانس میباشد و آن بدون شک و تردیدی پیروزمند خواهد شد .

۵. و ظایف ما .

جنگ تمام پرده هارا دریده و کلیه مناسبات را واضح و آشکار ساخت . اوضاع به اندازه ای واضح و آشکار شده که از معین نمودن وظایف ما در این جنگ چیز آسانتری وجود ندارد . هیتلر آدمخور ضم مصاحبه خود با ژنرال ترکیه ارکیلت که در روز نامه ترکیه «جمهوریت» درج شده چنین گفته است: «ما روسیه را نابود خواهیم کرد که دیگر هیچ وقت نتوانند قد راست کنند». اگرچه این سخنان دیوانه واراست ولی بکلی واضح و آشکار میباشند (خنده) . ما چنین مقصدی نداریم که آلمان را نابود سازیم ، چون همانطوریکه روسیه را نمیتوان نابود ساخت آلمان را نیز نمیتوان نابود کرد . ولی نابود کردن دولت هیتلری ممکن و ضرور است . (کف زدنیای شورانگیز) .

نخستین وظیفه ما در آنست که دولت هیتلری و محرکین آنرا نابود سازیم . (کف زدنیای شورانگیز) .

سپس هیتلر آدمخور در همان مصاحبه وبا همان ژنرال چنین گفته است: «ما جنگ را تا موقعی ادامه خواهیم داد که در روسیه

نیروی منظم جنگی باقی نماند». اگرچه این سخنان بیسادانه است ولی کاملاً واضح و آشکار میباشند. (خنده). ما چنین مقصدی را در پیش نداریم که در آلمان هر گونه نیروی منظم جنگی را نابود نمائیم، چون هر آدم با سوادی در ک خواهد کرد که این کار نه فقط در مورد آلمان و همچنین در مورد روسیه محال است، بلکه از نقطه نظر فاتح هم صلاح نیست. ولی انہدام ارتش هیتلری ممکن و ضرور میباشد. (کف زدنهاش شورانگیز).

وظیفه دوم ما عبارت از آنست که ارتش هیتلری و روئای آنرا نابود سازیم. (کف زدنهاش شورانگیز).

هیتلریها رذیل عذاب و شکنجه دادن را به اسیران جنگ شوروی و صد نفر - صد نفر بقتل رساندن آنها و محکوم کردن هزاران نفر از آنها را به مرگ در نتیجه گرسنگی قاعده خود قرار داده اند، آنها اهالی کشوری سر زمین های اشغال شده کشورما، مردان و زنان، کودکان و پیرمردان، برادران و خواهران ما را اجحاف کرده و بقتل میرسانند. آنها این مقصد را در مقابل خود گذاشته اند که اهالی اوکراین - باروسی - کشورهای کرانه بالتیک - مولداوی - کریمه و قفقاز را یا به بندگان خود مبدل سازند و یا معدوم کنند. فقط مردمان فرومایه و رذیل که فاقد شرف بوده و تا بدرجه جانوران تنزل کرده اند، میتوانند بخود اجازه دهنده اینگونه بیداد گری ها را نسبت به مردمان بی گناه و بی سلاح روا دارند. ولی تمام موضوع منحصر باین نیست. آنها اروپا را براز چوبه دار و بازداشتگاه کرده اند، آنها «سیستم» رذیلانه «گروگان» را جاری گرده اند و اشخاص بکلی بی گناه و بی تقصیر را که فقط بعلت اینکه به یکی از جانوران آلمان در هتک ناموس کردن زنان و یا غارت مردم ممانعت کرده اند، «بعنوان گروگان» گرفته اند. تیرباران می کنند و یا بدار می کشنند. آنها اروپا را به زندان ملل مبدل ساخته اند. واینرا آنها انتظام نوین در اروپا مینامند. ما مقصربین این بیداد گریها و

موئسین «انتظام نوین» را در اروپا، تمام این استانداران و فرمانداران، روئای دزبانی و معاونین آنها را که تازه بدوران آمده اند میشناسیم. اسامی آنها را دهها هزار مردم عذاب دیده و شکنجه کشیده میدانند. بگذار این جلادان بدانند که آنها در عوض جنایات خود از مشوایت خلاصی نخواهند یافت واز دست مجازات دهنده ملل ستمدیده رهائی نخواهند داشت.

وظیفه سوم ما عبارت از آنست که این «انتظام نوین» را در اروپا که مورد تنفر و انزجار است ویران ساخته و بانیان آنرا مجازات کنیم. اینست وظایف ما. (کف زدنهاش شورانگیز).

رفقا! ما جنگ عظیم آزادی آور از پیش میپریم. ما در این جنگ تنها نیستیم و آنرا با متفقین خود از پیش میبریم. این جنگ پیروزی مارا بر دشمنان رذیل و فرمایه بشریت، بر امپریالیستهای آلمانی فاشیست فراهم میسازد. روی پرچم آن نگاشته شده: زنده باد پیروزی اتحاد جنگی، انگلیس و شوروی و امریکا! (کف زدنها).

زنده باد از اراد نمودن ملل اروپا از قید ظلم واستبداد هبتلری! (کف زدنها).

زنده باد آزادی و استقلال میهن با شهامت شوروی ما! (کف زدنها).

لعنت و مرگ بر غاصبین آلمانی فاشیست، بر دولت، بر ارتش و بر «انتظام نوین» آنها در اروپا! (کف زدنها). زهی افتخار به ارتش سرخ ما! (کف زدنهاش شورانگیز). زهی افتخار به نیروی دریائی ما! (کف زدنهاش شورانگیز). زهی افتخار به مردان و زنان چریک ما! (کف زدنهاش شورانگیز و ممتد). همه از جا بلند میشوند. کف زدنهاش هیجان آمیز نمام تالار).

فرمان کمیسر ملی دفاع

شهر مسکو مورخه ۷ نوامبر سال ۱۹۴۲

شماره ۳۴۵

رفقا، سپاهیان سرخ، فرماندهان و کارکنان سیاسی! مردان و زنان چریک! زحمتکشان اتحاد شوروی!
از طرف دولت شوروی و حزب بلشویک ما شماراً بمناسبت روز جشن ۲۵ سالگی پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تبریک و شاد باش میگوییم.

بیست و پنج سال پیش از این کارگران و دهقانان تحت ریاست حزب بلشویکان و لنین کبیر در کشور ما حکومت شوراها را برقرار نمودند. در اینمدت ملل اتحاد شوروی راه با افتخاری را پیموده اند. در طرف ۲۵ سال میهن ما به دولت مقندر و توانای سوسیالیستی صنعتی و کلخوزی مبدل گردید. ملل دولت شوروی برای خود آزادی و استقلال بدست آورده در دوستی برادرانه تزلزل ناپذیر خود متعدد گردیدند. مردمان شوروی از هر گونه ظلم رهائی یافته و بوسیله کار مصرانه برای خود حیات و زندگانی با استطاعت و مدنی ایجاد نمودند.

اکنون ملل کشور ما ۲۵ سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را در بحبوحه مبارزه شدید بر ضد غاصبین آلمانی فاشیست و همسitan آنها در اروپا جشن میگیرند.

در آغاز سال جاری در دوره زمستان ارتش سرخ بر نیروی فاشیست آلمان ضربات مهمی وارد آورد. ارتش سرخ حمله آلمانیها را به مسکو دفع نموده ابتکار را بدست خود گرفت و به تعرض

پرداخته نیروی آلمان را بطرف مغرب عقب راند و یکرشته ایالات کشور ما را از قید برده‌گش آلمانیها خلاص کرد . بدین منوال ارتقش سرخ نشان داد که در صورت برخی شرایط مساعد میتواند بر نیروی فاشیست آلمان غالب آید .

لیکن در تابستان اوضاع جبهه رو به وخامت رفت . آلمانیها و متفقین آنها از فقدان جبهه دوم در اروپا استفاده نموده کلیه نیروی ذخیره خود را متمرکز ساخته و به جبهه اوکرائین ما سوق دادند و این جبهه را شکافتند . نیروی آلمان فاشیست بقیمت تلفات هنگفت موفق شدند در جنوب پیشروی کنند و ستالینگراد ، سواحل دریای سیاه ، گروزنی و راه‌های ورود به قفقازیه را مورد تهدید خود قرار دهند .

راست است که استقامت ، پایداری و مردانگی ارتقش سرخ نقشه‌های آلمانیها را دائز بر دور زدن مسکو از سمت خاور و ضربت وارد آوردن را به پایتحت کشور ما بهم زده و عقیم گذاشت . اکنون دشمن در نزدیکی ستالینگراد متوقف گردیده است . ولی دشمن که در نزدیکی ستالینگراد متوقف گردیده و تا بحال - در آنجا ده‌ها هزار نفر سرباز و افسر خود را بکشتن داده لشکرهای نوی را وارد نبرد می‌سازد و آخرین قوای خود را بکار می‌برد . مبارزه در جبهه شوروی - و آلمان رفته جنبه شدید تری بخود می‌گیرد . سرنوشت دولت شوروی ، آزادی واستقلال میهن ما وابسته است به نتایج این مبارزه .

ملت شوروی ما با کمال افتخار از عهده آز مایشاتی که نصیب آن شده است بر آمده و اعتماد تزلزل نا پذیری به پیروزی دارد . جنگ به امتحان سخت و سنگین قوه و استواری سازمان شوروی مهدل گردیدن نقشه و امید واریهای امپریالیستهای آلمان راجع به متلاشی گردیدن واژهم پاشیده شدن دولت شوروی کاملاً بهم خورد . صنایع سوسیالیستی ، سازمان گلخوزی ، دوستی ملل کشورما و دولت شوروی - استواری

و شکست نا پذیر بودن خود را ثابت نمودند. کارگران و دهقانان، جملگی منورین کشور ما، تمام پشت سر جبهه ما با صمیمیت و فداکاری برای تأمین احتیاجات جبهه ما کار و کوشش میکنند.

ارتش سرخ کلیه سنگینی جنگ را برضد آلمان هیتلری و همدستان آن بردوش داشته و متحمل میگردد. ارتش سرخ با مبارزه فداکارانه خود برضد ارتشهای فاشیستی مهر و محبت و احترام کلیه مال آزادی دوست جهان را بطرف خود جلب نمود. سپاهیان و فرماندهان ارتش سرخ که سابق دارای تجربه مکفی^۱ جنگی نبودند، اکنون وارد آوردن ضربات صحیح را بر دشمن آموخته اند و نابود نمودن نیروی زنده و تکنیک جنگی آنرا و بهم زدن و عقیم گذاشتن مقاصد دشمن را یاد گرفته اند و شهرها و دهات ما را با استقامت و پایداری از حمله ستمکاران بیگانه دفاع نمودن را آموخته اند. مدافعين قهرمان مسکو و تولا، ادسا و سواستوپل، لنینگراد و ستالینگراد از خود نمونه‌های رشادت فداکاری، انتظام آهنین و پایداری و دانستن راه غالب آمدن را ابراز نمودند. تمام ارتش سرخ ما از این قهرمانان سرمشق میگیرد. دشمن در پوست خود از استعداد ارتش سرخ به مقاومت خبر دار شده. دشمن باز هم قوه ضربات درهم شکن ارتش سرخ را خواهد دانست. در این امر نمیتوان شکی داشت که غاصبین آلمانی باز هم به ماجراجوئی‌های جدیدی متولّ خواهند شد. ولی قوای دشمن ضعیف شده و در درجه حد اکثر آن میباشد. ارتش سرخ در مدت جنگ متجاوز از ۸ میلیون سر باز و افسر دشمن را از پا در آورده. حالا ارتش آلمان که در آن رومانیها - مجارها - ایتالیائیها و فنلاندیها نیز قاطی شده اند، از تابستان و پائیز سال ۱۹۴۱ خیلی ضعیف تر شده است. رفقا، سپاهیان سرخ، فرماندهان و کارکنان سیاسی، مردان و زنان چریک!

تار و مار کردن ارتش فاشیست آلمان و پاک و مصفع نمودن خاک شوروی از وجود غاصبین هیتلری وابسته است به پافشاری،

استقامت و پایداری شما وابسته است به مهارت نظامی و حاضر
بودن شما برای اینکه وظیفه خود تانرا در مقابل میهن اجرا نماید!
ما میتوانیم و باید خاک شوروی را از وجود نجس هبنلر بها
پاک و مصفی نمائیم!
برای این کار لازم است:

- ۱) از خط جبهه ما با استقامت، پایداری و پافشاری مدافعت
نموده و نگذاشت که دشمن دیگر پیشروی کند؛ با تمام قوا دشمن را فرسوده
کرد نیروی زنده آن را معدوم ساخت و تکنیک جنگی آنرا منهدم نمود.
- ۲) با تمام قوا و وسائل انطباط آهنهن، انتظام، اکید و وحدت
فرماندهی را در ارتش ما مستحکم و استوار نمود، مشق و مهارت
جنگی نیروی ما را ترقی داد و مشغول تهیه - تهیه مصراحت و
باپشت کار وارد آوردن ضربه در هم نکن بر دشمن بود.
- ۳) شعله نهضت چریک عموم ملت را در پشت سر جبهه دشمن
دامن زده پشت سر جبهه دشمن را در همه جا ویران نمود و ارادل
آلمنی فاشیست را معدوم ساخت.
رفقا!

دشمن یکبار با قوه ضربات ارتش سرخ در نزدیکی
رستوف، در نزدیکی مسکو، در نزدیکی تیخوین آشنا شده است.
آن روز نزدیک است که دشمن با قوه ضربات تازه ارتش سرخ
آشنا گردد. در کوچه ما هم عید خواهد شد!

زنده باد جشن ۲۵ سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر!

زنده باد ارتش سرخ ما!

زنده باد نیروی دریائی ما!

زنده باد مردان و زنان چریک با افتخار ما!

مرده باد غاصبین آلمنی فاشیست!

کمبسٹر ملی دفاع
ای. ستالین

پاسخهای ای. و. ستالین به پرسش‌های مخبر خبرگزاری امریکا آسوش‌ایتل پرس

مخبر خبر گزاری امریکا آسوش‌ایتل پرس در مسکو آقای کسیدی ۱۲ نوامبر به رئیس شورای کمیسران ملی اتحاد جش س رفیق ای. و. ستالین نامه‌ای فرستاده و ضمن آن خواهش کرده بود که به سه سوالی که مورد علاقمندی افسکار عمومی امریکا میباشد پاسخ بدهند.

رفیق ای. و. ستالین بوسیله نامه زیر به آقای کسیدی پاسخ داد:

«افقی کسیدی!

به پرسش‌های شما که ۱۲ نوامبر فرستاده بودید پاسخ میدهم:
۱. «طرف شوروی لشکرکشی متفقین را در افریقا چگونه تلفی می‌نماید؟»

پاسخ. طرف شوروی این لشکرکشی را بمنزله واقعه فوق العاده میدم و بر جسته ای تلقی می‌نمایم که آن، اقتدار و توانائی روز افزون نیروهای مسلح متفقین را نشان داده و منظرة انحلال و از هم پاشیده شدن ائتلاف ایتالیا و آلمان را در آنیه نزدیکی مینکشاید.

لشکرکشی افریقا بار دیگر عقبده شکاکان را که میگویند رؤسای انگلیس و امریکا مستعد نیستند لشکرکشی جدی و مهم تشکیل دهند، تکذیب میکند. جای هیچ شک و شباهه ای نیست که فقط

تشکیل گفند گان درجه اول میتوانستند چنین عملیات جنگی، مهمی را
مانند پیاده کردن موافقیت آمیز نیرو در افریقای شمالی از طریق
اقیانوس، اشغال سریع بنادر و سر زمین وسیع از کاسابلانک تا بوژی
و تار و مار کردن نیروی ایتالیا و آلمان را در صحرای غربی که
با مهارت و استادی انجام میپذیرد، عملی نموده و بموقع اجرا
بگذارند.

۲. «این لشکر کشی از نقطه نظر کاهش فشار به اتحاد
شوری تا چه اندازه موثر میباشد و اتحاد شوری در آینده
منتظر چنوع کمکی میباشد؟»

پاسخ راجع بدرجه موثر بودن این لشکر کشی از نقطه نظر
تقلیل یافتن فشار بلا واسطه به اتحاد شوری هنوز زود است اظهاراتی
نمود. ولی با کمال اطمینان میتوان گفت که این واقعه تأثیر کمی
نخواهد داشت و فشار به اتحاد شوری حتی در آتیه نزدیکی تا
اندازه‌ای تقلیل خواهد یافت.

ولی موضوع فقط در این نیست. موضوع قبل از همه در
آنست که چون لشکر کشی افریقا بمعنی گذشتن رشته ابتكار به
دست متفقین ما میباشد، این امر اوضاع جنگی و سیاسی اروپا را
بطور اساسی و کلی بنفع ائتلاف انگلیس، شوری و امریکا تغییر میدهد.
این امر به اعتبار آلمان هیتلری که در سیستم دول محور بمنزله قوئه
عمده ای میباشد، اطمینه وارد آورده در بین متفقین هیتلر در اروپا
اختلال انتظام تولید می‌نماید. این لشکر کشی فرانسه را از حالت
بهت زدگی و کرخی خارج میسازد، قوای ضد هیتلری فرانسه پاپه و اساسی
بسیج نموده و برای تشکیل ارتقش ضد هیتلری فرانسه پاپه و افراد
بوجود میاورد. این لشکر کشی برای از پا در آوردن ایتالیا و افراد
آلمان هیتلری شرایط لازمه را ایجاد می‌نماید. بالاخره این لشکر کشی
موجبات تشکیل جبهه دوم را در اروپا در محل نزدیکتر.

بمراکز حیاتی آلمان فراهم میاورد و این موضوع در کار تشکیل نمودن غلبه و پیروزی بر ظلم و استبداد هیتلری اهمیت قاطعی خواهد داشت.

۳. «امکان و احتمال الحاق نیروی منعرض شوروی در خاور به نیروی متفقین در مغرب بمنظور تسریع پیروزی قطعی از چه قرار است؟»

پاسخ. میتوان شک و شبّه ای نداشت که ارتش اسراخ همانطوریکه در مدت تمام جنگ وظیفه خود را ایفا نموده است، اکنون در این قسمت هم باکمال افتخار وظیفه خود را اجرا خواهد کرد.

مراتب احترامات خود را تقدیم میدارم

ای. ستالین

۱۳ نوامبر سال ۱۹۴۲

فرمان

فرمانده عالی به نیروهای جبهات جنوب غربی،
جنوبی، دن، قفقاز شمالی، وارُنژ، کالینین،
ولخف ولنینگراد.

در نتیجه رزمی‌های تعریضی دوماهه ارتش سرخ آرایش دفاع نیروی فاشیست آلمان را در جبهه وسیعی از هم شکافته صد و دو لشکر دشمن را مغلوب ساخت و بیش از ۲۰۰ هزار نفر اسیر، ۱۳۰۰ توپ و مقدار زیادی سایر آلات و ادوات جنگی دشمن را بدست آورد و قریب ۴۰۰ کیلومتر پیشروی نمود. نیروی ما به پیروزی مهمی نائل شدند. تعرض نیروی ما ادامه دارد.

به سپاهیان، فرماندهان و کارکنان سیاسی جبهه‌های جنوب غربی، جنوبی، دن، قفقاز شمالی، وارُنژ، کالینین، ولخف ولنینگراد بمناسبت پیروزی و غلبه آنها بر غاصبین آلمانی فاشیست و متحادین آنها رومانیها، ایتالیائیها و مجارها در ناحیه ستالینگراد، در پیرامون دن در قفقاز شمالی، در ناحیه وارُنژ در ناحیه ولیکیه لوکی و در جنوب دریاچه لادگا تبریک و شاد باش میگویم.

به فرماندهان و سپاهیان دلاور ما که ارتش‌های هیتلری را در راه‌های ورود به ستالینگراد تارومار نموده اند، حلقه محاصره لنینگراد را شکافته اند و شهرهای کانتیمر'فکا، بلودسک، مر'زوفسکی، میلرُوا، ستاروبیلسک، کاتلنیکوا، زیموونیکی، الیستا، سالسک، مزدک، نالچیک، مینیرالنیه و ئودی، پیاتیگرسک، ستاوراپل، آرماویر، والویکی، رُسوش، استروگزسک، ولیکی یه لوکی، شلیستلپورگ، وارُنژ و عده زیادی شهرهای دیگر و هزاران آبادی را از قید اشغالگران آلمانی آزاد گرده اند، مراتب تشرک و سپاسگذاری خودرا اعلام مینمایم.

در راه تار و مار کردن اشغالگران آلمانی و بیرون راندن آنها
از حدود میهن ما به پیش!

فرمانده عالی

ای. ستالین

مسکو، کرمل ۲۵ ژانویه سال ۱۹۴۳

فرمان

فرمانده عالی به نیروهای جبهه دُن

جبهه دُن

به نماینده اقامتگاه فرماندهی عالی مارشال توپخانه رفیق ورنوف
به فرمانده نیروهای جبهه دُن ژنرال رفیق راکاسوفسکی
شما و نیروهای جبهه دُن را بمناسبت خاتمه دادن موقیت آمیز
انحلال نیروی معاصره شده دشمن در ناحیه ستالینگراد قبریک مینایم.
به تمام سپاهیان، فرماندهان و کارکنان سیاسی جبهه دُن نظر به
عملیات جنگی بسیار عالیشان تشکر و سپاسگذاری خود را اعلام
میدارم.

فرمانده عالی

ای. ستالین

مسکو، کرمل. ۲ فوریه سال ۱۹۴۳

فرمان

فرمانده عالی

شهر مسکو شماره ۹۵ بنا بر بیان ۲۳ فوریه سال ۱۹۴۳

رقا سپاهیان سرخ و ناویان سرخ، فرماندهان و کارکنان
سیاسی، مردان و زنان چریک! امروز ما بمناسبت ۲۵ مین سال وجود
ارتش سرخ عید میگیریم.

از آنروزی که ارتش سرخ ایجاد گردیده ۲۵ سال گذشت.
برای مبارزه برعلیه غاصبین خارجی که سعی داشتند کشورمارا تسخیر
و مطیع کنند ارتش سرخ تشکیل گردید. ۲۳ فوریه سال ۱۹۱۸ وقتیکه
دستجات ارتش سرخ نیروی غاصبین آلمانی را در نزدیکی پسکوف و
ناروا شکست قطعی دادند روز ایجاد ارتش سرخ اعلام گردید.

در ظرف سالهای ۱۹۱۸-۱۹۲۱ ارتش سرخ در مبارزه شدید
بر ضد غاصبین بیگانه از شرف، آزادی و استقلال میهن شوروی ما دفاع
نموده و حقوق ملل کشور ما را به ترتیب دادن حیات و زندگانی
خود بطوریکه لین کبیر تعلیم داده بود مدافعه نمود.

در مدت بیست سال ارتش سرخ از ابداع کار و زحمت
ملت صلح دوست شوروی نگهبانی و محافظت مینمود. ملل کشور ما
هیچگاه در باره سو قصدهای غاصبین بیگانه نسبت به خاک ما فراموش
نکرده و بطور خستگی ناپذیر در اهتمام تحکیم توانائی واقتدار ارتش
سرخ بودند و آنرا با تکنیک جنگی درجه اول مجهز نموده با مهر
و محبت جنگاوران شوروی را پرورش میدادند.

ارتش سرخ، ارتش دفاع صلاح و دوستی ما بین ملل تمام ممالک
است. ارتش سرخ برای تسخیر کردن کشورهای بیگانه تشکیل نشده

است بلکه برای دفاع مرزهای کشور شوروی ایجاد گردیده . ارتش سرخ همیشه حقوق و استقلال تمام ملل را محترم میشمرد . ولی در ماه زوئن سال ۱۹۴۱ آلمان هیتلری عهد شکنی کرده و به کشور ما تهاجم نمود و پیمان عدم تجاوز را با خشونت و فرمایگی نقض کرد . وارتش سرخ ناگزیر گردید متول به سلاح شود ، تا برضد غاصبین آلمانی از میهن خود مدافعه نموده و آنها را از حدود کشورما بیرون راند . از آن موقع ارتش سرخ به ارتش مبدل گردید که با نیروی هیتلری مبارزه حیات و ممات مینماید و به ارتش انتقام کشان در مقابل اجحاف و تحریری که ارازل فرومایه آلمانی فاشیست نسبت به برادران و خواهران ما در نواحی اشغال شده میهن ما مرتكب میگرددند مبدل شد .

ارتش سرخ ۲۵ مین سال وجود خود را در لحظه قطعی جنگ میهنی برضد آلمان هیتلری و چاکران آن ایتالیائیها ، مجارها ، رومانیها ، فلاندیها جشن میگیرد .

۲۰ ماه است که ارتش سرخ برضد تهاجم اردوهای آلمانیهای فاشیست مبارزه قهرمانانه ای مینماید که نظیه ش در تاریخ دیده نشده است . نظر به فقدان جبهه دوم در اروپا ارتش سرخ بنهای تام سنتگیشی جنگ را عهده دار است . با وجود این ارتش سرخ نه تنها در مقابل فشار اردوهای فاشیست آلمانی پایداری نمود بلکه در جریان جنگ برای ارتشهای فاشیستی بقوه مخفوفی مبدل گردید .

ارتش سرخ ضمن نبردهای سخت و شدید در تابستان و پائیز سال ۱۹۴۲ راه فاشیستهای حیوان صفت را سد نمود . ملت ما دفاع قهرمانانه سواستوبل و آذسا ، نبردهای مصرانه و شدید نزدیکی مسکو و در کواد پایه های فقاز ، در ناحیه رژو و نزدیکی لنینگراد و بزرگترین ذبرد را در تاریخ در زیر دیوارهای ستالینگراد در خاطر خود تا ابد خفظ خواهد نمود . ضمن این نبردهای عظیم سپاهیان ، فرماندهان و کارکنان سیاسی با شهامت ما برجهای جنگی ارتش سرخ

را غرق اشتها و افتخار فنا نا پذیری نموده و برای حصول پیروزی
بر ارتشهای فاشیست آلمان شالوده محکمی استقرار نمودند.

سه ماه پیش نیروی ارتش سرخ در نزدیکی ستالینگراد به تعرض
خود مهادرت نمودند. از آن زمان رشته ابتکار عملیات جنگی در
دست ما است و سرعت و قوه ضربتی عملیات تعرضی ارتش سرخ
ضعیف نمیگردد. اکنون ارتش سرخ در شرایط سخت و مشکل زمستان
در جبهه ای بمساحت ۱۵۰۰ کیلومتر تعرض نموده و تقریباً در همه
جا به موفقیت‌های شایانی نائل میگردد. در شمال در نزدیکی لینینگراد
در جبهه مرکزی در نزدیکی خارکف در دنباس در نزدیکی راستوف
در کرانه دریای آзов در دریای سیاه ارتش سرخ بر پیکر
نیروی هیتلر یکی پس از دیگری ضربه وارد می‌ورد. ارتش سرخ
در مدت ۳ ماه سرزمین ایالات وارث و ستالینگراد جمهوریهای
خود مختار چچن واینگوش، استیای شهالی، کاباردین و بالکار و کالمیک،
استانهای ستاوراپل و کراسنودار، ایالات خود مختار چرکس، قره‌چای
و آدیگی، تقریباً تمام ایالت راستوف، خارکف و کورسک را از
قید دشمن آزاد نمود.

بیرون راندن توده‌ای دشمن از کشور شوروی آغاز گردیده.
آیا در مدت این ۳ ماه چه تغییراتی حاصل شده؟ علت این
عدم موفقیت‌های مهم آلمانیها چیست؟ علت این ناکامیها در کجاست؟
تناسب قوا در جبهه شوروی و آلمان تغییر یافته است. مسئله
سر اینست که آلمان قاشیستی رفته رفته ضعیفتر میگردد ولی اتحاد
شوری بیش از پیش ذخایر خود را بکار انداخته و قویتر میگردد.
جريان وقت و زمان بر علیه آلمان فاشیستی صورت میگیرد.

آلمان هیتلری که کلیه صنایع جنگی اروپا را بنفع خود و ادار
بکار نموده تا زمان اخیر از لحاظ تکنیک جنگی و قبل از همه در
تانک و هوا پیما در مقابل اتحاد شوروی برتری و تفوق داشت
و مزایای آن در این بود. ولی در طی ۲۰ ماه جنگ اوضاع

تغییر کرد. بواسطه خدمت فداکارانه مردان و زنان کارگر، مهندسین و تکنیسین‌های صنایع جنگ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مدت جنگ تولید تانک‌ها، هواپیماها و توپها افزایش یافت. در همین مدت دشمن در جبهه شوروی و آلمان از لحاظ تکنیک جنگی متحمل تلفات هنگفتی گردید و مخصوصاً از حیث تانک، هواپیما و توپ. فقط در عرض ۳ ماه تعرض ارتش سرخ در زمستان سال ۱۹۴۲-۱۹۴۳ آلمانیها بیش از ۷۰۰۰ تانک، ۴۰۰۰ هواپیما، ۱۷۰۰۰ توپ و مقدار زیادی تسلیحات دیگر تلفات دادند.

البته آلمانیها سعی خواهند کرد این تلفات را جبران نمایند ولی این کار را نمیتوان به آسانی انجام داد چون برای آنکه دشمن بتواند این تلفات هنگفت را در تکنیک جنگی جبران کند وقت زیادی لازم است. وقت میگذرد.

وقتیکه آلمان-هیتلری جنگ را بر ضد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آغاز کرد نسبت به ارتش سرخ از لحاظ نیروی بسیج شده حاضر به نبرد و تعداد برتری داشت. مزایای آن در این بود. ولی در ظرف این ۲۰ ماه وضعیت در این قسمت هم تغییر کرد. ارتش سرخ ضمن نبردهای دفاعی و تعرضی در مدت جنگ قریب ۹ میلیون نفر سرباز و افسر آلمانی فاشیست را از پا در آورد که دست کم ۴ میلیون نفر از آنها در میدان کارزار کشته شده‌اند. ارتش‌های رومانی، ایتالیائی و مجارستانی که آنها را هیتلر به جبهه شوروی و آلمان سوق داده بود کاملاً تار و مار شده‌اند. فقط در طی سه ماه اخیر ۱۱۲ اشکر دشمن از ارتش سرخ شکست خورده و ضمن این متجاوز از ۷۰۰ هزار نفر کشته شده و بیش از ۳۰۰ هزار نفر اسیر گرفته شده است.

البته فرماندهی آلمان تمام اقدامات را بجا خواهد آورد تا این تلفات عظیم را جبران کند. ولی اولاً عدم کفایت ذخیره نفرات نقطه ضعیف ارتش‌های آلمانی میباشد و از این رو معلوم نیست که از

کدام منابع این تلافات جبران خواهد شد. ثانیاً اگر هم فرض کنیم که آلمانیها بوسیله انواع و اقسام شیوه و اقدامات بتوانند عده لازم نفرات را بدست بیاورند باز هم برای اینکه این نفرات را جمع کرده و تعالیم بدهنند وقت زیادی لازم است، ولی وقت میگذرد.

ارتش هیتلری وقتیکه بر ضد اتحاد شوروی وارد جنگ گردید در قسمت از پیش بردن عملیات جنگی بزرگ در اروپا با بکار بردن تازه قرین وسائل جنگ تقریباً دارای دو سال تجربه بود. ارتش سرخ در مرحله اول جنگ طبعاً چنین تجربه جنگی را نداشت و نمیتوانست هم داشته باشد. مزایای ارتشهای فاشیست آلمان در این بود. لیکن در ظرف ۲۰ ماه جنگ در این قسمت هم وضعیت تغییر کرد. ارتش سرخ در جریان جنگ به ارتش با تجربه ای مبدل گردید. و طرز وارد آوردن اثربیات دقیق و اطمینان بخش را بر دشمن با در نظر گرفتن جنبه‌های ضعیف و قوی آن چنانکه این امر را علم نظامی کنونی اقتضاء میکند فرا گرفت. صدها هزار و ملیونها نفر سپاهی ارتش سرخ در بکار بردن سلاح خود یعنی تفنگ، شمشیر، مسلسل، توپخانه، مین انداز، تانک، کارهای مهندسی و هوایپما به استادان ماهری مبدل گردیدند. دهها هزار فرمانده ارتش سرخ به استادان رهبری و هدایت نیرو مبدل شدند. آنها طرز توأم نمودن شهامت و مردانگی شخصی خود را با رهبری و هدایت ماهرانه نیرو در میدان کارزار فرا گرفتند و از تاکتیک بی معنی و مضر خطی صرف نظر نموده و بطور استوار پیرو تاکتیک مانور شدند.

این حقیقت را نمیتوان تصادفی پنداشت که فرماندهی ارتش سرخ نه تنها خاک شوروی را از قید دشمن آزاد میکند بلکه همچنین دشمن را نمیگذارد از خاک ما زنده خارج گردد و چنان عملیات مهمی دائر به محاصره نمودن و از بین بردن ارتشهای دشمن انجام میدهد که این عملیات را میتوان سرمشق و نمونه مهارت جنگی قرار داد. مسلم است که این امر علامت کارآزمودگی فرماندهان ما می باشد.

شکی نیست که فقط سوق الجیشی صحیح فرماده ای ارتش سرخ و تاکتیک قابل احتناک کش دار و الاستیک فرماده ای اجرا کننده ما قادر بود به چنین واقعه شایانی مانند محاصره سودن و از بین بردن ارتش بزرگ ذیده آلمانیها مرکب از ۴۳ هزار نفر در ناحیه ستالینگراد منسج گردید.

کارهای آلمانیها از این حیث به هیچوجه رضایت‌بخش نیست. سوق الجیشی آنها ناقص است. جو که آن قاعده‌نامه به قوا و امکانیت‌های دشمن قدر و قیمت کمتری داده و قوای خود را بیشتر از مقدار حقیقی می‌سندارد. تاکتیک آلمانیها یکنواخت است چون سعی دارد وقایع جبهه را با یکی از ماده‌های نظامنامه مطابق بکند. آلمانیها وقتیکه اوضاع اجازه میدهد مقررات نظامنامه را انجام دهند در عملیات خود منظم و دقیق هستند. جنبه قوی آنها در این است. وقتیکه وضعیت مشکل و دشوار می‌گردد و دیگر با ماده‌های مختلف نظامنامه باصطلاح مطابق نیست و گرفتن تصمیم مستقلی را ایجاد می‌کند که در نظامنامه پیش بینی نشده است آلمانیها عاجز می‌گردند. جنبه ضعیف اساسی آنها در اینست.

اینست دلائلی که موجب شکست نیروی آلمان و کامیابی‌های ارتش سرخ در طی سه ماه اخیر گردید.

لیکن از اینجا نباید چنین استنباط نمود که کار با ارتش هیتلری یکسره شده و ارتش سرخ فقط باید تا مرزهای غربی کشور ما آنرا تعاقب نماید. اینطور فکر کردن حکم آنرا دارد که انسان خود را در آغوش فریفتگی اولهانه و مضری بیاندازد. اینطور فکر کردن یعنی پنداشتن قوای خود بیشتر از میزان حقیقی است و بمعنی قدر و قیمت دادن کمتر از حقیقت به قوای دشمن و دچار ما جراجوئی شدن است. دشمن شکست خورده ولی هنوز مغلوب نگردیده. ارتش آلمان فاشیست بواسطه ضرباتی که از ارتش سرخ دریافت نموده دچار بحران شده است ولی این امر بمعنی آن نیست که نمیتواند کمر راست

کند . مبارزه با غاصبین آلمانی هنوز تمام نشده بلکه تازه توسعه
می یابد و شدت میگیرد . خیال کردن آنکه آلمانیها هیچ
ذپاشد یک کیلومتر خاک ما را بدون نبرد ترک خواهند کرد ابله‌ی
میبود .

ارتش سرخ مبارزه شدیدی با دشمن مکار بیرحم که بنقداً نیز
قوی است در پیش دارد . این مبارزه وقت قربانی ، قراکم قوا
و تجهیز کلیه امکانیت‌های ما را خواهد طابید . ما آزاد کردن اوکرائین
شوری را از ظلم و ستم آلمانیها آغاز نموده ایم ولی هنوز مایونها
نفر اوکرائینی در زیر ظلم و فشار ستمکاران آلمانی در مشقت و
مضیقه هستند . اشغال کنندگان آلمانی و چاکرانشان بنقداً در بلوروسی ،
لیتوانی ، لتونی ، استونی در مولداوی ، کریم و کارل امر و نهی و
آقائی میکنند . به ارتشهای دشمن ضربات مقتدری وارد آمده ولی
دشمن هنوز مغلوب نشده است . غاصبین آلمانی مقاومت شدیدی
بخرج میدهند به حملات متقابلہ میپردازند و سعی دارند در حدود
دفاعی مانده و پایداری کنند و میتوانند به ماجراجویی‌های قازه‌ای
اقدام کنند . باین جهت است که در صفوف ما برای راحت خیالی ،
اهمال کاری و پرمدعائی نباید جا باشد .

تمام ملت شوروی از پیروزیهای ارتش سرخ شاد و مسرور است .
ولی سپاهیان ، فرماندهان و گارکنان سیاسی ارتش سرخ باید پندهای
آموزگار ما لనین را بخوبی در خاطر داشته باشند که چنین فرموده
است : «اول از همه نباید سرگرم پیروزی شد و بخود بالید ، ثانیاً
پیروزی را باید در نهایت استواری حفظ کرد و ثالثاً دشمن را باید
قطعان و کاملاً مغلوب نمود » .

برای آزادی میهن ما از قید دشمن منفور محض پیروزی نهائی
بر غاصبین آلمانی فاشیست .

- فرمان میدهم :

۱. بطور خستگی ناپذیر تعلیمات جنگی را مکمل نموده و دیسیلین
نظم و ترتیب را در تمام ارتش سرخ و نیروی دریائی مستحکم سازید
۲. ضربات خود را بر نیروی دشمن تقویت داده بطور خستگی
ناپذیر و مصراحته دشمن را تعاقب کنید و نگذارید در حدود دفعی
مواضع خود را مستحکم سازد نه شب و نه روز دشمن را راحت
نگذارید، خطوط ارتباط آنرا قطع نمایید، نیروی دشمن را محاصره کنید
و اگر از فروگذاشتن اسلحه استنکاف ورزند آنها را نابود سازید.
۳. دامنه آتش مبارزه چریک را در عقبسر دشمن توسعه دهید،
خطوط ارتباط دشمن را ویران سازید، پلهای راه آهن آنرا منفجر
کنید، نقل و انتقال نیروی حریف، حمل تسایحات و مهمات جنگی آن
را عقیم گذارید، انبارهای لشکری را منفجر و یا طعمه آتش نمایید
به پادگانهای دشمن حمله کنید نگذارید دشمن که در حال عقب نشینی
است دهات و شهرهای مارا طعمه آتش سازد با تمام قوا و کلیه
و سائل به ارتش سرخ متعرض کمک کنید.

قضیین پیروزی ما در اینست.

رفقا سپاهیان سرخ و ناویان سرخ، فرماندهان و کارگنان
سیاسی، مردان و زنان چریک!

از طرف دولت شوروی و حزب بلشویک ما شمارا بمناسبت ۲۵
الگی ارتش سرخ تهنيت کرده و تبریک مینمایم.

زنده باد میهن عظیم ما!

زنده باد ارتش سرخ با افتخار و نیروی دریائی با اشتهار ما و
مردان و زنان چریک دلاور ما!

زنده باد حزب بلشویکی تشویق کننده و تشکیل دهنده پیروزیهای
ارتش سرخ!

مرده باد غاصبین آلمانی!

فرمانده عالی
ای. ستالین.

فرمان فرمانده عالی

ای. ستالین

شماره ۱۹۵

اول مه سال ۱۹۴۳ شهر مسکو

رفقا، سپاهیان سرخ و ناویان سرخ، فرماندهان و کارکنان سیاسی، مردان و زنان چریک، مردان و زنان کارگر، مردان و زنان دهقان، منورالفکران! برادران و خواهران ما که موقتاً تحت ظلم و جور ستمکاران آلمانی میباشید!

بشما بمناسبت روز یکم ماه مه از طرف دولت شوروی و حزب بلشویکی ما تبریک و شادباش میگوییم!

ملتهای کشور ما روز یکم ماه مه در روزهای سخت‌جنگ میهنی استقبال می‌نمایند. آنها سرنوشت خودرا بدست ارتتش سرخ سپردند و در امیدواریهای خود بخطا نرفتند. جنگاوران شوروی برای دفاع میهن سینه سپر کردند و اکنون تقریباً ۲ سال است شرف واستقلال ملتهای اتحاد شوروی را مدافعت می‌نمایند.

ارتتش سرخ در دوره جنگهای زمستانی سالهای ۱۹۴۲-۱۹۴۳ به نیروی هیتلری شکستهای جدی و مهمی وارد آورده مقدار هنگفتی نیروی زنده و آلات و ادوات جنگ دشمن را نابود و منهدم ساخت، ۲ ارتتش دشمن را در ناحیه ستالینگراد محاصره نموده و از بین برد بیش از ۳۰۰ هزار نفر سرباز و افسر دشمن را اسیر گرفته صدها شهر و هزاران ده شوروی را از قید ظلم و جور آلمانیها آزاد نمود.

جنگهای زمستانی نشان داد که نیروی تحرضی ارتتش سرخ افزایش یافته است. نیروی ما نه فقط آلمانیها را از اراضی که آنها

در تابستان سال ۱۹۴۲ تصرف کرده بودند، بیرون راندند بلکه همچنین یکرشته شهرها و بخشها را که قریب یک سال و نیم در دست دشمن بود باز ستاندند. آلمانیها قادر نبودند از تعرض ارتقش سرخ جلوگری نمایند. فرماندهی هیتلری حتی برای تعرض مقابله در قطعه باریک جبهه در ناحیه خارکوف مجبور گردید بیش از ۳۰ لشکر تازه از اروپای غربی منتقل نماید. آلمانیها امید وار بودند نیروی شوروی را در ناحیه خارکوف محاصره نموده و برای نیروی ما باصطلاح «ستالینگراد آلمانی» فراهم بیاورند. ولی قصد فرماندهی هیتلری برای درآوردن تلافی ستالینگراد عقیم ماند.

در عین زمان نیروی پیروزی آور متفقین مانیروی ایتالیا و آلمان را در ناحیه ایپی و طرابلس شکست داده و نواحی "مزبور را از وجود دشمنان تصفیه نمودند و اکنون به تارو مار کردن آنها در ناحیه تونس ادامه میدهند و هوا پیماًی با شهامت انگلیس و امریکا به مراکز صنایع لشگری آلمان و ایتالیا ضربات درهم شکنی وارد آورده در باره تشکیل جبهه دوم در اروپا مرض فاشیستهای ایتالیا و آلمان بشارت میدهد. بدین طریق نخستین بار در مدت جنگ ضربتی که از خاور از طرف ارتقش سرخ بدمشمن وارد آمد با ضربتی که از مغرب از طرف نیروی متفقین ما وارد آمد توأم گشته و یک ضربت واحد و مشترکی را تشکیل داد. تمام این کیفیات یکجا دستگاه نظامی هیتلری را تا ریشه و اساس متزلزل ساخته جریان جنگ جهانی را تغییر دادند و برای پیروزمند شدن بر آلمان هیتلری شرایط و موجبات ضروری را بوجود آورند. در نتیجه دشمن مجبور گردید و خامت جدی وضعیت خود را اعتراف، نماید و شروع به زوزه کشیدن در باره بحران جنگی نمود. صحیح است دشمن سعی دارد و خامت اوضاع خود را بوسیله هیاهوی راجع به بسیج «توقال» یا «تام و تمام» روپوشی کند. ولیکن هیچگونه هیاهوی قادر نیست و نمیتواند این حقیقت را که اردوگاه فاشیستها واقعاً بحران شدیدی را از سر میگذارند از بین ببرد.

بحران در اردوگاه فاشیستها قبل از همه در این امر تبارز مینماید که دشمن مجبور گردید بطور علنى از نقشه او لیه خود دایر به جنگ برق آسا امتناع ورزد. حالا دیگر حرف زدن در باره جنگ برق آسا در اردوگاه دشمنان مُد نیست، - یاوه سرانی بر هیاهو راجع به جنگ برق آسا به عبارات اندوهگینی راجع به ناگزیر بودن جنگ طولانی تبدیل یافته است. اگر سابق فرماندهی آلمان فاشیستی از تاکتیک تعرض برق آسا لاف میزد، حالا دیگر این تاکتیک دور انداخته شده است، واکنون فاشیستهای آلمانی در این باره لاف نمی‌زنند که تعرض برق آسا بعمل آورده اند و یا اینکه قصد دارند بعمل بیاورند بلکه آنها حالا در این باره لاف می‌زنند که موفق گردیدند مهارت بخرج داده از زیر ضربات و دور زدن نیروی انگلیس در افریقای شمالی یا از محاصره نیروی شوروی در ناحیه دمیانسک فرار آختیار گنند. مطبوعات فاشیستی پر از اطلاعات لاف و گزافی است راجع باینکه نیروی آلمان موفق گردیدند از جبهه فرار نموده و خود را از ستالینگراد جدیدی در یکی از قطعات جبهه خوار یا جبهه تونس خلاص نمایند. از قرار معلوم لشکر کشان و استراتژی دانان هیتلری نمیتوانند راجع به موضوع دیگری لاف بزنند.

بحران در اردوگاه فاشیستها ثانیاً از این عبارت است که فاشیستها بیش از پیش از صلح دم میزنند. چنانچه اگر از روی اطلاعات جرائد خارجی قضاوت شود ممکن است به چنین نتیجه‌ای آمد که آلمانیها حاضرند با انگلیس و ممالک متحده امریکا صلح بکنند بشرطیکه آنها از اتحاد شوروی جدا بشوند یا اینکه بر عکس حاضرند با اتحاد شوروی صلح بکنند بشرطیکه اتحاد شوروی از انگلیس و کشورهای متحده امریکا جدا بشود.

امپریالیستهای آلمان چون خودشان طبعاً و فطرتاً پیمان شکن هستند گستاخانه متفقین را نیز مانند خود می‌پندارند و گمان می‌کنند که یکو از متفقین بدایم فریب آذها خواهد افتاد. بدیهی است که در نتیجه زندگی خوبی نیست که آلمانیها در باره صلح یاوه سرانی می‌نمایند.

یاوه سرانی راجع به صلح در اردوگاه فاشیستها فقط گواه بر اینست که

آنها بحران شدیدی را از سر میگذردانند. ولیکن با راهزنان امپریالیستی از اردوگاه آلمان فاشیست که اروپا را غرق خون نموده و آنرا پراز جوبه دار کرده اند در باره چه صلحی میتوان گفتگو کرد؟ مگر واضح نیست که فقط توار و مار کردن کامل ارتشهای هیتلری و تسليم بی قید و شرط آلمان هیتلری میتوانند اروپا را به صلح و آسایش برسانند؟ آیینه علت یاوه سرائی فاشیستهای آلمانی راجع به صلح در این نیست که آنها نزدیک شدن فاجعه آینده خود را احساس مینمایند؟ اردوگاه فاشیستی آلمان و ایتالیا بحران سختی را از سر میگذراند و در مقابل فاجعه خود قرار گرفته است.

البته این امر هنوز باین معنی نیست که فاجعه آلمان هیتلری فرارسیده است. خیر باین معنی نیست. آلمان هیتلری و ارتش آن متزلزل مگردیده اند و دچار بحران میباشند، ولی آنها هنوز شکست نخورده اند. فکر کردن اینکه فاجعه خود بخود خواهد آمد ساده لوحی میبود. برای آنکه فاجعه آلمان هیتلری حقیقت واقع گردد لازم است بمانند آن ضرباتی که در مدت ۵-۶ ماه اخیر به ارتش هیتلری وارد آمده بود دو سه ضربت مقتدر دیگری نیز به آن از مغرب و مشرق وارد آید.

باین جهت مدل اتحاد شوروی و ارتش سرخ آنها و همچنین متفقین ما و ارتش های آنها در راه پیروزی کامل بر وحشیان هیتلری مبارزه سخت و شدیدی در پیش دارند. این مبارزه از آنها قربانیهای بزرگ استقامت هنگفت و ایستادگی آهنینی را خواهد طاپید. آنها باید کلیه قوا و امکانیت های خود را بسیج و تجهیز نمایند تا دشمن را درهم شکسته و بدین طریق راه صلح را ایجاد نمایند.

رفقا! ملت شوروی از ارتش سرخ خود اهتمام و مراقبت عظیمی نمینماید و حاضر است تمام قوای خود را برای تقویت بازهم بیشتر توانانی و اقتدار جنگی کشور شوروی صرف کند. در مدت کمتر از چهار ماه مال اتحاد شوروی بهش از ۷ میلیارد روبل به ذخیره ارتش

سرخ تقدیم نموده اند. این امر بار دیگر نشان میدهد که جنگ بر ضد آمانیها در حقیقت هم جنگ مشترک ملی کلیه مردمانیست که در اتحاد شوروی ساکن میباشند. کارگران، کلخوزیها منورالفکران بدون اینکه دست روی دست بگذارند با کمال استقامت و مردانگی محرومیتها را ناشی از جنگ را از سر گذرانده دز بنگاه‌ها و ادارات در حمل و نقل در کلخوزها و سوخوزها زحمت میکشند. ولی جنگ بر ضد غاصبین آلمانی فاشیست ایجاد میکند که ارتش سرخ باز هم بیشتر توپ، تانک، هیواپیما، مسلسل، تفنگ خود کار، مین انداز، مهمات جنگی، ساز و برگ و خواربار در یافت نماید. پس در اینصورت لازم است که کارگران کلخوزیها تمام منورین شوروی با جدیت دوچندانی برای جبهه کار بکنند. لازم است که تمام مردمان و ادارات ما در پشت سر جبهه مانند کارخانه ساعت بسیار عالی و دقیقی بطور منظم و دقیق کار بکنند. سزاوار است این وصیت لనین کبیر را بخاطر بیاوریم که فرموده است: «همینکه جنگ حتمی الواقع گردید همه چیز باشد برای جنگ باشد و کوچکترین بی قیدی و کمبودی انژی و عدم جدبیت باید از روی قانون زمان جنگ مجازات گردد».

ارتش سرخ در مقابل اعتماد و اهتمام ملت خود باید بدشمن ضربات محکمتری وارد آورده و بی امان غاصبین آلمانی را معدوم سازد و آنها را متصل از خاک شوروی بیرون براند. ارتش سرخ در مدت جنگ تجربیات فراوان جنگی تحصیل نموده است. صدها هزار نفر جنگجو معلومات خود را در رشته سلاح خویش و طرز بکار بردن آنرا بدرجه کمال رسانده اند. بسیاری از فرماندهان طرز هدایت ماهرانه نیرو را در میدان نبرد آموخته اند. ولی اکتفا باش و آسوده شدن نا معقول میبود. جنگجویان باید بخوبی سلاح خود را فرآگیرند و فرماندهان باید استادان هدایت رزم گردند. ولی اینهم کم است. در کار نظامی و آنهم در یک چنین جنگی مانند جنگ کنونی نباید در

یک جا ماند. در یکجا ماندن در کار نظامی بمعنی عقب ماندن می‌باشد، و چنانکه معلوم است عقب ماندگان را میزند. باین سبب اکنون مسئله عمله در اینست که تمام ارتش سرخ یومیه و هر روز تعلیمات جنگی خود را تکمیل نماید و تمام فرماندهان و سپاهیان ارتش سرخ تجربیات جنگ را مطالعه نمایند و همانطوریکه کار فتح و پیروزی اقتضاً میکنند فن جنگ کردن را یاد بگیرند.

رفقا! سپاهیان سرخ و ناویان سرخ، فرماندهان و کارکنان سیاسی، مردان و زنان چریک!

بشما بمناسبت روز اول مه تبریک و شاد باش گفته
فرمان میدهم:

۱. تمام سپاهیان - پیادگان، مین اندازان، توپچیان، تانکیستها، خلبانان، مأمورین مهندسی، مأمورین ارتباط، افراد سواره نظام بطور خستگی ناپذیر به تکمیل نمودن مهارت جنگی خود ادامه داده احکام فرماندهان، تقاضاهای نظامنامه‌ها و دستورات را دقیقاً انجام داده و دیسیپلین و انصباط را مقدس شمرده و رعایت کنند و تشکیلات و انتظام را مراعات نمایند.

۲. فرماندهان کلیه رسته‌های سلاح و فرماندهان نیرو - استادان رهبری نیرو. گردیده همکاری کلیه انواع سلاح‌ها را با کارданی و مهارت تشکیل نمایند و از آنها در میدان نبرد هدایت و ریاست نمایند. از دشمن شناسائی بعمل بیاورند اکتشاف را که چشم و گوش ارتش است بهبودی دهند و در خاطر داشته باشند که بدون این نمیتوان بر دشمن بطور حتم غالب آمد. اسلوب کار استادهای نیرو را مکملتر نموده و به این امر موفق شوند که استاد قسمتها و واحدهای ارتش سرخ به دوازه نمونه رهبری نیروها مبدل گردند. کار عقبگاه‌های نیرو تا به سطح مقتضیات جنگ کنونی ارتقاء یابد، قطعاً در خاطر داشته باشند که نتیجه عملیات جنگی وابسته است به تأمین کامل و بموضع نیرو از حیث مهمات جنگی ساز و برگ و خوار بار.

۳. تمام ارتش سرخ کامیابیهای نبردهای زمستانی را محکم و استوار نموده یک وجب خاک مارا هم بدشمن ندهد و برای نبردهای قطعی با غاصبین آلمانی فاشیست حاضر و آماده باشد. در دفاع پافشاری و استقامت مختص به سپاهیان ارتش مارا بخرج دهد. در تعرض قطعیت، همکاری صحیح نیروها و مانور تهور آمیز را در میدان نبرد که به محاصره و انهدام دشمن منتهی شود ابراز نماید.

۴. مردان و زنان چریک به پشت سر جبهه دشمن راههای ارتباط انبارهای لشگری، ستاد و بنگاههای آن ضربات مقندری وارد آورده و خطوط ارتباط دشمن را مختل و ویران سازند. طبقات وسیع اهالی شوروی را در نواحی که دشمن غصب کرده به مبارزه فعال آزادی طلبی جلب نموده و بهمین وسیله اتباع شوروی را از رانده شدنگان به برداشتن آلمانیها واژ معذوم شدنگان بدست وحشیان هیتلری نجات دهند. در عوض خون و اشک، زنان و کودکان، مادران و پدران، برادران و خواهران ما بطور بی امان از غاصبین آلمانی انتقام بکشند. با تمام قوا به ارتش سرخ در مبارزه آن با استیلاگران ردیل هیتلری کمک و یاری بنمایند.
رفقا!

دشمن قوّه ضربات گمر بشکن نیروی ما را چشیده است. آن وقت نزدیک میشود که ارتش سرخ با تفاوت ارتشهای متفقین ما ستون فقرات درنده فاشیستی را در هم خورد سازد.

زنده و پاینده باد میهن با افتخار ما!

زنده باد ارتش سرخ با شهامت ما!

زنده باد نیروی دریائی با شهامت ما!

زنده باد مردان و زنان دلاور چریک ما!

مرده باد غاصبین آلمانی!

فرمانده عالی

مارشال اتحاد شوروی ای. ستالین

پاسخهای رفیق ای. و. ستالین به پرسش‌های مخبر خبرگزاری روزنامه امریکائی «نیویورک تايمس» و روزنامه انگلیسی «تايمس»

مخبر خبرگزاری روزنامه امریکائی «نیویورک تايمس» و روزنامه انگلیسی «تايمس» در مسکو آقای پارکر به رئیس شورای کمیسران ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رفیق ای. و. ستالین نامه‌ای فرستاده و ضمن آن خواهش کرده بود که به دو پرسشی که مورد علاقمندی افکار عمومی امریکا و انگلیس میباشد پاسخ بدهند. رفیق ای. و. ستالین بوسیله نامه زیر به آقای پارکر پاسخ داد:

آقای پارکر!

دو پرسش شما راجع به مناسبات لهستان و شوروی سوم ماه مه در یافت گردید. پاسخهای خود را بشما میفرستم:
۱. پرسش: «آیا دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بعد از شکست آلمان هیتلری مایل است لهستان را قوی و مستقل بینند؟
پاسخ: مسلم است که مایل می‌باشد.

۲. پرسش: «بعد از جنگ مناسبات لهستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از نقطه نظر شما باید بر روی چه اساسی استوار باشد؟
پاسخ: بر اساس مناسبات محکم حسن همکاری و احترام متقابله و یا اگر ملت لهستان خواسته باشد - بر اساس اتحاد برای تعاون مشترک برضد آلمانیها که دشمنان عمدۀ اتحاد شوروی و لهستان می‌باشند.

احترامات فائقه را تقدیم میدارد.

ای. ستالین

۴ ماه مه سال ۱۹۴۳

تلگرافات شاد باش رفیق ای. و. ستالین

به آفای او. چرچیل و آفای ف. روزولت بمناسبت پیروزی نیروهای انگلیس و امریکا در افریقای شمالی.

شب ۸ ماه مه رئیس شورای کمیسران ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رفیق ای. و. ستالین به نخست وزیر بریتانیا کهیز آفای او. چرچیل و رئیس جمهور ممالک متحده امریکا آفای ف. روزولت تلگرافات شاد باش زیر را مخابره نمودند:

لندن

خدمت نخست وزیر چرچیل
بمناسبت پیروزی درخشنانی که به آزادی بیزرت و تونس از قید ظلم و استبداد هیتلری منتج گردیده است بشما و نیروهای باشہامت بریتانیا و امریکا تبریک و شاد باش میگویم. کامیابیهای آینده شما را خواستارم.

ای. ستالین

واشنگتون

خدمت رئیس جمهور روزولت
بمناسبت پیروزی درخشنانی که به آزادی بیزرت و تونس از قید ظلم و استبداد هیتلری منتج گردیده است بشما و نیروهای باشہامت امریکا و بریتانیا تبریک و شاد باش میگویم. کامیابیهای آینده شما را خواستارم.

ای. ستالین

۹ ماه مه سال ۱۹۴۳

پاسخ رفیق ای. و. ستالین به پرسش خبرنگار کل خبرگزاری انگلیس رویتر

خبرنگار خبرگزاری انگلیس رویتر در مسکو آقای کینگ به رئیس شورای کمیسران ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رفیق ای. و. ستالین نامه ای فرستاده و در آن خواهش نموده است به پرسشی که طرف علاقه افکار عمومی انگلیس است پاسخ بدهند. رفیق ای. و. ستالین نامه ذیل را در جواب آقای کینگ فرستادند.

آقای کینگ!

نامه متضمن خواهشان را دائز بانیکه به پرسش شما راجع به انحلال بین الملل کمونیستی پاسخ بدهم در یافت نمودم. اینک پاسخ خود را میفرستم.

سئوال. «تفسیرات بریتانیا در باب تصمیمنامه راجع به انحلال بین الملل کمونیستی خبلی مساعد بود. بقطه نظر شوروی در این مسئله و در باره تأثیر آن در مناسبات بین المللی آینده از چه عبارت است؟»

جواب. انحلال بین الملل کمونیستی صحیح و بموقع است، زیرا تشکیل حمله عمومی تمام ملل آزادیخواه را بر عایه دشمن مشترک - هیتلریزم تسهیل مینماید.

انحلال بین الملل کمونیستی صحیح است زیرا:

۱) دروغ هیتلریها را راجع باینکه «مسکو» گویا قصد دارد به حیات و امور سایر دول مداخله کرده و آنها را «بلشویکی» نماید، فاش میسازد. از این پی بعد باین دروغ خاتمه داده میشود.

ب) بهتان دشمنان کمونیزم را در جزو نهضت کارگری راجع
باينکه احزاب کمونیستی کشورهای مختلف گویا نه بنا بمثافع ملت
خود بلکه بنا بفرمان از خارج عمل میکنند، افشاء مینماید. باين
بهتان هم از این بعد خاتمه داده میشود.

پ) کار میهن دوستان کشورهای آزادی دوست را در متعدد
ساختن قوای مترقبی کشور خود صرف نظر از جنبه حزبی و عقاید
مذهبی، برای توسعه مبارزه بر علیه فاشیزم، در اردوگاه ملی
آزادی طلبی واحدی تسهیل مینماید.

ت) کار میهن دوستان تمام کشورها را در قسمت متعدد ساختن
همه ملل آزادی دوست در اردوگاه بین المللی واحدی برای مبارزه
بر علیه خطر تسلط جهانی هیتلریزم تسهیل مینماید و بهمین وسیله
راه را برای تعاون ملل در آتیه بر اساس تساوی حقوق آنها تصفیه
میکند.

بعقیده من، تمام این احوالات من حيث المجموع به استحکام
بیشتر چبه واحد متعددین و سایر ملل متفق در مبارزه شان برای
پیروزی و غلبه به استبداد هیتلری منجر خواهد گردید.

من براین عقیده ام که انحلال بین الملل کمونیستی کاملاً بموضع
است زیرا مخصوصاً حالا، در وقتی که درندگان فاشیستی آخرین
قوای خود را متمرکز میسازند، ضرور است حمله عمومی کشورهای
آزادی دوست را تشکیل داد برای آنکه این درندگان را کاملاً از پا
درآورده و ملل را از ظالم فاشیستی خلاص نمود.

احترامات فائقه را تقدیم میدارد ای. ستالین

۱۹۴۳ ماه ۲۸

به کارمندان هیئت رئیسه انجمن میهن دوستان لهستانی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

واندا واسیلفسکا با، سرهنگ برلینگ، آندزه وینس،
فرانتسیشک کوپش، استاد باکوب پارناس، دکتر بولسلاف
دروبنر، سرهنگ آنتونی سبویتسکی، دکتر ستافان
بندریخوفسکی، الکساندر کلوس، کازپهیر ویتاشفسکی

بمناسبت خطابنامه با حرارت و دوستانه تان به دولت شوروی
از شما متشرک و سپاسگذار می باشم.

بشا و اتحادیه میهن دوستان لهستانی در اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی که بکار موقیت آمیز در رشته متحد نمودن قوای خود
و استحکام دوستی مابین ملت لهستان و ملت اتحاد شوروی آغاز
نموده است تبریکات صمیمانه خود را میفرستم.

در این امر مطمئن باشد که اتحاد شوروی برای تسریع
تارومار نمودن دشمن عمومی ما - آلمان هیتلری و استحکام دوستی
لهستان و شوروی کلیه اقدامات ممکنه را بجا آورده و به ایجاد مجدد
لهستان قوی و مستقل از هر حیث کمک و مساعدت خواهد نمود.

کامیابی شمارا در کارهایتان خواستارم!

ای. ستالین

روزنامه «پراودا»

شماره ۱۷ ماه زوئن سال ۱۹۴۳

فهرست

صفحه

۱. نطق در جلو رادیو ۳ زوئیه سال ۱۹۴۱ ۵
۲. جشن ۲۴ سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر . گزارش در مجلس جشن شورای نمایندگان زحمتکشان مسکو با تفاوت تشکیلات‌های حزبی و اجتماعی شهر مسکو ۶ نوامبر سال ۱۹۴۱ ۱۴
۳. سخنرانی در سان ورزه ارتش سرخ ۷ نوامبر سال ۱۹۴۱ در میدان سرخ مسکو ۳۴
۴. حکم کمیسر ملی دفاع ۲۳ فوریه سال ۱۹۴۲ شماره ۵۵ شهر مسکو ۳۸
۵. فرمان کمیسر ملی دفاع یکم مه سال ۱۹۴۲ شماره ۱۳۰ شهر مسکو ۴۶
۶. پاسخهای رفیق ای. و. ستالین به پرسش‌های خبر گزاری امریکا آسوشیتد پرس (۳ اکتبر سال ۱۹۴۲) ۵۶
۷. بیست و پنجمین سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر . گزارش رئیس کمیته دفاع دولتی در مجلس جشن شورای نمایندگان زحمتکشان مسکو با تفاوت تشکیلات‌های حزبی و اجتماعی شهر مسکو ششم نوامبر سال ۱۹۴۲ ۵۸
۸. فرمان کمیسر ملی دفاع ۷ نوامبر سال ۱۹۴۲ شماره ۳۴۵ شهر مسکو ۷۵
۹. پاسخهای ای. و. ستالین به پرسش‌های خبر گزاری امریکا آسوشیتد پرس (۱۳ نوامبر سال ۱۹۴۲) ۷۹
۱۰. فرمان فرمانده عالی به نیروهای جبهات جنوب غربی، جنوبی، دن، قفقاز شمالی، وارنژ، کالینین، ولخف ولنینگراد . (۲۵ زانویه سال ۱۹۴۳) ۸۲
۱۱. فرمان فرمانده عالی به نیروهای جبهه دن . (۲ فوریه سال ۱۹۴۳) ۸۳
۱۲. فرمان فرمانده عالی، شهر مسکو شماره ۹۵ بتاریخ ۲۳ فوریه سال ۱۹۴۳ ۸۴

۹۲. فرمان فرمانده عالی. شماره ۱۹۵ اول مه سال ۱۹۴۳ شهر مسکو
۹۳. پاسخهای رفیق ای. و. ستالین به پرسش‌های مخبر خبر گزاری
۹۴. روز نامه امریکائی «نیویورک تایمز» و روزنامه انگلیسی «تایمز» (ماه مه سال ۱۹۴۳)
۹۹. تلگرافات شادباش رفیق ای. و. ستالین به آقای او. چرچیل و آقای ف. روزولت بمناسبت پیروزی نیروهای انگلیس و امریکا در افریقای شمالی (۹ ماه مه سال ۱۹۴۳)
۱۰۰. پاسخ رفیق ای. و. ستالین به پرسش خبرنگار کل خبر گزاری انگلیس رویتر (۲۸ ماه مه سال ۱۹۴۳)
۱۰۱. به کارمندان هیئت رئیسه انجمن میهن دوستان لهستانی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. واندا واسیلفسکایا، سرهنگ برلینگ، اندزه ویتس، فرانتسیشک کوپش، استاد یاکوب پارناس، دوکتر بولسلاف دروبنر، سرهنگ آنتونی سیویتسکی، دکتر ستافان یندربیخوفسکی، الکساندر کلوس، کازیمیر ویتاشفسکی
- ۱۰۴



انتشارات گام

دیجیتال کنده : نینا پویان

۷۰ ریال